



بسم الله الرحمن الرحيم

همکاران این شماره: میثم قهوه‌چیان، علی فرج‌زاده، بهروز زواریان، محمود قره‌داغی، جواد پارسامهر، زهرا نوکاتی، اکبر ابراهیمی، یاسر مختاری و وهاب خدابخشی

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان قدس، خیابان بزرگمهر، پلاک ۸۵،
خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) | تلفن: ۰۲۱۲-۶۶۴۷۰۲۱-۹۸+
پست الکترونیک نشریه: rayehe@iqna.ir

ویژه‌نامه مناظره در پرتو قرآن و عترت
سال یازدهم | آذرماه ۹۵ | شماره ۱۲۵

مدیرمسئول: حمیدصابر فرزام
سردبیر: حمیدرضا یونسی
دبیر تحریریه: حسین الهوردی
مدیرهنری: زهرا شیرخان‌زاده
طراح جلد: علیرضا عبادی
عکس: سرویس عکس ایکنا



۹	چرا مناظره می‌کنیم
۱۰	مناظره با پذیرش تکثر ممکن می‌شود
۱۲	الزامات و اهداف مناظره
۱۷	مناظره بهترین راه تبیین حق است

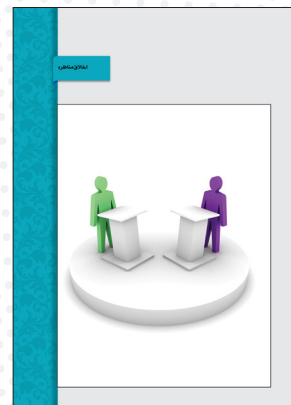


۲۷	منطق مناظره در قرآن
۱۸	منطق قرآن؛ هدایت از طریق گفت‌وگو
۲۰	مقایسه مناظره در قرآن با مدل یونانی و غربی
۲۱	روش هدایت قرآن گفت‌وگو بر پایه اقناع است
۲۳	تبشیر و اصلاح؛ غایت مناظره در منطق اسلامی
۲۵	اوج تمدن اسلامی محصول مناظره بین تمدنی بود
۲۸	سبک قرآن در مناظره برانگیختن وجدان‌هاست
۳۰	طلیعه رسالت انبیاء بر گفت‌وگو استوار است



۳۱	مناظره از منظر عترت
۳۲	مقایسه مناظرات امام صادق(ع) و امام رضا(ع)
۳۴	روش‌شناسی مناظره‌های امام جواد(ع)
۳۷	تأکید بر اعتقادات طرف مناظره؛ مبنای استدلال منطقی
۳۸	مناظره از دیدگاه قرآن و اهل بیت(ع)
۴۰	اصول اخلاق مناظره در روایات معصومین(ع)
۴۳	اولویت رهنمود معصومین(ع) در مدیریت مناظرات

۴۵	اخلاق مناظره
۴۶	مناظره؛ شیوه زیستی برای ارتقای اعتماد اجتماعی
۴۹	مناظره؛ از معاشقه با حقیقت تا مبارزه طلبی ایدئولوژیک
۵۲	مناظره؛ راهی برای نجات بشر



۵۳	کتابنامه
----	----------





- نشست خبری و افتتاحیه مسابقات
- آغاز ثبت نام از شرکت کنندگان در مرحله استانی / دانشگاهی بصورت گروهی
- اعلام شرایط برگزاری مسابقات استانی / دانشگاهی به دبیرخانه
- برگزاری شورای علمی مسابقات و تعیین گزاره‌های مرحله استانی
- ارائه گزاره‌های مصوب شورای علمی به مجریان

۱۳۹۴

- اعلام آمادگی استان و دانشگاه‌ها جهت اجرای مسابقات
- صدور احکام دبیران اجرایی مسابقات استانی / دانشگاهی
- کارگاه آموزشی دبیران اجرایی مسابقات
- ارسال بسته‌های آموزشی و کتاب راهنما برای مجریان

- برگزاری شورای سیاست‌گذاری مسابقات و تعیین شرایط اجرای دوره‌های آتی
- صدور احکام دبیر، رئیس شورای علمی و دبیر علمی مسابقات از سوی رئیس جهاد دانشگاهی
- صدور احکام مسئولان کمیته‌های دبیرخانه مسابقات

اسفند ماه

بهمن ماه

دی ماه

پنجمین دوره مسابقات

مردادماه

۱۳۹۵

تیر ماه

- صدور حکم دبیران اجرایی مرحله منطقه ای مسابقات
- شرکت دبیران اجرایی منطقه ای در کارگاه آموزشی
- برگزاری شورای علمی مسابقات جهت بررسی مرحله استانی و تعیین گزاره‌های مرحله منطقه ای
- تعیین برنامه زمانی و شرایط اجرای مرحله منطقه ای

- ارائه گزارش به دبیرخانه و ارزیابی مسابقات جهت انتخاب مجریان برتر
- اعلام آمادگی استان و دانشگاه‌ها جهت مشارکت در اجرای مرحله منطقه‌ای مسابقات





- اعلام اسامی گروه‌های برتر هر استان جهت شرکت در مرحله منطقه‌ای مسابقات

۱۳۹۵

- آغاز برگزاری مرحله استانی / دانشگاهی مسابقات

- برگزاری کارگاه‌های آموزشی و توجیهی برای گروه‌های شرکت‌کننده
- دریافت موضع گروه‌ها در ارتباط با گزاره‌های اعلامی و چینش جدول مسابقات در استان

خردادماه

اردیبهشت‌ماه

فروردین ماه

ملی مناظره دانشجویان

آذرماه

۱۳۹۵

آبان‌ماه

مهرماه

- برگزاری شورای علمی مسابقات جهت تعیین گزاره‌های مرحله کشوری
- نشست خبری مرحله کشوری مسابقات
- برگزاری افتتاحیه و کارگاه آموزشی و توجیه شرکت‌کنندگان
- اجرای مرحله کشوری مسابقات
- برگزاری فینال مسابقات کشوری و اختتامیه مسابقات با اهدای جام خواجه نصیرالدین طوسی به تیم برتر

- ارائه گزارش اجرایی مرحله منطقه‌ای و ارزیابی مجریان
- برگزاری شورای سیاستگذاری مسابقات جهت بررسی گزارش منطقه‌ای و تعیین شرایط اجرای مرحله کشوری
- برنامه‌ریزی و زمانبندی اجرای مرحله کشوری مسابقات

- آغاز برگزاری مرحله منطقه‌ای مسابقات



حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «آرا و نظرات خود را بر یکدیگر عرضه دارید تا رأی صحیح از آن پدید آید». در همین راستا امام صادق(ع)، مباحثه و مذاکره علمی را عامل شکوفایی و موجب حیات علم و دانش می‌دانند. به این معنی که لازمه حق‌جویی و حس حقیقت‌طلبی، تلاش برای کشف حقیقت میان نظرات متفاوت و مختلف است.

در جوامع امروزی که افراد هر روز با نیازها، مسائل و چالش‌های جدید مواجه هستند، می‌بایست مسائل را شناسایی کرده و با یکدیگر گفت‌وگو و تبادل اطلاعات نمایند تا با توجه به اصول مستدل راه‌حلی بیابند و دقیقاً در همین مقطع است که دانشگاه به عنوان نهادی که در آن گنجینه دانش بشری رشد و تکامل می‌یابد، نقش مؤثری داشته و فضای مناسبی برای به تضارب کشیدن آرا ایجاد می‌نماید.

اهمیت ایجاد فضای آزاداندیشی و گفت‌وگو در جامعه دانشگاهی بود که در سال ۱۳۸۱ جمعی از محققان و اساتید حوزه و دانشگاه زنگ خطری را احساس کردند و در لزوم ایجاد فضای باز گفت‌وگو و آزاد اندیشی به رهبر انقلاب نامه نوشتند، رهبری نیز در پاسخ ضمن تأیید بر لزوم ایجاد فضای آزاد بیان در دانشگاه‌ها فرمودند: «همین که این نسل از افراط و تفریط رنج می‌برد و راه ترقی و تکامل را نه در جمود و تحجر و نه در خود باختگی و تقلید، بلکه در نشاط اجتهادی و تولید فکر علمی و دینی می‌داند و می‌خواهد که شجاعت نظریه‌پردازی و مناظره در ضمن وفاداری به اصول و اخلاق و منطق در حوزه و دانشگاه بیدار شود، یک پیروزی و دستاورد است که باید آن را گرامی داشت».

در همین راستا اولین مسئله این بود که برای به نتیجه رسیدن از مناظره و مباحثه و فضای آزاد و گفت‌وگو در جامعه، محوری‌ترین بحثی که باید رعایت می‌شد رعایت شاخص‌ها و نکات مهم اخلاقی و روش گفت‌وگو و مناظره در اندیشه اسلامی بود، نکته‌ای که در مناظره‌ها و مباحثه‌های ائمه مصادیق روشنی دارد. در همین راستا فقدان آموزش صحیح برای گفت‌وگوی منطقی، علمی و اخلاقی با محوریت شناخت حق و حقیقت، نقص بزرگ فضای تعلیم و تربیت کشور بود. از این رو سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی با توجه به مأموریت اصلی خود مبنی بر کشف و شکوفایی و اعتلای استعدادها، اجتماعی، سیاسی و علمی دانشجویان و استفاده از ظرفیت بالقوه آنان، تصمیم گرفت تا زمینه‌ای برای آموزش هرچه بهتر و مفیدتر مسائل روز کشور را فراهم سازد تا ضمن مشخص شدن معایب و محاسن آنها، امکان تکامل و توسعه آن مسائل از طریق مناظره‌های علمی فراهم گردد.

لذا پس از بررسی مدل‌های گوناگون الگوی کاربردی جهت آموزش، شناسایی و حمایت از استعدادهای برتر دانشجویی در این عرصه، «مسابقات ملی مناظره دانشجویی»، «مدل ISDC» به عنوان روشی جهت فرهنگ‌سازی در میان جامعه دانشگاهی کشور به مرحله اجرا رسید. پنجمین دوره مسابقات علمی مناظره دانشجویان ایران نیز که امسال با حضور فعال تر ۴۴۰ تیم دانشجویی از سراسر کشور همراه بوده، در حالی به ایستگاه پایانی خود نزدیک می‌شود که مسیر را برای تربیت نسلی اخلاق مدار منطقی و توانمند هموارتر ساخته و موجبات رشد فکری و شکوفایی علم و دانش در ایران اسلامی را مهیا ساخته است.

ویژه نامه پیش‌رو به همت جهادگران گرانقدر در خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) و دبیرخانه مسابقات ملی مناظره در جهت شناخت و تعیین اندیشه‌های دینی و رواج آن‌ها در فضای گفت‌وگو در جامعه تهیه شده است، انشاء... که مؤثر واقع شود.

مهدی کاظمی خالدي

رییس سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی

چرا مناظره کنیم



مناظره با پذیرش تکرر ممکن می‌شود

حجت‌الاسلام و المسلمین مرتضی جوادی، رییس مؤسسه اسراء اعتقاد دارد که مناظره ابزاری برای رسیدن به انتخاب احسن است و لازمه آن بیان نظرات و اندیشه‌های مختلف است. به بیان وی پذیرش تکرر، مناظره را ممکن می‌کند. وی علاوه بر آنکه معتقد است مناظره بهترین امکان برای نشان دادن نقاط مثبت و منفی محصولات انسانی است، می‌گوید که مناظره با توسعه حوصله نظام ممکن خواهد بود. به گفته وی، مناظره یک مراقبت علمی است که ما به دنبال یک رقابت و رفاقت هستیم، نه مبارزه‌ای که باعث جنگ و جدال و برخوردهای اندیشه باشد.

مناظره چه جایگاهی در اندیشه دینی و قرآنی دارد؟

صحنه علم و عمل نیازمند امکانات و فرصت‌هایی است که در ذیل آن ابعاد محصولات فکری و انسانی مشخص شود. چه در حوزه علم و دانش و چه در حوزه‌های دیگری همچون تولیدات صنعتی باید فرصت‌هایی وجود داشته باشد که دیگران به نقاط قوت و ضعف محصولات و دستاوردهای بشری آشنا بشوند. خداوند در منطق فهم و معرفت که ریشه‌اش در اصل، وحی است، برای اینکه امتیازات وحی و حقایق غیبی که توسط پیامبران بیان شده است را بر مکاتب انسانی الحادی مشخص کند، نظرات این دو دسته را در قرآن بیان کرده است تا مردم نسبت به ابعاد، جهات و لایه‌های مختلفی که برای اندیشه‌ها وجود دارد، آگاه شوند و تمایزات آن را به خوبی تشخیص دهند.

به هر حال همه انسان‌ها نمی‌توانند در همه زمینه‌ها تخصص داشته باشند و همه جهات یک شی را به درستی بشناسند، بنابراین مناظره می‌تواند چنین زمینه‌ای را فراهم کند که هم به بخش‌های پنهان و ناشکار یک حقیقت مشخص آگاهی حاصل شود و هم نقاط ضعف دیگر جریان‌های فکری در هر زمینه‌ای نمایان شود. به هر حال امکانی برای بهتر شناخته شدن محصول مکتب یا جریان فکری، لازم است. جهات یک کالا یا فکر، خیلی روشن نیست تا همگان آن را بفهمند. بنابراین در شناخت ابعاد محصولات انسانی، امکانی بالاتر از مناظره وجود ندارد. امروزه با توجه به پیچیده بودن محصولات و اندیشه‌های بشری و چند لایه بودن آن‌ها، این ضرورت بیشتر در ذهن انسان‌ها شکل می‌گیرد و بسیاری از فریب و خدعه‌هایی که در برخی از اندیشه‌ها وجود دارد، از طریق یک مناظره آشکار شده و نقاط مثبت محصول دیگر نیز روشن می‌شود.

حضور به هم می‌رسانند، گرچه جریان اصلی و فراگیر جریان اسلامی به زعامت امام راحل شکل گرفت. بیشتر جریان‌های دیگر بر اساس اندیشه‌های مارکسیستی و جریان‌های التقاطی به میدان آمده بودند و طبیعی بود که این حضور و کثرت فکری و فرهنگی زمینه را برای مناظره فراهم کند. به هر حال تا قبل از اینکه انسان‌ها دست به کارهای سنگین و تند و تیزی بزنند که ممکن است جامعه را به اضطراب و التهاب بکشاند، باید میدان فکری را باز کرد و رسالت اصلی انقلاب ما هم باز کردن میدان‌های فکری است که همه نحل‌ها بیابند و حرف‌شان را بزنند تا بر اساس منطق قرآن که می‌فرماید «... فَبَشِّرْ عِبَادَ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ. * بندگان مابشارت بده * همان کسانی که به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند» (زمر، ۱۷-۱۸) انتخاب بکنند و برای اینکه جامعه انتخاب احسنی داشته باشد و از بین مکاتب مختلف که در اوایل انقلاب به صورت گسترده تبلیغ می‌شد انتخاب صورت بگیرد، مناظره ضروری بود. بنابراین برای روشن شدن مسئله میدان مبارزه‌ای را به نام مناظره قرار دادند که در آنجا انگیزه این بود که ابعاد و زوایای مکاتب غربی شناخته شود و در ضمن از این طرف هم نقاط امتیاز و قوت مکتب اسلام مشخص گردد. البته در اوایل انقلاب مناظرات در فضای ایدئولوژیکی و فضای تئوری‌های مکاتب اسلامی و الحادی بوده است، اما ما باید امکان و میدان مناظره را در همه زمینه‌ها به گونه‌ای فراهم کنیم که جامعه ما قدرت انتخاب احسن را پیدا بکند و نقاط قوت و ضعف محصولات در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، هنری فراهم شود و مناظره حقیقی صورت بگیرد.

ما باید مناظره را یک فرصت برای کشور بدانیم و نه تهدید و در عین حال زمینه‌های یک مناظره صحیح و آموزش را فراهم کنیم و اهل مناظره را به داشتن آداب فرا بخوانیم. اگر کسی در این فضا حرکت نکند، طبیعی است که جهت اصلی را فراموش کرده و حیثیت مناظره به مبارزه تبدیل خواهد شد و از این جهت، یک رقابت توأم با رفاقت به یک مبارزه خصومت‌آمیز منتهی می‌شود و امروز جامعه ما متأسفانه به جهت ضعف عمومی از مناظره به مجادله می‌رسد.

نیاز به توضیح است که مناظره غیر از مبارزه است. مناظره یعنی چند طرف نسبت به هم نظر داشته باشند و با دقت و تامل نسبت به هم و دستاوردها و رهاوردهای یکدیگر دقت کنند، اما مبارزه بسیار می‌تواند منفی و ناصواب باشد. مناظره می‌تواند شایسته و مفید باشد و مرز میان مناظره و مبارزه نزدیک و باریک است، خیلی‌ها با انگیزه مناظره پیش می‌روند، اما سر از میدان مبارزه در می‌آورند. در این‌جا آنچه باید بیشتر مورد توجه قرار بگیرد، فضای اصلی و فلسفه مناظره است که باید به درستی به جامعه تفهیم شود و تشریح نقش آن برای جامعه ضرورت مهمی است.

ما هنوز از امتیازات مناظره طرفی نیستیم و بهره‌ای نبرده‌ایم، زیرا آگاهی لازم در این زمینه را نداریم. از سوی دیگر مناظره یک مراقبت علمی است که ما به دنبال یک رقابت و رفاقت هستیم، نه مبارزه‌ای که باعث جنگ و جدال و برخورد اندیشه‌ها باشد. برخورد دو اندیشه که در مقابل هم قرار بگیرد و مواجهه اندیشه به معنای مبارزه به جایی نخواهد رسید، بلکه این‌ها را در یک مصاف واحد دیدن و نکات مثبت و منفی‌شان را ملاحظه کردن، بسیار صحیح است. اگر انسان به درستی آداب و شرایط مناظره را نداند، به زودی در وادی مبارزه می‌غلطد و نتیجه آن هم جدال و خصومت و جنگ خواهد بود، جا دارد ما فضای مناظره را در کشور و فرهنگ‌مان باز و روشن کنیم و از امتیازات خوب آن برخوردار شویم و خود و جامعه را به شدت از فضای مبارزه که متأسفانه موجب خصومت و عداوت در جامعه می‌شود، مصون داریم.

مناظراتی در اول انقلاب صورت گرفت که در آن اندیشه‌های مختلف مطرح می‌شد، چه ضرورتی برای آن مناظرات بود؟

در اوایل انقلاب جریان‌های مختلفی برای این نهضت



ویژه‌نامه
مناظره در پرتو
قرآن و عترت



ممکن است یک نفر به لحاظ منطقی دارای قوتی باشد اما مناظره یک حرفه و فن است و اگر کسانی مجهز به اندیشه باشند، اما فن و مهارت مناظره را نداشته باشند، ممکن است زمینه را برای فهم از دست بدهند. ما تجربیات تلخی داریم که نمی‌خواهیم تکرار شود و شاهد بودیم که در سطوح بالایی در کشور مناظراتی روی داد که از ذائقه کشور و نظام پاک نخواهد شد و دلیل آن این بود که افرادی که در این صحنه آمدند، اخلاق و شرایط مناظره را نداشتند و فضا را به جایی کشاندند که شایسته نبود.

آیا مناظرات اول انقلاب مفید بود؟

البته در آن دوران مناظرات مفید بود و شخصیت‌هایی که در جریان این مناظرات بودند شخصیت‌ها حرفه‌ای و اهل اندیشه بودند و سعی می‌کردند که در مصافی عادلانه و اخلاقی قرار بگیرند. در یکی از مناظره‌هایی که دستگاه قضا در اوایل انقلاب برگزار کرد، آیت‌الله شهید بهشتی و آیت‌الله جوادی آملی از یک سو با قضاتی که عقاید دیگری داشتند، در خصوص «قصاص» مناظره‌ای انجام دادند که می‌تواند به عنوان سمبل و الگویی برای مناظرات جامعه ما باشد. اسناد آن مناظرات وجود دارد که می‌توان اخلاق و آداب مناظره را از آن‌ها آموخت.

ایکنا: چرا مناظرات اول انقلاب ادامه پیدا نکرد؟

برای ادامه این مناظرات نیاز به حوصله، صبوری و شرح صدر توسط نظام هستیم. ما هر چه تحمل و بسط فکری نظام را در همه لایه‌ها بیشتر حس نکنیم،

احتمال اینکه چنین مناظراتی را در کشور داشته باشیم، بیشتر خواهد بود. اما اگر ما حوصله نظام را تنگ کرده و فضای گفت‌وگو را برای نخبگان ببندیم، نخبگان به مناظره نخواهند پرداخت. این میدان مناظره میدان بازی است که حتی ممکن است فراتر از حوزه‌های معمول و متعارف هم کشیده شود و باید حوصله نظام و کشور را به لحاظ فکری بالا برد و پذیرفت که اگر قرار است انتخاب احسنی صورت بگیرد، باید اقوال متعدد و سخنان متعدد به میدان بیاید. اگر باور داریم که جامعه ما قدرت انتخاب برتر را دارد، باید حوصله نظام را هم توسعه دهیم و وقتی حوصله نظام گسترش نیافته باشد، امکان مناظره فراهم نشده و دانشمندان به صحنه باز نمی‌گردند. امروز باید با تأسف گفت این اندیشه‌ها در درون خانه‌ها خاک می‌خورد و قدرت برون‌رفت اندیشه‌ها وجود ندارد.

مهم‌ترین اصلی که مناظره را ممکن می‌کند چیست؟

ما باید بپذیریم که همه انسان‌ها یکسان فکر نمی‌کنند و خدای عالم انسان‌ها را گوناگون آفریده است. اگر بنا باشد که همه انسان‌ها یکسان فکر کنند، اصلا رشد و توسعه‌ای برای کشور وجود نخواهد داشت. این اختلاف نظر و به تعبیری که آیت‌الله جوادی آملی می‌فرمایند اگر قبیل العلم باشد بسیار خوب است و امتیاز محسوب می‌شود، اما اگر این اختلاف بعد العلم باشد مذموم است. اختلاف قبل العلم اشکالی ندارد، زیرا نظرات مختلف گفته می‌شود و بعد انتخاب

احسن صورت می‌گیرد، اما اگر بعد از آنکه انتخاب احسن مشخص شد، باز هم اختلافی مطرح شود، اختلاف مذموم خواهد بود. ما الان متأسفانه به آن اختلاف اول که ممدوح است توجه نمی‌کنیم و از کثرت و تنوع نظرات هراس داریم و از همین رو افکار به میدان نمی‌آید و حوصله جامعه و نظام برای اینکه بتواند انتخاب احسن داشته باشد فراهم نیست. ما الان شاهد این معنا هستیم که تا سخنی غیر از سخن متعارفی که پذیرفته شده است گفته می‌شود، با اتهامی مواجه می‌شود و با نوع نگاهی منفی با آن برخورد می‌شود و این شایسته یک جامعه متعالی نیست. ما باید بپذیریم که برای رسیدن به منطق صحیح همه آراء و نظرات شنیده شده و نظر نهایی انتخاب شود که همگان از آن پیروی خواهند کرد. مهم‌ترین اهرمی که برای این کار نیاز داریم، عبارت است از توسعه فکری و فرهنگی و حوصله نظام. نظام باید این معنا را باور کند که جامعه ایرانی جامعه‌ای بسیار وسیع، گسترده و هوشمند است و جامعه‌ای است که از منابع مختلف معرفت خود را می‌گیرد و نوعی ترمینال اندیشه است که افکار از غرب و شرق وارد می‌شود. اینجا مانند کشورهای خاص شرقی و غربی نیست، بلکه میدانی است که با تجربیات فراوان علمی و داشتن اندیشمندان و فرهیختگانی که هر کدام به نوبه خود ستاره‌ای در عالم اندیشه هستند، می‌توان فضای فکری مولدی داشت و هرگز چنین کشوری نمی‌تواند در یک میدان محدود و حوصله مضیق، فعالیت علمی داشته باشد و این یک خسارتی است که متأسفانه در کشور ما وجود دارد.



گفت‌وگو با علیرضا صدرا؛

الزامات و اهداف مناظره

رايه

ویژه‌نامه
مناظره در پرتو
قرآن و عترت

بین خبرگان و دانشمندان رایج است. نوع دیگری از گفت‌وگو و مناظره خطابی و سخنوری است که اساسش باید بر اساس مقبولات و مشهورات باشد. هر قوم و ملیتی مقبولات و مشهوراتی دارند که به عنوان ایدئولوژی‌شان محسوب می‌شود و باید مفروض گرفته شود. این نوع گفت‌وگو بیشتر در میان گروه‌ها و شخصیت‌های داخلی صورت می‌گیرد.

نوع دیگری از مناظره جدل است که آداب و آیین خودش را دارد. جدل اسقاط طرف مقابل از موضعش است. یعنی در جدل، فرد به دنبال متقاعد کردن نیست. در مناظره‌های برهانی و خطابه‌ای دو طرف به دنبال متقاعد کردن یکدیگر هستند، اما در جدل این هدف دنبال نمی‌شود و اصل بر منقاد و اسقاط کردن طرف مقابل از موضع خود است. حتی ممکن است گفت‌وگو سفسطی، مغالطه‌ای و سوفیستی باشد یا مفروضاتش ظنی، توهمی و بر پایه دروغ و کذب باشد که این شیوه معمولاً مسئله مثبتی نیست و در حوزه‌های علمی از آن استقبال نمی‌شود.

مناظره بر وزن مفاعله و نوعی بحث و مباحثه محسوب می‌شود که متقابل و طرفینی است و در فارسی همان گفت‌وگوست که ما اصطلاحاً آن را دیالوگ می‌نامیم که در تعبیر سقراطی همان مناظره محسوب می‌شود. معمولاً مناظره گفت‌وگوی میان دو صاحب‌نظر و دو نظریه رقیب است که نسبت به یکدیگر هم‌آوردطلبی می‌کنند و روبروی هم قرار می‌گیرند و با یکدیگر مسابقه می‌دهند که پیروز این رقابت همان نظری است که رواست و رواج پیدا می‌کند.

اساساً گفت‌وگو بر پایه گفتن و شنیدن و نوعی داد و ستد است؛ یعنی هم باید بگوییم و هم بشنویم که این گفت‌وگو اساساً یک فن و آدابی دارد که در ادبیات اسلام نیز آداب بحث و مناظره مطرح شده است که با هدف دعوت بر اساس حق، منطق، عقل و حکمت موضوعیت پیدا کرده است.

البته عده‌ای مناظره را با جدل یکی می‌دانند اما واقعیت امر چیز دیگری است. مناظره یا گفت‌وگو می‌تواند برهانی و استدلالی باشد که این شیوه در

علیرضا صدرا، عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران بر این باور است که مناظره برهانی، خطابه‌ای و جدل آداب و آیینی دارد که با رعایت آنها و استفاده صحیح و به موقع از آنها در مقابله با جریان‌های مختلف می‌توان به سمت اهداف مورد نظر در مناظره پیش رفت. این مدرس اندیشه سیاسی اسلام و نظام سیاسی دولت در اسلام با بیان الزامات و اهداف مناظره، به پدیده‌های کنونی جهان اسلام و مسائل بین‌المللی اشاره کرده و مناظره با گروه‌های مقابل را منوط به رعایت شروطی عنوان کرده است.

مناظره به عنوان یکی از راه‌های تقویت گفت‌وگو، در تقابل فکر و اندیشه به ویژه در میان نخبگان و فرهیختگان متداول است. ارزیابی شما از کاربرد این شیوه در تاریخ اسلام چیست؟ چه شیوه‌هایی در مناظره مورد استفاده قرار می‌گیرد و دیدگاه اسلام نسبت به آن چیست؟



چرا مناظره کنیم؟

در مقطعی به ویژه در پایتخت‌های اسلامی و مراکز اسلامی دارالمناظره نیز تشکیل شد و محل‌هایی بود تا افراد برای مناظره با یکدیگر گرد هم جمع شوند. تجربه‌ای که در یونان باستان نیز سابقه داشته است. همانطور که برخی آثار افلاطون بر پایه همین مناظره‌ها و گفت‌وگوها شکل گرفت که تحت عنوان رسائل افلاطون مطرح است. چنین چیزی در جهان اسلام هم بی‌سابقه نبوده و افراد با حضور در دارالمناظره‌ها بحث‌های خود را مطرح می‌کردند که این مسئله در تئویر افکار عمومی مؤثر بود. در مناظره‌ها نه ضرورتاً اما تا حد زیادی سعی می‌کردند افراد دیگری را چه به عنوان داور و چه به عنوان ناظر دعوت کنند. گاه جلسه رسمی یا درباری بوده است. به عنوان مثال مأمون چنین مناظره‌هایی را برای نمایان کردن نقاط ضعف امام رضا(ع) ترتیب می‌داد که اتفاقاً این مناظره‌ها فرصتی برای ابراز وجود امام(ره) و طرح مطالب از سوی ایشان می‌شد و مناظره‌کننده‌ها را مجاب می‌کردند. این مناظره‌ها با رعایت لوازمی صورت می‌گرفته که

و بعد ضد آن را بیان می‌کردند و حاصلش خلق نظریه جدیدی بود. نوع دوم نظریه استشکالی است که بیشتر در حوزه اسلامی مطرح بود. در غرب هم آکویناس که شاگرد آلبرت کبیر بود و در حوزه آندلس تحصیل کرده و با ادبیات و گفت‌وگوها آشنا بود، در «الهیات عالی» و قواعد چهارگانه خود از روش استشکالی اسلامی استفاده کرده و آثار فاخر دیگری نیز با بهره‌گیری از این روش خلق شده است و سنت‌گرایان معاصر غرب هم دنباله‌رو آن بوده‌اند و حتی معتقدند باید به همین روش مناظراتی و گفت‌وگویی که قبل از ماکیاولی بوده است بازگشت. در تاریخ اسلام نیز شاهد مناظرات علمی هستیم. به ویژه امام صادق(ع) شاگردانش را تشویق و ترغیب به مناظره در مورد مباحث کلامی، نظری، بینشی و اعتقادی می‌کردند. خیلی از مناظرات نیز در محضر ایشان برگزار می‌شد و ایشان بر مباحث نظارت داشتند. امام رضا(ع) نیز مناظراتی از این دست داشتند.

موضوع دیگری که در مناظره می‌توان به آن اشاره کرد، بحث شعر و ادب است. ما گفت‌وگوی شعری داریم مثل مشاعره و مغازله که در برخی مواقع تعیین‌کننده و تأثیرگذار است چرا که می‌تواند فضای بحث را دگرگون کند یا خود به عنوان نوعی از گفت‌وگو مطرح شود. مثل مناظره سعدی با مدعی یا برخی مناظرات پروین اعتصامی که از این نوع به شمار می‌روند. در مناظره فی‌نفسه، نوعی دیالکتیک مطرح می‌شود، به ویژه دیالکتیک سقراطی. اما شیخ هادی سبزواری آنچه در شرح منظومه به کار برده روش استشکالی است که در این روش فرد مطلبی را مطرح می‌کند و بلافاصله آن را به چالش می‌کشد و سؤالاتی در رابطه با آن مطرح می‌کند و دومرتبه پاسخ می‌دهد. روش استشکالی روش بسیار وسیع و مهمی بوده است. در مناظره می‌توان گفت دو روش وجود داشت؛ یکی دیالکتیک سقراطی و به نوعی هگلی که در دوره‌های جدید مطرح می‌شود که بر پایه تز، آنتی‌تز و سنتز است یعنی نظریه‌ای مطرح می‌شد



حالی که بحث ما در رابطه با انسان متعالی و خلیفه‌الله است. بنابراین با دو فضای متفاوت روبرو هستیم. موضوع دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد این است که وقتی در این موضوعات بحث می‌شود، بحث‌شان یقینی نیست و ظنی و توهمی است. مثلاً فرض کنید می‌گویند آمریکا حق است و چون سلطه و توان دارد باید همه از او تبعیت کنند و حق دارد که خلیج فارس را حریم حیات خلوت امنیتی خود بداند و دیگران حق ادعای استقلال ندارند و اگر حزب‌الله مقاومت می‌کند، به معنای طغیان و زیر پا گذاشتن حق است.

امروز ما شاهد مغالطه آنها در رابطه با مسائل مختلف هستیم. مثلاً اگر یک سگ آمریکایی پایش بشکند حقوق حیوانات زیر سؤال می‌رود، اما وقتی مردم یمن زیر و رو می‌شوند هیچ کدام از کشورهای اروپایی صدایشان در نمی‌آید و حتی عربستان به عنوان رئیس حقوق بشر انتخاب می‌شود.

با این حال می‌توان در رابطه با این مسائل وارد مذاکره و مناظره شد، اما باید بدانیم که اختلافات و تفاوت‌ها از پای‌بست است. در رابطه با اینکه «حق چیست» تفاوت نظر داریم. از نظر آنها عربستان در یمن حق دارد چرا که عامل سلطه است. در اسرائیل هم همین مسئله وجود دارد. اسرائیل اسلحه‌های خود را به سمت مردم غزه شلیک می‌کند اما اگر مردم فلسطین برای زنده ماندن خود اسلحه به دست بگیرند، می‌شوند تروریست و هر کس به آنها اسلحه بدهد می‌شود حامی تروریسم.

آنها در موضوع حقوق بشر مغالطه و سفسطه می‌کنند. اصلاً اصل حقوق بشر یک مغالطه است و نهادهای بین‌المللی و حقوق بشری برای قانونمند کردن سلطه جهانی علیه سایر کشورهاست. سازمان ملل ایجاد نشده که از حقوق ملت‌های مستضعف دفاع کند، ایجاد شده تا از حقوق نامشروع سلطه دفاع کند و آن را قانونمند کند.

اینها ادعای حق و رعایت حقوق بشر هم می‌کنند اما واقع این است که اگر موضوع‌شان بشر باشد، بشر طبیعی است و اگر حق باشد که نیست، منظورشان پندار و توهم سلطه است.

آنها در مناظره‌های خودشان مغالطه می‌کنند در حالی که ما نمی‌توانیم مغالطه کنیم با این حال باید به مغالطه‌شان مسلط باشیم و بتوانیم آنها را از مواضع‌شان با استفاده از جدل ساقط کنیم. کما اینکه فازایی رساله مفصلی در رابطه با جدل دارد که برای روابط خارجی مطرح کرده است.

در بعد داخلی بیشتر خطابه استفاده می‌شود. مثل نماز جمعه و سخنرانی؛ در دانشگاه‌ها و مراکز علمی مناظره برهانی کارایی دارد و در روابط خارجی باید نسبت به مغالطات مسلط باشیم، اما در عین حال باید با جدل با آنها برخورد کنیم، چون موضع‌شان طوری است که مغالطه می‌کنند و باید به دنبال رفع آن باشیم در این صورت مناظرات مفیدی خواهیم داشت.

حال اگر اینها عمه و عامل سیاست‌های بیگانه باشند و عالماً و عاملاً بخواهند سیاست‌های بیگانه را رواج دهند، جهل مرکب دارند. با جهل بسیط می‌توان با خطابه یا شعر یا جدل مقابله کرد، اما کسی که جهل مرکب دارد سفسطه و مغالطه می‌کند و در این صورت باید او را از مغالطه خارج کرد. ما که نمی‌توانیم مغالطه کنیم اما با جدل می‌توانیم به مقابله با آنها بپردازیم.

اینها تکفیری هستند و به قول سعدی «خفته در زیر گل» هستند و فکر و شعور ندارند و فقط شور هستند اما با کسانی که اهل فکر و علم باشند می‌توان وارد مناظره و مباحثه شد. البته در بین همین‌ها ممکن است افرادی باشند که فریب خورده‌اند که می‌توان در مورد آنها امیدوار بود.

اشاره کردید که می‌توان با کسانی که اهل فکر و علم هستند و یا چنین ادعایی را مطرح می‌کنند، وارد بحث و مناظره شد. امروز شاهد هستیم که جمهوری اسلامی ایران اختلاف نظرهایی با غرب در رابطه با مباحث مختلف مانند حقوق بشر و تروریسم دارد که مشکلاتی را به وجود آمده است. اخیراً برخی مسئولان کشورمان مطرح کرده‌اند که در حال گفت‌وگو در رابطه با موضوع حقوق بشر هستیم. آیا می‌توان با استفاده از قالب و شیوه‌هایی که در اسلام مطرح بوده وارد مذاکره و مناظره با طرف‌های غربی در این موارد شد؟

یقیناً، اما باید بدانیم که غرب آنچه در مورد حقوق بشر مطرح می‌کند چه معنا و مفهومی دارد. در قرآن دو کلمه «بشر» و «انسان» داریم. وقتی غرب از حقوق بشر سخن می‌گوید، منظور انسان طبیعی است در

مهم‌ترین آنها منطق است؛ نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد بحث ادبیات و دیگری تسلط بر محتوا و موضوع است. نکته مهم دیگری که باید در مناظره دقت شود رعایت اخلاقی و آداب و حفظ حرمت و توهین نکردن و دشنام ندادن و اکرام و جذب و جلب نظر طرف مقابل است. اینها آدابی است که در مناظره باید مورد توجه قرار گیرند.

امروز با گروه‌های افراطی در دنیای اسلام مواجه هستیم که به هر حال در تاریخ اسلام نیز چنین گروه‌هایی وجود داشته است. اساساً با این گروه‌ها می‌توان وارد مناظره شد یا موضوع مناظره با چنین گروه‌هایی منتفی است؟

همانطور که مطرح شد باید سطح و نوع مخاطبان در مناظره مورد توجه قرار گیرد. گروه‌هایی مثل تکفیری‌ها به جریان وهابی برمی‌گردد. این جریان سلفی و گذشته‌گراست و میلی به نوگرایی ندارد. البته برخی گروه‌های سلفی داریم که نوگرا هستند؛ مثل رشید رضا و حتی اخوان المسلمین که نوگرا هستند و معتقدند که برخی سنت‌ها را می‌توان به‌روز کرد. بر این اساس، بیعت می‌شود انتخابات، امر به معروف و نهی از منکر تبدیل به مشارکت سیاسی، نظارت سیاسی و مانند اینها می‌شود. اما تسلف وهابی که به این تیمیه وصل می‌شود اساساً ظاهرگرا هستند و حتی برخی از آنها عقل‌ستیز می‌شوند و اصلاً عقل را کفر و شرک می‌دانند. نه تنها ظاهرگرای تسلف هستند، بلکه متصلب هستند، یعنی انسدادی هستند و اجتهاد و اندیشه را قبول ندارند.

با چنین گروه‌هایی نمی‌توان با برهان صحبت کرد. روشی که خودشان استفاده می‌کنند مغالطه است و نمی‌توان در مقابل مناظره برهانی را به کار گرفت.



محبت الاسلام سیدرضا مودب:

مناظره بهترین راه تبیین حق است

حجت الاسلام مودب استاد علوم قرآن دانشگاه قم است. به عقیده وی مناظره مرحله‌ای از گفت‌وگو است که طرفین برای حقانیت خودشان از آن استفاده می‌کنند و بهترین راه تبیین حق است و در قرآن نیز پیامبران از این روش استفاده کرده‌اند. به گفته وی، مناظرات ممکن است آسیب‌هایی داشته باشد، اما این آسیب‌ها بسیار اندک است، به خصوص اگر از یک روش علمی و منطقی تبعیت کند.

مناظره از نظر قرآن چه جایگاهی دارد؟

مناظره در واقع مربوط به مرحله‌ای از گفت‌وگوست و دو دیدگاه یا دو شخصیت صاحب‌نظر برای اثبات حقانیت خودشان از آن استفاده کرده و اطلاعات خود را جابجا می‌کنند و طبیعی است که اسلام به عنوان آخرین دین در مواردی با ادیان دیگر مناظره داشته است و اگر در قرآن مرور کنیم، یکی از مهم‌ترین

مناظره‌هایی که قرآن گزارش می‌کند، گفت‌وگو یا مناظره‌ای است که میان پیامبر اسلام (ص) و مسیحیان نجران اتفاق می‌افتد و در واقع آیه «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ: پس هر که در این [آیه] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده با تو محاجه کند بگو بیایید پسران ما و پسران ما و زنان ما و زنان ما و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم، سپس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم» (آل عمران، ۶۱) به این رویداد اشاره می‌کند. این آیه که به آیه مباحله تعبیر شده است، در واقع یکی از مراحل مناظره است که وقتی انسان‌ها با هم گفت‌وگو می‌کنند و به نتیجه نمی‌رسند، از خدا می‌خواهند که دروغ‌گو مورد لعنت خدا واقع شود و مباحله روشی بوده که

در آخر مناظرات انجام می‌شده است. پیامبر اسلام (ص) در مناظراتی که آخرش به مباحله کشید، به خوبی توانست حقانیت خود را روشن کرده و حقانیت پیامبر اسلام (ص) در این گفت‌وگوها موجب شد تا اسلام در منطقه گسترش پیدا کند. پیامبر نه تنها با مسیحیان که با مشرکان هم مناظره کرده و به اقتضای مخاطبانی که داشته به مناظره می‌نشسته است. مناظره روشی برای تبیین حق از طریق گفت‌وگوهای منطقی و مستدل است و اگر در قرآن مرور کنیم، قبل از پیامبر اسلام دیگر انبیاء نیز در مقابل منکرین و ادیان دیگر مناظره می‌کردند و شاید یکی از بزرگترین مناظرات تاریخ را باید میان حضرت موسی و فرعون بدانیم. از مناظرات دیگر قرآنی می‌توان به مناظره حضرت ابراهیم با مشرکین و مخالفان اشاره کرد که نتایج خوبی هم در پی داشت. اصولاً فرهنگ قرآن در آیه «...وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا...»

چرا
مناظره کنیم؟

و با مردم [به زبان] خوش سخن بگوئید...» (بقره، ۸۳) بیان شده است، یعنی باید با مردم و حتی مخالفین با زبانی درست گفت‌وگو کرد، همان‌طور که در قرآن داریم «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...» با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله کن...» (نحل، ۱۲۵) و این یعنی باید دیگران را با روش حکیمانه، مستدل و منطقی دعوت کرد و پیامبر(ص) با همه مخالفین خودش این گفت‌وگوها را انجام می‌داد و همین گفت‌وگوها بود که توانست نتایج خوبی به همراه داشته باشد. از این‌رو مناظره بسیار سودمند است و نباید از آن کوتاه آمد.

شاید بهتر باشد به مناظراتی که حضرت ابراهیم(ع) با ستاره‌پرستان و مشرکان داشته و در آیات ۷۵ تا ۷۹ سوره انعام منعکس شده است، اشاره کرد که بهترین نمونه مناظره‌ها بوده و تأثیرات بزرگی داشت. حضرت ابراهیم(ع) وقتی با مشرکان مواجه می‌شود در مرحله‌ای ابتدا با ایشان هم‌سو می‌شود و نوعی احساس مشترک با مشرکان ایجاد می‌کند که در آن بتواند تفهیم و تفاهم منطقی‌تر و مناسب‌تری داشته باشد. ایشان وقتی ستاره را شب‌هنگام می‌بیند، می‌گوید این پروردگار من است ولی طبیعتاً وقتی که این ستاره غروب می‌کند و زمانش می‌گذرد، از آن منصرف می‌شود و بعد به سراغ ماه‌پرستان و خورشیدپرستان می‌رود و همین استدلال را می‌کند. به بیان دیگر ایشان ابتدا به صورت غیرمستقیم همسویی کرده و اصل پرستش را مورد تأکید قرار می‌دهد، اما در خصوص مصداق پرستش با ایشان مناقشه می‌کند. در خصوص ماه و خورشید نیز ایشان چنین رفتاری انجام می‌دهد. ایشان به خوبی در مناظرات، نادرستی آرای مشرکان را نشان می‌دهد. به بیان دیگر حضرت ابراهیم(ع) در جمله آخر مناظره از شرک تبری می‌جوید، اما در ابتدا با ایشان همراه می‌شود تا مناظره تأثیرگذاری داشته باشد. اما در مراحل اولیه مناظره که با فطرت حقیقت‌جوی ایشان روبرو می‌شود، مصادیق انحراف را یادآور می‌شود تا تأثیر خود را بگذارد.

ما تعبیر مناظره را در قرآن نداریم، اما گفت‌وگوهایی که بین رسولان الهی و مخالفان بوده در قالب مناظراتی انجام شده است و ما امروز هم به این مناظرات نیاز داریم. ما امروز در دنیایی زندگی می‌کنیم که اکثریت مردم دنیا مسلمان نیستند و در بین مسلمانان هم اختلاف نظرات مذهبی و قابل توجهی وجود دارد و برای تبیین حق، چه با مخالفان خود و غیرمسلمانان و چه بین خودمان، نیازمند مناظراتی روش‌مند و عاقلانه هستیم.

شاید یکی از راه‌حل‌های جریان تکفیری که در جهان اسلام ایجاد شده و به آفت بزرگی تبدیل شده است، هم همین مناظره‌ها باشد که باید در بین علما اسلامی اتفاق بیفتد و باید در اینجا از آیت‌الله مکارم شیرازی تشکر کرد که همایش تکفیر را برگزار کردند. الان ما در دنیای امروز با مسیحیان در فرق گوناگون، یهودیان، هندوها و ... مواجه هستیم که در اینجا راه اصلی تبیین حق مناظره است، گرچه راه‌های دیگر هم می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد، اما مهم‌ترین راه در تبیین حق راه علمی مناظرات و گفت‌وگوهای علمی احسن است که بتواند حق را تبیین کند. طبیعی است که وقتی امام عصر(عج) ظهور می‌کنند، برای تبیین حق، یاران حضرت یا خودشان در مواردی با مخالفان گفت‌وگوهای علمی داشته باشند و این گفت‌وگوهای علمی از منطق قوی برخوردار بوده و تأثیرگذار خواهد بود و اگر ایشان دنیا را فتح می‌کنند، مبتنی بر فکر و معنویت خواهد بود.

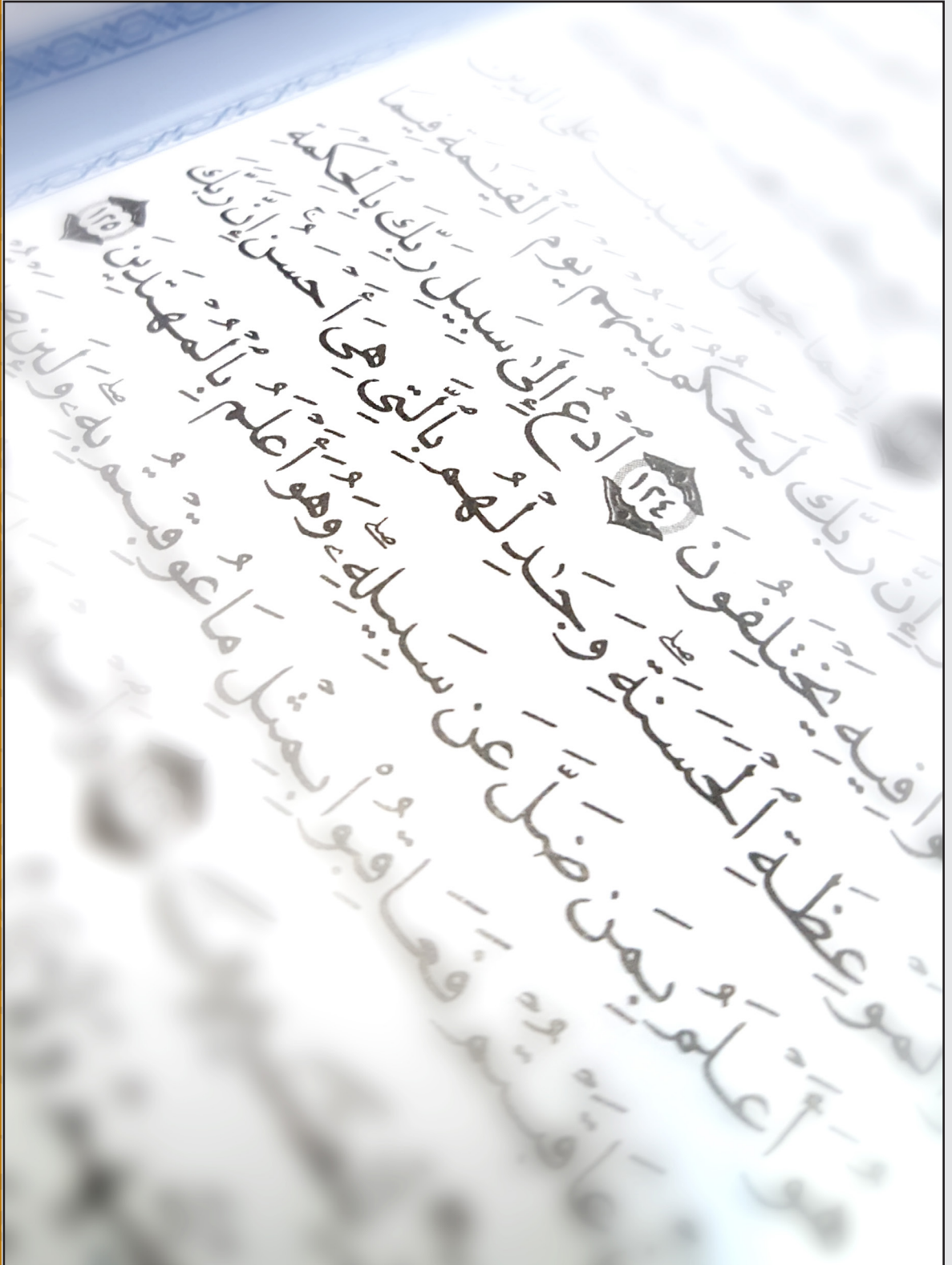
ما شاهدیم که برخی معتقدند مناظرات آسیب‌هایی می‌تواند داشته باشد، شما حدود مناظره را چه می‌دانید؟

طبیعتاً مناظرات ممکن است آسیب‌هایی داشته باشد، این قابل قبول است اما این آسیب‌ها بسیار اندک است. به خصوص اگر از یک روش علمی و منطقی تبعیت کند، در مناظرات ما باید روی مبانی یک‌دیگر بحث کنیم و هر کسی با توجه به مبنای خود، بحث را پیش ببرد و در خصوص مبانی دیگر و با روش مورد قبول عقلی به گفت‌وگو بپردازد. روش عقلی زبان مشترک بین همگان است و با این روش می‌توان به گفت‌وگو پرداخت. البته اگر کسی اهل مناظره نیست و توانایی شرکت در آن را ندارد، باید از این میدان دوری کند. این میدان برای بزرگان و علماست. کسانی که هم در حوزه تخصصی مربوط به مناظره و هم فن بیان دارای مهارت هستند، توفیقاتی در مناظرات داشته‌اند. باید مناظره‌ها رسانه‌ای شود و اگر حقایق بیان شود تأثیرگذار خواهد بود. ما شاهدیم که در بین خود فرق اسلامی مناظرات زیادی وجود داشته که بسیار هم تأثیرگذار بوده است. کتاب‌ها و آثار گران‌قدری در این زمینه نوشته شده است. اگر مناظرات امام رضا(ع) به خصوص مناظراتی که با صاحبان کلام داشتند، را نگاه کنیم، نکات مهمی را در خواهیم یافت. این نشان می‌دهد اگر مناظرات با روش معقول انجام شود، مفید خواهد بود. ما نیازمندیم که مناظره داشته باشیم و راه‌های دیگر به اندازه این راه موثر نخواهد بود، با این قید که

روش مناظرات علمی و منطقی باشد. اینک طرفین مناظره خود را حق و دیگری را باطل می‌دانند، مانع مناظره نیست؟ و در چنین شرایطی مناظره ممکن است؟ مناظرات اصولاً بین کسانی است که جستجوگر حق هستند. مناظره با کسی که حق برایش روشن شده، اما پا روی حق می‌گذارد، مفید نخواهد بود. اگر انسان‌هایی طرف مناظره باشند که دنبال حق هستند و در عین حال فکر می‌کنند حق با آنهاست، باعث خواهد شد که مناظرات سودمند باشد. زیرا اگر کسی طالب حق باشد، در مواجهه با استدلال قوی‌تر و فطری‌تر تسلیم حق می‌شود. بنابراین باید همیشه امیدوار باشیم. مناظره با کسانی که اهل لجاج هستند، سودمند نیست و باید از مناظره با ایشان پرهیز کرد، اما باید بدانیم که انسان‌ها اصالتاً پاک هستند و دیگران در می‌یابند حق با کیست و جامعه علمی را به حق نزدیک می‌کند.

مناظرات اول انقلاب چه بهره‌هایی داشت؟ و آیا ما باید به فضای مبتنی بر مناظره برگردیم یا نه؟

مناظرات در انقلاب اسلامی به خصوص در سال‌های ۶۰ بین گروه‌های انقلابی بسیار گسترش پیدا کرد، رسانه‌ای شد و در محافل علمی هم صورت گرفت. به نظرم خیلی پیامدهای مثبتی داشت که یکی از این پیامدها روشن شدن حقانیت انقلاب برای عموم مردم بود. برای عموم طرفداران افکار الحاد نیز نادرستی روش‌شان روشن شد، به همین علت است که ما بعد از سال ۶۱ شاهد این هستیم که حملات تروریستی کاهش می‌یابد و این یعنی هواداران گروه‌های انحرافی در پی مناظرات دست از مسیر خود برداشتند و این تأثیر مناظرات علمی بود که امام(ره) تلویحاً از آن حمایت کرد و بزرگان آن را انجام دادند. مناظرات توانست شرایط را به نفع انقلاب تغییر دهد. الان شرایط در آن حدی نیست که بگوییم نیاز به مناظره داریم و کشور بحمدالله تقریباً یک‌دست است و اگر مخالفینی هستند بیشتر در خصوص مصادیق و روش‌ها مخالفت دارند و مخالف اصل و مبانی انقلاب نیستند تا مناظراتی انجام شود، اما در برخی از مجالس می‌توان در خصوص روش‌ها هم مناظراتی برگزار کرد و در هیچ دوره‌ای نمی‌توان راهش را بست و همیشه ممکن است انسان‌هایی باشند که یا در مبانی یا در روش نیازمند مناظره باشند و باید آنها را توسعه داد.



منطق قرآن؛ هدایت از طریق گفت‌وگو

شرایط گفت‌وگو با توسعه ذهن تحقق می‌یابد

وی با بیان اینکه تحقق شرایط گفت‌وگو همیشه نیازمند توسعه ذهنی است، گفت: ذهن ضعیف نمی‌تواند گفت‌وگو کند و خشونت یا بی‌اعتنایی را می‌پسندد. فرض کنید دانشجویی حجاب خود را رعایت نمی‌کند، زمینه گفت‌وگو می‌خواهد تا هدایت بشود و به اسلام معتقد شود و حجاب را رعایت کند، اما دانشگاه‌های ما چطور عمل می‌کنند؟ رییس دانشگاهی تعریف می‌کرد که وارد دانشگاه می‌شدم که دیدم دانشجویی حجاب مناسبی ندارد. او را صدا کردم و کارت دانشجویی‌اش را گرفتم و پاره کردم. دانشجو ناراحت شد، مدتی بعد خانواده و دانشجویی برای پیگیری به نزد من آمدند و متوجه شدند که رییس دانشگاه من هستم و بسیار ناراحت شدند. آیا اگر کارت دانشجو را پاره کنیم و چشمش را گریان کنیم و چند شبانه‌روز او و خانواده‌اش را نگران نماییم، اسلام اجرا خواهد شد؟ برخی به جای این که امر به معروف و نهی از منکر را از راه گفت‌وگو انجام دهند، آن را از طریق خشونت اجرا می‌کنند.

نهی خداوند از تندی و سنگ‌دلی

این مفسر قرآن تصریح کرد: خداوند به پیامبر هشدار می‌دهد که اگر تند و سنگ‌دل باشی، مردم از دور تو پراکنده می‌شوند «وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ: و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند» (آل عمران، ۱۵۹) و این را با یک لحنی می‌گوید یعنی مردم حق دارند و می‌توانند گفت‌وگو کنند.

یثربی افزود: باید طوری رفتار کنیم که مردم تن به گفت‌وگو دهند، گفت‌وگو زحمت دارد. در جاهای مختلف قرآن اشاره شده است که پیامبران آزار دیده‌اند و صبر کرده‌اند، ما آزار ندیده‌ایم و مدارا نداریم. می‌گوییم ما باید حجاب داشته باشیم و اما حاضر نیستیم هزینه این باید را بپردازیم و راحت‌ترین کار که خشونت و اخراج است را انتخاب می‌کنیم. وی ادامه داد: اما در رابطه با دیگران وقتی گفت‌وگو

شمرده است و خطاب‌های قرآن به مشرکان بسیار بوده و خداوند به پیامبر دستور می‌دهد که با کافران مناظره کند، اما پرداختن به گفت‌وگو به ما بر می‌گردد و اینکه بتوانیم شرایط آن را فراهم کنیم. وی در پاسخ به این پرسش که شرایط اجرای گفت‌وگو چیست؟ گفت: من ابتدا مثالی بزنم. مراجع عظام می‌گویند ربا حرام است، اما می‌بینید که در عرض چهل سال نه تنها این کار جمع نشده که بدتر هم شده است. در اوایل سود بانک‌ها کم بود و در بازار هم کمتر پول به ربا می‌دادند. این در حالی است که در اوایل انقلاب، کشور همسایه ما ترکیه، غرق در ربا بود و تا ۶۰ درصد ربا می‌دادند و آن زمان چهار پنج برابر بانک‌های ما ربا پرداخت می‌شد. تنها نگرانی که در آن موقع وجود داشت، این بود که بانک‌های ترکیه ورشکست شوند و بسیاری از مردم پول خود را برای دریافت سود به آن کشور می‌بردند، اما الان بانک‌های ترکیه سود نمی‌دهند و اگر بدهند در حد ۳ درصد است و وام هم با این درصد داده می‌شود. آیا آنها به اسلام بهتر از ما عمل می‌کنند؟ جواب منفی است، آن‌ها شرایط اجرای حکم را ایجاد کرده‌اند.

امر به معروف؛ از مصادیق گفت‌وگو

این مفسر قرآن، افزود: بنابراین شما به این نباید امیدوار باشید که گفت‌وگو واجب است، دزدی، شرک، ظلم و بسیاری از مسائل حرام یا واجب است، مهم اجرایی شدن این‌هاست و از فتوا تا اجراء هزار فرسنگ راه است و ما باید به اجرا فکر کنیم. الان حکمی نیست که مردم ندانند، اما باید مراجع و علما جمع شوند و به اجرا شدن آن فکر کنند.

یثربی تصریح کرد: امر به معروف و نهی از منکر خود نوعی گفت‌وگوست و شما وقتی می‌بینید اگر کسی منحرف شده است، باید با او گفت‌وگو بکنید و هدایت از طریق گفت‌وگو صورت می‌گیرد و آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ: در دین هیچ اجباری نیست و راه از بی‌راهه به‌خوبی آشکار شده است» (بقره، ۲۵۶) به همین معناست.

یحییٰ یثربی معتقد است بر اساس منطق قرآن، هدایت از طریق گفت‌وگو صورت می‌گیرد، وی همچنین بر آن است که وجوب گفت‌وگو از اجرای آن فاصله زیادی دارد و برای اجرای گفت‌وگو نیازمند توسعه ذهنی هستیم. به گفته وی، مسئله هدایت در قرآن کریم از واژه‌هایی است که سرا پا معجزه است. هدایت یعنی آن قدر به کسی توضیح بدهی که فرد خود بداند که هدایت چیست و برایش روشن شود که خدایی هست.

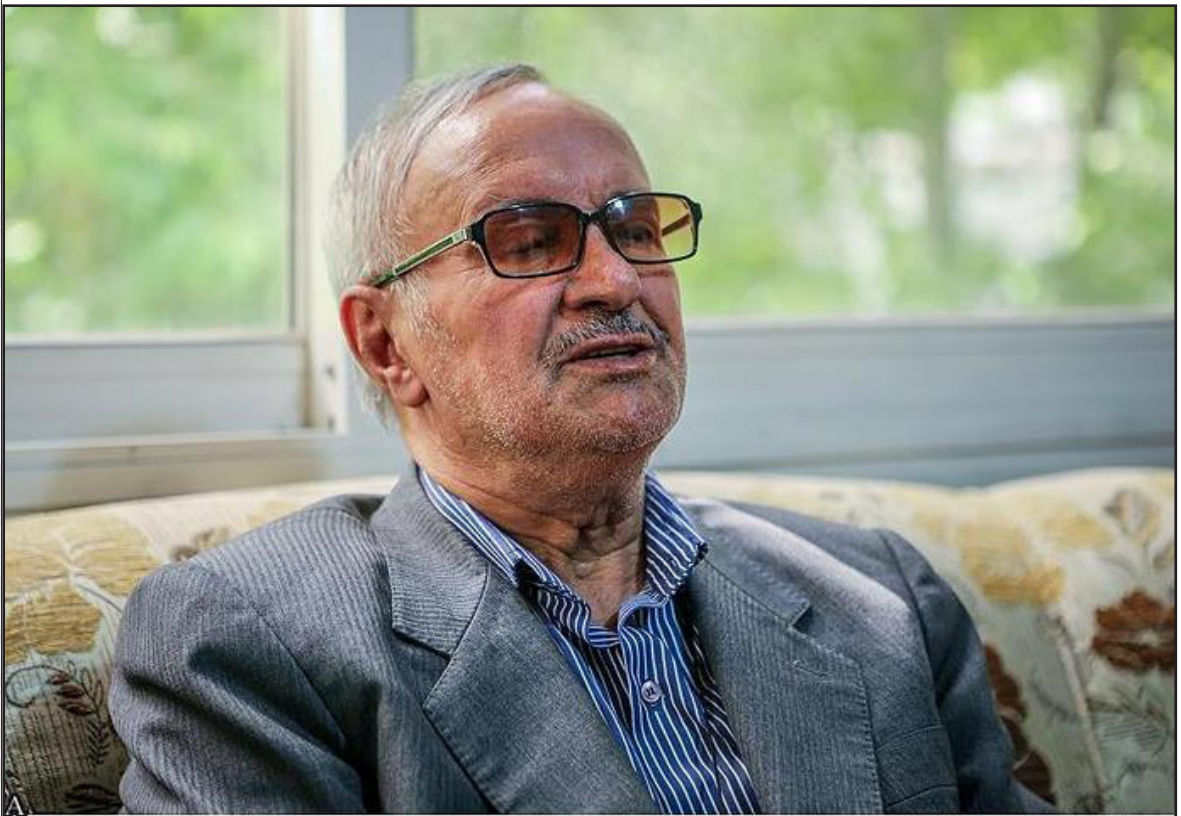
دکتر یحییٰ یثربی، صاحب تفسیر روز در پاسخ به این پرسش که جایگاه گفت‌وگو در اسلام کجاست؟ گفت: اینکه ما گفت‌وگو یا صدها مطلب دیگر را در دین داریم، یک چیز است و اجرایی شدن آن چیز دیگری است. برای مثال ما دزدی و دروغ را حرام می‌دانیم و این از ضروریات دین است، اما از طرف دیگر می‌بینیم چنین مسائلی در جامعه به وفور وجود دارد. شما فرض کنید گفت‌وگو در اسلام واجب باشد، آیا اجرا خواهد شد؟ در آیات ۱۷ و ۱۸ سوره زمر خداوند به کسانی که مطالب دیگران را بشنوند و بهترین را انتخاب کنند، بشارت داده است. در آیه «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْخَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ: با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله‌نمای در حقیقت پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده دانانتر و او به [حال] راه‌یافتگان [انیز] دانانتر است» (نحل، ۱۲۵) دعوت به مناظره و استدلال تشویق شده است، اما اگر شرایط گفت‌وگو فراهم نباشد، در جامعه اجرا نخواهد شد.

یثربی افزود: در اسلام، ربا حرام اعلام شده است و این کار به معنای جنگ با خدا معرفی شده است اما امروزه در جامعه ما، ربا وجود دارد، بنابراین حکم یک چیز و اجرای آن چیزی دیگر است. گفت‌وگو در اسلام وجود دارد اما به این معنا نیست که ما اهل گفت‌وگو باشیم. اسلام گفته است گفت‌وگو کنید و این کار را لازم



ویژه‌نامه

مناظره در پرتو قرآن و عترت



«هدایت»: واژه معجزه گر قرآنی

یثربی ادامه داد: مسئله هدایت در قرآن کریم از واژه‌هایی است که سرا پا معجزه است. هدایت یعنی آن قدر به کسی توضیح بدهی که فرد خود بداند که هدایت چیست و برایش روشن شود که خدایی هست. وی در ارزیابی اینکه اگر ما به حقیقتی قائل باشیم، گفت‌وگو ممکن نخواهد بود، گفت: خیر چنین نیست، هر کس خودش را حق می‌داند و اسلام می‌گوید تو به هدایت دیگران بپرداز و امر به معروف کن. امر به معنای دستور نیست و واژه ما را به خطا می‌اندازد. مراد این است که کاری کن که فرد خود به راه راست برود. این مفسر قرآن ادامه داد: این ضروری گفت‌وگوست که تو خود را حق می‌دانی و با دیگران مذاکره می‌کنی و انسان باید نجات را برای همه بخواهد و نمی‌تواند به هدایت دیگران بی‌تفاوت بود. ما وقتی احساس می‌کنیم بر حقیق، با دیگران بحث کنیم، اما از نظر برخی‌ها، توسعه‌یافتگی ذهن و به دیگران حق دادن به ضرر اسلام است. این یک روش است و با این روش هر مسیحی باید به توی مسلمان حق بدهد که با تو بحث کند، در آن صورت دینی که بر حق است، پیروز خواهد شد. وقتی حق و باطل با هم صادقانه صحبت کنند، اگر صد نفر این مناظره را پیگیری کنند، ۸۰ نفر حق و بقیه باطل را انتخاب خواهند کرد. اما اگر گفت‌وگو نشود، کسی که حق است، برای همیشه حق می‌ماند و دیگران در باطل می‌مانند. بنابراین گفت‌وگو مانند منطق و شک مال عموم انسان‌هاست. یکی می‌گوید اگر من در ولایت علی شک کنم، درست است؟ درست

ممکن می‌شود که زمینه ذهنی وجود داشته باشد. ابتدا افراد نباید فکر کنند تنها عقل موجود در جهان، خودشان هستند و احتمال بدهند طرف مقابل هم انسان است و می‌تواند فکر بکند. اگر این زمینه وجود نداشته باشد و فرد فکر کند همه احمق هستند، با کسی گفت‌وگو نمی‌کند و فرد باید جز خود، دیگران را دارای عقل و اندیشه بداند.

این مفسر قرآن با بیان اینکه شرط دوم این است که فکر نکند حقیقت آشکار است، گفت: اگر فکر کند حقیقت آشکار است، دیگری را به رسمیت نمی‌شناسد، اما حقیقت به این آشکاری نیست و نیاز به توضیح دارد و نباید بلافاصله حمله کرده و به خشونت دست زد. ما خیلی از عقاید خود را بسیار آشکار می‌دانیم. اما حقیقت دلیل می‌خواهد.

وی تصریح کرد: از خود خداوند مفهومی آشکارتر نداریم، اما قرآن برای خدا استدلال می‌کند و می‌گوید از مخلوق به خالق فکر نکنیم. اما اگر فردی فکر کند که آشکار است، در این زمینه فکر نخواهد کرد. برای مثال یک مسیحی ساده، تثلیث را چنان آشکار می‌بیند که ممکن است فکر کند اگر کسی آن را قبول نکند، باید او را کشت. ممکن است یک مسلمان هم نسبت به کس دیگری چنین فکری داشته باشد. باید بدانیم دیگران هم عقل دارند و حقیقت آشکار نیست و برخی‌ها ممکن است متوجه نشوند و احتیاج به هدایت و کمک داشته باشند.

نیست، زیرا اگر کسی با دلیل به این مسئله رسیده باشد، شک نمی‌کند، اما اگر فرض مسیحی یا بت پرست باشیم و در باور خود شک کنیم، راه پیدا می‌کنیم. این دستوری است برای کل بشریت، اما تو که به ولایت علی معتقدی اگر عقیده‌ات را زیر ذره‌بین بینی، با دلایل محکم‌تر و یقین استوارتر این عقیده را خواهی داشت و روش درست به کسی آسیب نمی‌رساند.

حقیقت، چه قدسی چه غیر قدسی با فهم من به دست می‌آید

وی در پایان گفت: حقیقت چه قدسی باشد و چه نباشد، باید با فهم ما به دست بیاید و خود خدا باید با عقل ثابت شود. ما در نظام عقلی انسان حق می‌دهیم او در همه چیز دخالت کند و عقل تنها وسیله انتخاب انسان است، همان طور که در زندگی روزمره ما حق می‌دهیم کسی چشمش را نبندد، زیرا تنها وسیله تشخیص چاله از چاه است و نباید در چاه بیفتد. قدسیت مطرح نیست و هر چیزی را می‌توان مورد شک قرار داد و اصلاً اسلام دستور داده است که اصول دین را تقلیدی قبول نکن و این یعنی این که اگر دلیل داری بپذیر و این به نفع دین درست است. اگر دین را زیر ذره بین بگذاریم، دین درست پیروز می‌شود، ولی اگر زیر ذره بین نگذاریم، مثل کسانی که می‌گویند ایمان عقلی نیست، آن وقت هر کس در ایمان خود برای همیشه می‌ماند و بشر از نظر معرفت دچار آسیب می‌شود، زیرا ممکن است یکی حق باشد و بقیه در باطل‌شان تا قیامت می‌مانند.

مقایسه مناظره در قرآن با مدل یونانی و غربی



علی اکبر ضیایی، پژوهشگر مطالعات اسلامی با اشاره به سبک‌های گفت‌وگو و مناظره در قرآن و مقایسه آن با مدل‌های یونانی و غربی بیان کرد: در اهمیت و رفعت مقام سخن همین بس که خداوند متعال در قرآن مجید مهم‌ترین موضوع را پس از آفرینش انسان اعطای نیروی «بیان» می‌داند.

علی اکبر ضیایی، پژوهشگر مطالعات اسلامی با اشاره به تاریخچه گفت‌وگو و مناظره در اسلام گفت: از زمانی که نوع بشر در راه تمدن و زندگی اجتماعی و تکامل گام نهاده است، امتیاز و شرافت انسان به قوه سخن و بیان شناخته شده است. یکی از موارث تمدن یونانی صناعات خمس یعنی «ریطوریکا» یا «خطابه»، «بوطیقا» یا شعر، «طوبیقا» یا جدل، «نالوطیقا» یا برهان و مغالطه یا «سوفسطیقا» است که به اشکال گوناگون وارد فرهنگ اسلامی به ویژه علم منطق شده است. وی افزود: ارسطو با مطالعه آثار تدوین شده در فن جدل و دقت در مجادلات قضات و سخنوران سوفسطایی عصر خویش اصول و مبانی این فن را پایه گذاشت و رومیان این فن را بدون تغییر پذیرفتند و بعد از ظهور حضرت عیسی (ع) سربانیان آن آثار را به زبان سریانی ترجمه کردند. ضیایی تصریح کرد: سربانیان به خطابه و جدل بیش از برهان و مغالطه و شعر اهمیت می‌دادند و فراگیری این دو فن را مغایر با اصول مذهب مسیحیت نمی‌دانستند، بلکه اساساً منطق را به جدل و خطابه می‌شناختند.

آشنایی فیلسوفان مسلمان با فن مجادله در عصر عباسی

رایزن فرهنگی سابق کشورمان در مالزی اظهار کرد: در عصر عباسی مقارن با ورود علوم یونان و ترجمه آنها به زبان عربی، فن طوبیقا یا مجادله ارسطو نیز از سریانی به عربی ترجمه شد و در اختیار فیلسوفان و مبتکران اسلامی قرار گرفت. آنان هر یک به سهم خویش در تبیین و شرح جدل ارسطو همت گماشتند و تغییراتی در مثال‌ها دادند تا فهم مطالب را برای مسلمانان آسان کنند. از این رو دانشمندانی چون فارابی و ابن سینا و ابن رشد و خواجه نصیرالدین طوسی در تدوین فن جدل از یونان تا عصر اسلامی سهم مؤثری داشته‌اند.

علی اکبر ضیایی بیان کرد: هر چند هنر مناظره و گفت‌وگو موهبتی الهی و نعمتی خدادادی است و ذوق و استعداد انسان در آن دخالت دارد، با وجود این فن مناظره باید دارای آداب و اصولی باشد تا بتواند به اقتناع طرف مقابل کمک کند و او را به حقیقت برساند.

مناظره در قرآن و مقایسه با مدل‌های یونانی و غربی

ضیایی با اشاره به سبک‌های گفت‌وگو و مناظره در قرآن و مقایسه آن با مدل‌های یونانی و غربی بیان کرد: در اهمیت و رفعت مقام سخن همین بس که خداوند متعال در قرآن مجید مهم‌ترین موضوع را پس از آفرینش انسان اعطای نیروی بیان می‌داند، آنجا که می‌فرماید: «لرَحْمَنِ عِلْمُ الْقُرْآنِ خَلْقِ الْإِنْسَانِ عِلْمَهُ الْبَيَانِ» (الرحمن: ۴-۱). همچنین در قرآن کریم آمده است که «ذُعْ إِلَيَّ سَبِيلَ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (نحل: ۱۲۵). در این آیه اصول مجادله به خوبی تبیین شده است.

وی افزود: نخستین مطلب که از این آیه برداشت می‌شود، این است که مجادله باید هدفدار باشد، بنابراین سخنان بی‌هدف را نمی‌توان از نظر قرآنی از نوع مجادله خوب و درست دانست. دومین نکته این است که مجادله باید با نیت خوب در مسیر تحقق اهداف الهی به کار گرفته شود. همچنین به عنوان نکته سوم باید گفت که مجادله باید با حکمت و

سخن مطابق با مقتضیات زمان و مکان همراه باشد. وی با اشاره به سایر اصولی که از این آیه شریفه استنباط می‌شود، گفت: چهارمین مورد این که مجادله باید با وعظ نیکو و سخنان نرم و به دور از خصومت، تهمت، شایعه‌پراکنی و دروغ باشد. پنجمین مورد این که مجادله خوب آن است که محتوای سخنان از قدرت و استحکام و صحت بیشتری نسبت به طرف مقابل برخوردار باشد. مورد ششم آن که در مجادله فراموش نکنیم که خداوند ناظر سخنان ما و از نیت خوب و بد ما آگاه است و در حقیقت باید خداوند را همواره ناظر سخنان خود بدانیم و مورد هفتم و نهایه این که هدف غائی از مجادله هدایت به سوی خداوند متعال است.

اصول اخلاقی؛ تفاوت مناظره قرآنی با ارسطویی

ضیایی رعایت اصول اخلاقی را تفاوت مناظره قرآنی با ارسطویی برشمرد و گفت: همان گونه که مشاهده می‌کنیم مناظره و مجادله به مفهوم اسلامی و قرآنی آن با اصول طوبیقا یا جدل ارسطویی بسیار متفاوت است و اصول اخلاقی در آن به خوبی مورد تاکید قرار گرفته است، در حالی که در جدل ارسطویی هدف اسکات و اقناع طرف مقابل بوده و اگر مناظره‌کننده توانست طرف مقابل را با قضایای ظنی و مسلمات غیر یقینی مجاب کند به هدف خویش رسیده است.

غلبه بر خصم در مناظره غیر اسلامی و اقتناع قلبی در شکل اسلامی

وی تصریح کرد: در واقع هدف مناظره‌کننده در شکل غیر اسلامی آن صرفاً غلبه بر خصم است، اگرچه در ظاهر با مناظره‌کننده موافق و در باطن مخالف باشد، اما در روش اسلامی هدف مناظره‌کننده این است که طرف مقابل را به حقیقت رهنمون سازد و فرد مقابل قلباً به سخنان او اذعان کند.

مناظره‌کنندگان در سیره اهل بیت (ع)

ضیایی در ادامه با معرفی مناظره‌کنندگان در سیره اهل بیت (ع) گفت: در تاریخ تمدن اسلامی آداب بحث و مناظره یکی از مهم‌ترین اصول گفت‌وگو و ایجاد ارتباط با مخالفان و حتی معاندان و منکران خدا بوده است. امام علی (ع) را می‌توان برجسته‌ترین شخصیت فکری جهان اسلام دانست که از فن مناظره برای مجاب کردن خوارچ بهره برد و سفارش‌های آن حضرت به ابن عباس برای بحث و گفت‌وگو با اهل حروراء در همین راستا تبیین می‌شود. این کارشناس فرق اسلامی همچنین گفت: سخنان محاجه‌گونه امام علی (ع) در خطب نهج‌البلاغه و نامه‌های آن حضرت به معاویه را می‌توان نخستین اسناد مکتوب آداب بحث و مناظره دانست که اصول اخلاقی و علمی این دانش را برای همگان تبیین کرده است.



عبدالله ناصری:

روش هدایت قرآن گفتوگو بر پایه اقناع است

عبدالله ناصری، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء(س)، علاوه بر آنکه استاد علم تاریخ است در حوزه مطالعات دینی و قرآنی نیز صاحب اثر می‌باشد. آخرین اثر وی ترجمه کتاب «اسلام میان حقیقت و تجلی تاریخی» نوشته عبدالمجید شرفی است. برای گفتوگو با ناصری درباره مناظره به کتابخانه شخصی وی رفتیم که مملو از آثار مربوط به تمدن اسلامی بود. ما درباره مناظره با هم صحبت کردیم و کتاب‌هایی که در بستر گفتوگوی مستمر شکل گرفته‌اند، ما را همراهی می‌کردند. ناصری معتقد است که بین مناظره و مراء تفاوت وجود دارد و همچنین مناظره قرآنی با هدف اقناع صورت می‌گیرد و در آن طرفین به قصد تحمیل عقیده خود بر دیگری نیستند. در پی مشروح گفتوگوی عبدالله ناصری را ملاحظه می‌کنید.

قرآن کتاب هدایت است و کتاب زندگی هم خوانده شده است. در قرآن خداوند از پیامبر خود می‌خواهد به گفتوگو با کسانی بپردازد که ایمان ندارند. پیامبر به ملوک زمان نامه می‌نویسد و ما آیه‌ای داریم که در ذیل آن

خداوند پیامبر را به مجادله احسن فرامی‌خواند، جایگاه، هدف و ابزار مناظره در قرآن به نظر شما چیست؟

پیش از ورود به بحث باید در خصوص دو پیش فرض، یکی درون دینی و دیگری برون دینی صحبت کرد. باید از منظر برون دینی این واقعیت را بپذیریم که در قرآنی که می‌خواهد مناظره را بین ادیان و انسان‌هایی که تابع ادیان دیگر هستند، تشریح کند، به صراحت گفته می‌شود «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نَفَرَقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» پیامبر (خدا) بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است، و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند (و گفتند: (میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی‌گذاریم) و گفتند: شنیدیم و گردن نهادیم، پروردگارا، آموزش تو را (خواستاریم) و فرجام به سوی تو است» (بقره، ۲۸۵) و این یعنی که هیچ فرقی بین پیامبران خدانیست.

در جایی دیگر خداوند در قرآن می‌گوید هر کدام از شما شریعت، ملاک و روشی دارید. این به رسمیت

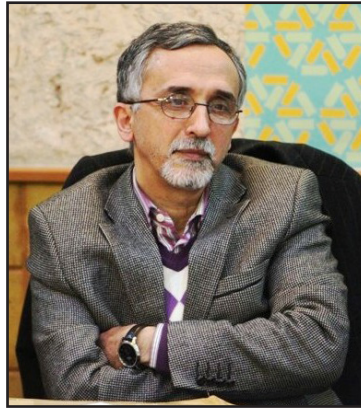
شناختن تکثرگرایی دینی است که در منظر گفتمان وحی است. آیه ۱۱۸ سوره هود «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ» و اگر پروردگار تو می‌خواست قطعاً همه مردم را امت واحدی قرار می‌داد در حالی که پیوسته در اختلافند» نیز به همین مضمون اشاره می‌کند و بیان می‌کند که خداوند می‌توانست بین انسان‌ها وحدت ایجاد کند، اما هنوز هم اختلاف وجود دارد، بنابراین اختلاف امری بدیهی است و همین است که منجر به مناظره و جدل می‌شود.

از منظر درون دینی نیز مسلم است که طبق گفتمان وحی، انسان‌ها آزادی دارند، باید از عدالت برخوردار باشند و در همه شئون اجتماعی برابرند. یعنی منشور حقوق شهروندی در گفتمان وحی و سیره پیامبر هم وجود دارد که این را وقتی می‌توان دید که پیامبر(ص) به مدینه وارد شدند و پیمانی بست که طرف آن پیمان بت‌پرستان، یهودیان و اجتماع مدینه بود و ساختار امت و حکومت را بیان کرد.

انسان طبق تعریف فلاسفه موجودی اجتماعی است، بنابراین این اجتماعی بودن اقتضای ارتباط کلامی می‌کند، و مناظره، عقل اجتماعی انسان را به معنای واقعی کلمه فعال می‌کند. نکته بعد این است که هدف از مناظره در گفتمان وحی، سیره و تاریخ چیست؟ هدف ارتقای آگاهی و رشد فردی و اجتماعی نسبت به حقیقت است. در این صورت مسیر مناظره از طریق عقل، استدلال و برهان خواهد گذشت. در این صورت مناظره احسنی که قرآن در نظر دارد تعریف خواهد شد. جدل یک واژه و اصطلاح تخصصی و در واقع کلامی- فلسفی است. متکلمین در موضوعات مختلفی مانند ذات باری تعالی، خداوند، ویژگی‌های انسان و ...

صحبت کرده‌اند و در سبیری تاریخی این مباحث در فرهنگ اسلامی، ما را به این نتیجه می‌رساند که دو هدف دیگر هم وجود داشته است؛ یکی کشف حقیقت که جدال احسن است و دیگری زمین‌گیر کردن، بایکوت، اسکات خصم یا غلبه بر دیگری از لحاظ دینی بوده است. در همین زمینه و در سوره غافر می‌خوانیم که «...وَجَادِلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُبْذَرُوا إِلَى الْحَقِّ...» و به اوسیله باطل جدال نمودند تا حقیقت را با آن پایمال کنند. آیه «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شيوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای در حقیقت پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده دانتر و او به [حال] راه‌یافتگان [نیز] دانتر است» (نحل، ۱۲۵) در واقع منطبق گفتوگو و قرآن را بیان می‌کند.

از طرف دیگر گفتوگو‌هایی که پیامبران دارند نیز در قرآن منعکس شده است. گفتوگو‌هایی که ابراهیم(ع) با آذر دارد. این گفتوگو مبتنی بر آزادی بیان بوده و در آن ابراهیم(ع) از آذر، دلیل



پرستیدن بت‌ها را می‌پرسد. یا بحث مناظره حضرت صالح(ع) با قومش، یا مناظره حضرت ابراهیم(ع) با نمرود که در این آیات حضرت ابراهیم(ع) از نمرود می‌خواهد که خورشید را از مغرب بالا بیاورد. مباحثه پیامبر اکرم(ص) با مسیحیان نجران نیز همین‌طور است. سوال مسیحیان کلیدی است؛ آن‌ها می‌گویند حضرت عیسی(ع) که پدر نداشته است، چطور خلق شده است که پیامبر این رویداد را تشبیه می‌کند به خلق حضرت آدم(ع). وقتی تمام این مناظرات را که در قصص انبیا وجود دارد بررسی می‌کنید، یک وجه مشترک وجود دارد و آن این است که پیامبران تلاش می‌کنند تا ذهن انسان مجادله‌کننده را به سمت اقتناع کردن ببرند.

وقتی ابزارهای تکنیکی مناظره مثل عقل، استدلال و برهان و ابزارهای معنوی مانند اخلاق باشد، این را نباید فراموش کنیم که در هر مناظره ما باید به اقتناع فکر کنیم و اگر اقتناع نشد اصراری بر باورها و منطق‌های خودمان نداشته باشیم. من در ابزار مناظره مراد از عقل، دانش است. من اگر علامه دهر هم باشم، جاهایی حیطة اندیشه‌های من نیست. «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ...» و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن...» (اسراء، ۳۶) یعنی علاوه بر اینکه مناظره باید اقناعی باشد، باید حوزه‌های تخصصی داشته باشد.

در قرآن دشنام دادن به اعتقادات مشرکان هم نهی شده است؟

دقیقا. وقتی معصومین(ع) وارد گفتگو با دهریون می‌شدند، مناظره احسن را پیش می‌گرفتند و به دنبال آن بودند که ایشان را اقناع کنند. احترام به باور مخاطب در مناظره باید مد نظر باشد و ما از این نکته غافل هستیم. شاید این سوال را باید بیشتر بشکافیم که مناظره به چه خاطری صورت می‌گیرد؟ شاید قرآن صراحتا این را بیان نکرده است. آیا ما مناظره می‌کنیم که دیگران را مسلمان بکنیم؟ در قرآن چنین چیزی به صراحت وجود ندارد. خداوند در آیه «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا فَأَنْتَ تُكْرِهُ

النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»: و اگر پروردگار تو می‌خواست قطعا هر که در زمین است همه آنها یکسر ایمان می‌آوردند پس آیا تو مردم را ناگزیر می‌کنی که بگردند». (یونس، ۹۹) می‌گوید که اگر خداوند می‌خواست مردم ایمان بیاورند خود این کار را می‌کرد و تو چرا خود را به سختی می‌اندازی؟ همان‌طور که بیان شد، انسان موجودی اجتماعی است و نیازمند گفتگویی مستمر است. اما این گفتگو را چه در حوزه برون دینی و چه درون دینی برای چه انجام می‌دهند؟

مونت‌گمری وات اسلام‌شناس معروف می‌گوید: اگر مسلمانان و مسیحیان در پی دلایلی برای ابطال دیگری باشند، بی‌شک به دلایل زیادی دست خواهند یافت، ولی این روش به هیچ وجه به گفتگو منتهی نخواهد شد. این یعنی اگر جدال و مراء را مد نظر قرار بدهیم با هنر سفسطه‌گری که انسان‌ها دارند، با یک سری اطلاعات اولیه می‌توانند چنان پیش بروند که هیچ مناظره‌ای به نتیجه مطلوب نرسد.

جهان امروز نیازمند مناظره و گفت‌وگوست، اما در چارچوب‌هایی نو و روز آمد. معلوم نیست حالا که برخورد تمدن‌ها از سوی غربی‌ها تضعیف شده است، گفتگوی تمدن‌ها که در واکنشی به آن نظریه بود، بتواند راهکار اصلی باشد. امروز تمدن‌ها با هم مشکل چندانی ندارند. واتیکان هم چنانچه گفته شد، مناظره با دیگر ادیان را شروع کرده است اما واقعیت امروز چیز دیگری است، یعنی یک خشونت بسیار جدی در حال شکل‌گیری است. جامعه‌شناس معروف چارلز تیلی می‌گوید: بزرگ‌ترین مشکلی که انسان در ساحت سیاست و جامعه دارند، فهم دیگری است. ما نتوانسته‌ایم همدیگر را فهم کنیم، حتی در درون یک جامعه، گسستی که بین نسل قدیم و جدید و یا طبقات اجتماعی وجود دارد، به خاطر همین عدم فهم دیگری است. در خارج هم همین‌طور و مثال ساده‌اش روند مذاکرات هسته‌ای است. این بدان خاطر بود که طرف غربی تصورات غلطی داشت و فکر می‌کرد ایران می‌خواهد تسلیحات هسته‌ای بسازد و این گفت‌وگو را سخت می‌کرد. بنابراین اگر قرار باشد تا گفتگوی قرآنی جریان داشته باشد، باید با ابزارها و اهداف خودش انجام گیرد و اقناعی باشد تا بتواند به عنوان یک شیوه حتی در زندگی شخصی به ما کمک کند.

ما در جوامع توسعه نیافته، گرفتار مونولوگ هستیم. کلاس درس هم همین‌طور است و فرهنگ تک‌گویی که ریشه در اندیشه سوسیالیستی و مارکسیستی دارد به الگوی رایج تبدیل شده است. ساختار باید ساختار دیالوگی باشد و برخی از نظام‌های آموزشی در دنیا به این سمت می‌رود و نتیجه‌اش ذهن خلاق می‌شود و وقتی فرد به جایی رسید این ویژگی در او نهادینه شده است و دیگر نمی‌گوید، من می‌گویم و شما بشنوید.

در همین زمینه روایت قرآن از تاریخ، روایت گفت‌وگوهاست و گفت‌وگوهای بندگان با خدا، پیامبران با مردم یا پیروان، صالحان با ناصالحان در جهان آخرت و ... روایت شده است. به نظر می‌رسد این منطق قرآن، با آنچه شما «گفتگوی مستمر» یاد کردید، ارتباط دارد، آیا قرآن روایت‌گر گفت‌وگوهای مستمر نیست و پیام خود را از این طریق انتقال نمی‌دهد؟

امام علی(ع) جمله قشنگی دارد که می‌گوید این قرآن نوشته شده بین دو جلد است و ۶۶۶۶ آیه آن با شما سخن نمی‌گوید و انسان باید با آن سخن بگوید. از این رو همه آنچه در تاریخ اسلام تولید شده است در یک کلام برداشت‌های فلسفی، کلامی، حقوقی یا تفسیری از قرآن است. بر مبنای این روایت، واضع و بنیانگذار دانش تفسیر متن، امام علی(ع) است. پس اگر ما مطابق مقتضیات زمان و باور به این اصل که هیچ برداشتی مطلق نبوده و نسبی است عمل کنیم، حتما می‌توان از قرآن این برداشت را کرد که در هر زمانه مطابق با موضوع و شرایط زمانه، شما می‌توانید نظام دیالوگی داشته باشید. امروزه یکی از منازعات مهم بشر بحث حقوق بشر یا تجدد و مدرنیسم، سکولاریسم و ... است و نگاه به تونس به عنوان موفق‌ترین کشور در تحولات اخیر نشان داد که آنها در نهایت راه متفاوتی را انتخاب کردند که به برداشت متفاوت‌شان از قرآن باز می‌گشت.

قرآن ما را به مناظره با دیگران، سیر در جهان و تعامل با تمدن‌های دیگر فرا می‌خواند، آیا ما باید برای حل مشکلات جهان اسلام و یا جهان بشری، به مناظره‌ای که در آن تلاش برای کسب حقیقت باشد، بازگردیم؟

اگر گفت‌وگو در همه زمینه‌ها مبتنی بر سوءتفاهمات نهادینه شده باشد، ارزشی نخواهد داشت. گفت‌وگو برای از بین رفتن سوءتفاهمات است، اگر کسی چیزی را در درون خود نهادینه کرده باشد و بعد بخواهد گفت‌وگو کند، به حقیقت نخواهد رسید. حقیقت با داشتن سوال و کوشش برای پاسخ به دست می‌آید. سوءتفاهم در یک فرایند آزاد گفت‌وگو می‌تواند از بین برود. از سوی دیگر مناظره نیازمند آزادی بیان و پس از بیان است. اصطلاح «من و دیگری» که غربی‌ها خیلی ترویج کرده‌اند، در جهان اسلام هم جدیت یافت. اهل تسنن در دوران زمامداری خود این رفتار را داشت و شیعیان نیز. قبل از هر چیز باید اندوخته‌های نهادینه شده باطل گذشته را به دور ریخته و فهم تاریخی غیر دقیق خود را کنار بگذاریم و بعد گفت‌وگو کنیم. در گذشته مستشرقین بر اساس پیش‌فرض به اسلام نگاه می‌کردند، اما امروز نگاه‌ها تغییر کرده است و ادیان بیشتر یکدیگر را می‌پذیرند، حتی در میان مسلمانان نیز وضعیت بهتر شده است و این را مدیون گفت‌وگو هستیم. امروزه بسیاری از مسائل حقوقی در جهان اسلام از طریق گفت‌وگو تغییر کرده است.



ویژه‌نامه

مناظره در پرتو قرآن و عترت

تبشیر و اصلاح؛

غایت مناظره در منطق اسلامی

جدال احسن؛ مناظره با هدف صلاح

صلاح، هدایت و تبشیر باشد و محتوایش عقلایی و منطقی و به دور از کذب و به لحاظ محتوای صدق، قالب منطقی، مطلوب و پسندیده داشته باشد، چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ: و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن» (نحل/۱۲۵). یعنی جدال احسن، جدال مطلوب مناظره اسلامی است.

جزایری در ادامه گفت: به عبارت دیگر مناظره مطلوب اسلامی مناظره‌ای است که از نظر هدف، محتوا و قالب، منطقی و معقول و قابل دفاع باشد. ویژگی‌ای که در نظام‌های دیگر به این دلیل یافت نمی‌شود که آنها به دنبال به کرسی نشاندن حرف خود به هر قیمت و با هر وسیله‌ای هستند. اما در مهندسی نظریه اسلامی مناظره‌ای مطلوب است که هدفش ایجاد

حجت‌الاسلام و المسلمین سیدحمید جزایری با اشاره به حق‌طلبی و حق‌خواهی در مناظره و پرهیز از مراء و جدال بی‌فایده، رعایت احترام طرفین مقابل در مناظره، مستمر و عقلانی بودن مناظره و متانت رفتار به عنوان اصول مناظره در اسلام، اظهار کرد: دین اسلام ما را با پذیرفتن شرایطی خاص به مناظره و گفت‌وگو حتی با دشمنان فرا می‌خواند و از این جهت هدفش تبشیر و اصلاح بشر است.

حجت‌الاسلام و المسلمین سیدحمید جزایری، مدیر گروه قرآن و علوم جامعه‌المصطفی (ص) العالمیه اظهار کرد: ادیان ابراهیمی به ویژه دین مبین اسلام از این جهت که در اصول زیربنایی، به اصالت و حقیقت خود اقرار دارند از گفت‌وگو با مخالفان استقبال می‌کنند.

جزایری در ادامه بیان کرد: یکی از کارکردها و نقش‌های انبیا الهی و به خصوص ائمه اطهار (علیهم‌السلام) این است که در بیان حق و با هدف هدایت و ارشاد مردم با آنها به گفت‌وگو و مناظره می‌نشینند. بنابراین، اصل گفت‌وگو یکی از اصول مورد پذیرش دین حتی با دشمنان است و از این روی در فقه اسلامی هم اشاره شده است که سپاه اسلام در آغاز جنگ سپاه دشمن را به گفت‌وگو فراخواند. رفتاری که امیر مومنان حضرت علی (علیه‌السلام) در سه جنگ خود و امام حسین (علیه‌السلام) در عاشورا آن را به خوبی انجام دادند. وی اظهار کرد: البته در مناظره اصولی حاکم است که به برخی در قرآن و به برخی از آن اصول، در روایات اشاره شده است. برخی از این اصل‌ها عبارتند از: حق‌طلبی و حق‌خواهی در مناظره و پرهیز از مراء و جدال بی‌فایده، رعایت احترام طرفین مقابل در مناظره، مستمر و عقلانی بودن مناظره و متانت رفتار.





ویژه‌نامه

مناظره در پرتو قرآن و عترت

این استاد حوزه و دانشگاه اظهار کرد: طبیعتاً در خصوص مناظره، قالب و فرمی که مطلوب اولیه فرهنگ نبوی و علوی است با تأسف فراوان در طول تاریخ دستخوش تغییر و از حالت مطلوب خارج شده است. به خصوص زمانی که هدف از مناظره به جای رسیدن به حق و حقیقت، جدال برای اثبات حرف به هر طریق و روشی بوده است.

وی در ادامه گفت: باوجود این، افرادی از مکاتب مختلف کلامی به اصول اولیه مناظره پایبند بودند و عده‌ای این پایبندی را نداشتند که متأسفانه تعداد افرادی که در تاریخ از پایبندی خود به اصول مناظره عدول کردند، بیشتر از افرادی هستند که به اصول مناظره پایدار مانده‌اند.

حجت‌الاسلام جزایری تصریح کرد: البته این که امکان رسیدن به نتیجه از راه مناظره ممکن هست یا خیر پاسخش این است که با ایجاد شرایطی قطعاً ممکن است و مهم‌ترین شرط هر مناظره‌ای این است که دو طرف به دنبال حق باشند و با دوری از مراء و دوری از قصد به کرسی نشاندن حرف خود، از این شرایط احراز کنند.

وی در خصوص دیگر آفات مناظره بیان کرد: انسان زمانی که می‌فهمد حق با او نیست، به دلیل شرایط و تعصبی که دارد از پذیرفتن حق استنکاف می‌کند. وی گفت: بین گفت‌وگو و مناظره رابطه عموم خصوص من‌وجه برقرار است و به واقع میان گفت‌وگو و مناظره شباهت‌ها و اختلاف‌هایی وجود دارد. از این جهت در فضای امروزی بیشتر مناظره‌ها در وضعیتی قرار دارند که بحث غلبه

یکی بر دیگری مطرح است ولی در گفت‌وگو، فضای کشف واقعیت ولو به کمک یک‌دیگر مطرح است. با این اوصاف در واقعیت امر، مناظره نوعی گفت‌وگو، طرح مسأله، و پرسش و پاسخ است که در خروجی آن دو طرف به واقعیت امر دست می‌یابند.

مناظره هیچ خط قرمز موضوعی ندارد

وی گفت: مناظره هیچ خط قرمزی از نظر قلمرو موضوعی ندارد. یعنی از نظر موضوعی و مخاطب مناظره و خط مناظره، حتی می‌توان با دشمنان با شرط اینکه رعایت شخصیت و اقتدار و حریم جامعه اسلامی حفظ شود به مناظره پرداخت.

حجت‌الاسلام جزایری در ادامه گفت: هر موضوعی حتی وجود مبارک خداوند که بدیهی‌ترین بدیهیات است می‌تواند موضوع گفت‌وگو باشد و از طرفی سخنان ائمه اطهار نشان می‌دهد که هیچ موضوعی و هیچ کسی خط قرمز مناظره و گفت‌وگو نیست. در این صورت با رعایت ضوابط و چارچوب‌های کلان حاکم بر مناظره به شرط اینکه اعتبار و اقتدار و اصالت نظام اسلامی مخدوش نشود می‌توان به مناظره پرداخت. در این صورت اگر این خط قرمز مراعات شود و کسی که وارد گفت‌وگو می‌شود صلاحیت مناظره را داشته باشد، با رعایت این دو نکته هیچ محدودیت دیگری در امکان مناظره ندارد.

وی در خصوص آداب مناظره گفت: از یک سو فهمیدن حرف طرف مقابل و رعایت ادب و نزاکت

در گفت‌وگو با او اهمیت می‌یابد که مستندات دینی بر آن تأکید کرده است و از سویی دیگر رعایت حریم و آزاد گذاشتن برای طرح موضوعات لازم و پرهیز از اهانت است که باید رعایت شود.

آفت مراء

استاد جامعه المصطفی در ادامه اظهار کرد: اگر در مناظره افراد دچار مراء باشند و دنبال حق نباشند آفت‌های این روش گریبان‌گیر خودشان می‌شود. اما در هر مناظره‌ای هر فرد باید در اصول و تفکر خودش پایدار بماند. از این روی، مناظره به معنای عدول از دیدگاه و پیش‌فرض‌ها نیست. مهم این است که با حفظ پیش‌فرض‌ها و با حفظ دیدگاه بتوانیم نکات مثبت و امتیازات مکتب را بر نظام طرف مقابل اثبات و احراز کنیم.

وی در پایان گفت: در خصوص حوزه دین باید افرادی وارد مناظره شوند که صلاحیت علمی و توانمندی و مهارت لازم را برای این کار داشته باشند. در صورتی که شخص بدون صلاحیت لازم وارد مناظره شود آفت‌ها و آسیب‌هایش بیش از منافع او است که در این صورت مورد چالش‌های جدی واقع می‌شود. از این روی، مسأله توجه به نکات شکلی مناظره بحث بسیار مهمی است که در مناظرات وجود دارد و بحث عدم سرپیچی و عدول از مباحث دینی و تفکر و انعطاف در این مورد ضروری است. از این جهت مناظره به معنای نرمش در مقابل باطل نیست بلکه به معنای دفاع از حق با قدرت بالا ولی با رعایت ادب و متانت است.

غلامرضا ظریفیان:

اوج تمدن اسلامی

محصول مناظره بین تمدنی بود



غلامرضا ظریفیان، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در رشته تاریخ است، با او در خصوص مناظره در تاریخ اسلام به گفت‌وگو نشستیم اما نگاه قرآنی ظریفیان باعث شد تا بیشتر به مفاهیم مناظره و دین در قرآن بپردازیم. وی معتقد است که منطق پارادایم قرآن، کلام و گفت‌وگوست. انسان‌ها از طریق یک گفت‌وگوی دو طرفه و متعامل و برای کشف حقیقت، گفت‌وگو می‌کنند و مناظره از منظر قرآن نشان‌دهنده حقیقت آزادانه، آگاهانه، مسئولانه و مهربانانه دین است. در پی مشروح گفت‌وگوی ظریفیان را می‌خوانید.

اگر ممکن باشد نظر اجمالی خودتان را در خصوص مفهوم مناظره که می‌خواهیم آن را در دل تاریخ مطالعه کنیم، بفرمائید.

مناظره کلمه‌ای عربی به معنای به هم نظر کردن است. «نظر» در قرآن معنایی خاص دارد و فرق است بین دیدن معمولی و دیدن در معنای

فرستادیم. از این جهت یک شیفت پارادایم رخ داده است. پارادایم قبل از پیامبر پارادایم جهان‌شناختی بوده و خداوند از طریق جهان پدیده‌های طبیعی مانند درخت و امثال آن با انسان حرف می‌زده است یا گفت‌وگوی صورت گرفته از طریق معجزات جهان‌شناختی مانند عصایی که تبدیل به اژدها می‌شده، روی می‌داده است. ظاهراً پیامبر نه مرده‌ای را زنده کرده و نه عصایی را به اژدها تبدیل کرده است. بنابراین می‌توان گفت معجزه پیامبر کلام یا گفت‌وگوست و این شیفت پارادایمی بوده است که انسان از مرحله جهان‌شناختی به انسان‌شناسی منتقل شده و اساس این انتقال هم معرفت‌شناسی بوده است. منطق اصلی انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی قرآنی به عنوان پارادایم جدید دینی، کلام و گفت‌وگوست.

خود کلام در ادبیات عرب و فارسی مفهوم جراحی و شکافتن و بازکردن لایه‌های مختلف یک چیز را دارد، چون حقیقت واحد است اما امر حقیقی تشکیکی بوده و مراتبی دارد. مباحثه و مناظره از این جهت امری مهم در عرصه انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی است. انسان‌ها از طریق یک گفت‌وگوی دو طرفه و متعامل و برای کشف حقیقت، گفت‌وگو می‌کنند. اساس مناظره کشف حقیقت است و نه اثبات حرف طرفین و تلاش دو طرف در مناظره باید این باشد که سعی کنند حقیقتی را کشف کنند. بنابراین گام نخست مناظره این است که ما هم‌دیگر را خوب بفهمیم. من بفهمم که شما این هستید و شما بفهمید که من آن هستم. مولوی می‌گوید «از نظرگاه گفت‌شان شد مختلف/ آن یکی دالش الف داد آن الف» او از زاویه‌ای که نگاه می‌کرد و این را «دال» دیده و دیگری از یک زاویه متفاوت نگریسته و آن را «الف» می‌یافت، اما اگر این دو فرد جاهای خود را با هم عوض می‌کردند متوجه می‌شدند که این پدیده چیز دیگری است، بنابراین گفت‌وگو به ما کمک می‌کند که به مناظری نزدیک به هم برسیم. مناظره یک فرهنگ رشدیافته انسانی است که می‌تواند انسان‌ها را به کشف حقیقت، خلق حقایق جدید، ارتقاء مفاهیم و کاهش منازعه برساند. در عین حال نکته مهم دیگر در مناظره این است که ما به یک معنا هم را می‌پذیریم به این معنا که می‌پذیریم طرف مقابلمان چنین بیاندیشد و نوعی مفاهیم دیگری رخ می‌دهد.

در قرآن مناظره با هدف مفاهیم است یا اثبات حقیقت الهی؟

باید سطح‌بندی بکنیم و برگردیم به نوع نگاه قرآن به انسان. قرآن دین را بدون فهم عقلانی و درک آگاهانه نمی‌پذیرد و اگر رجوع کنید به مبانی کلامی که متخذ از قرآن است، آن را

می‌بینید. در رساله‌های عملی گفته می‌شود اصول عقاید تقلیدپذیر نیست و در خصوص توحید، نبوت و معاد، باید مورد تعقل قرار گرفته و انسان خود باید به آن برسد و نمی‌توان گفت چون امیرالمومنین (ع) گفته خدا هست، پس خدا وجود دارد و در این حد هم مورد قبول نیست. مطابق قرآن، «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا: با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است» (روم، ۳۰). انسان جوهر واحدی دارد و به تعبیر قرآن دوگونه می‌توان به آن رسید که همین در ذیل نوعی مناظره بیان شده است.

از جمله این مناظرات قرآنی را می‌توان در آیهای مشاهده کرد که در آن جهنمی‌ها با غیر جهنمی‌ها انجام می‌دهند و می‌گویند ما اگر به دو عامل توجه می‌کردیم، جهنمی نبودیم: «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ الشَّعِيرِ: و گویند اگر شنیده [و پذیرفته] بودیم یا تعقل کرده بودیم در [میان] دوزخیان نبودیم» (ملک، ۱۰). اینجا شنیدن یک امر دو سویه است، یعنی وقتی حرف می‌زنید باید آماده شنیدن دقیق باشید و اساسا شنیدن ظرفیت بالا می‌خواهد. در این آیه رهگذر رسیدن به حقیقت سمع و عقل بیان شده است، اما کار پیامبران به تعبیر زیبای امیرالمومنین این است که خداوند پیامبران را مبعوث کرد تا «يُثِيرُوا لَهُمْ دَفَاتِنَ الْعُقُولِ» که غبار را از دفاتن العقول بزدايد و وحی به کمک عقل درون انسان آمده و غبارزدایی می‌کند و یکی از آن غبارها منیت است. انسان خودش حجاب خودش است و به قول حافظ «حافظ تو خود حجاب خودی از میان برخیز» این حجاب انانیت است که موجب می‌شود انسان دچار توهم شود. همان توهمی که فرعون دچار شده بود و می‌گفت «انا ربکم العلی». یکی دیگر از غبارهایی که روی عقل ما می‌نشیند، خرافات و سنت‌های غلط است.

از دیگر این غبارها، نژادپرستی است. همچنین، نگاه و منطق قرآن غیراجبارآمیز است به آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ...» در دین هیچ اجباری نیست...» (بقره، ۲۵۶) نگاه کنید، همین را می‌گوید. در این آیه «لا اجبار» نیامده و اکراه آمده که کم‌ترین میزان اجبار است. ما خیلی کارها را داریم از روی رودربایستی همسر، فرزند و دوستان انجام می‌دهیم، اجباری نداریم ولی با اکراه انجام می‌دهیم و قرآن اجبار را در این حد هم نفی می‌کند.

همچنین دین باید انتخابی آگاهانه باشد، در قرآن می‌خوانیم: «وَالَّذِينَ إِذَا دُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا: و کسانی‌اند که چون به آیات پروردگارشان تذکر داده شوند کر و کور روی آن نمی‌افتند» (فرقان، ۷۳) مومنان در مواجهه با آیات واقعی هم چشم و گوش بسته عمل نمی‌کنند و این آیات که اصل و واقعی است را هم مورد بررسی قرار می‌دهند. پس دین علاوه بر

اینکه آزادانه است، آگاهانه هم است. یعنی اینکه شما استدلال عقلانی را بپذیری که برایش براهین محکم داشته باشی نه براهین ظنی مانند اینکه آدم‌های بزرگ گفته‌اند.

دین مسئولانه هم هست، اگر شما دین را آزادانه و آگاهانه انتخاب کرده‌اید، نمی‌توانید در قبال آن بی‌تفاوت و خنثی باشید و باید آن حقیقت را تبلیغ کرده و از آن دفاع کنید. پیامبر(ص) در تمام دوره مکی بسیار تکرار می‌کرد که «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» اما توحید قرآن توحید انتزاعی نیست، بلکه انضمامی است و آن را می‌توان از آیه «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ: و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگویند] خدا را بپرستید و از طاغوت [غریبگر] بپرهیزید» درک کرد. «وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» یعنی توحید واقعی این است که تو جای خود بنشین و هر چه جای خدا بنشیند، می‌شود طاغوت و این تلاش قرآن برای توهمزدایی در این خصوص است که تو خدا نیستی. پس دین، آگاهانه و مسئولانه است. قرآن به ما روشی ارائه می‌دهد که این آزادی، آگاهی و مسئولیت را بیابیم و آن نگاه مناظره‌گونه و مهربانانه است. بدون مهربانی امکان انتقال این حقیقت وجود ندارد و در آیه «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ: پس به ابرکت [رحمت الهی] با آنان نرم‌خو او پرمهرا شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند» (آل عمران، ۱۵۹). شاخص اینکه فرد بداند چقدر رحمت خداوند در مورد او اعمال شده، این است که نرم و ملایم باشد و این از اینجا معلوم می‌شود که بدانیم فرد متعامل است و دیگری را به رسمیت می‌شناسد، زیرا اگر کسی دیگری را به رسمیت نشناسد، به سراغش نمی‌رود تا با او مناظره و گفت‌وگو کند.

خداوند به خاطر جوهر مشترک انسان است که به موسی می‌گوید وقتی به سراغ فرعون رفتی نرم‌خو باش. خداوند به حضرت موسی(ع) و هارون می‌گوید «ذُهِبًا إِلَيَّ فِرْعَوْنُ إِنَّهُ ظَنِّي * فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى: به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته» و با او سخنی نرم گویید شاید که پند پذیرد یا بترسد» (طه، ۴۲-۴۴) ما دیگر از فرعون که نماد استکبار است بالاتر ندانیم، اما توصیه خداوند به پیامبرش این است که با او به زبان نرم سخن بگویند و یکی از ویژگی‌های مناظره و دین این است که گفت‌وگوی مهربانانه و نه از روی خشونت است، چرا؟ چون از طریق مهربانی است که ممکن است فرد متذکر شده اهل خشوع شود. بنابراین مناظره از طریق عقل با تأکید بر جوهر واحد انسانی و مسئولانه و مهربانانه است، به همین دلیل است که می‌فرماید

الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ: رحمان * قرآن را یاد داد» (الرحمن، ۱-۲) یعنی اگر می‌خواهی قرآن را به کسی یاد دهی، باید اول به الرحمن توجه کنی. مناظره درست مناظره آزادانه، مسئولانه و مهربانانه برای کشف حقیقت است و چون انسان‌ها به آن حقیقت توجه دارند اگر این مکانیسم رعایت شود مناظره به نتیجه خواهد نشست.

اگر بخواهیم وارد محور دوم بحث شویم، فرمودید معجزه پیامبر(ص) گفت‌وگو بوده است و مطرح کردید که مناظره چه پیوندهایی با قرآن دارد، اما آیا تجلی این منطق را می‌توانیم در تاریخ صدر اسلام ببینیم؟

جهان اسلام، جهانی پر دامنه است. وقتی از اسلام صحبت می‌کنیم یک اسلام مکی داریم و یک اسلام مدنی، همچنین ما اسلامی بعد از پیامبر داریم که در جای خود نماند و وارد تمدن‌های بزرگ عالم شد و با انواع و اقسام تمدن‌های بزرگ ارتباط برقرار کرد و از ایران و روم شرقی تا اندلس و هند و آسیای جنوب شرقی را در نوردید و تأثیرات عمیقی گذاشت و در هر کدام با کاراکترهای مختلف ظاهر شده است و جالب است که از نظر تمدنی هر جا اسلام با دیالوگ وارد شده، ماندگارتر شده است و وقتی مسلمان‌ها به سمت آندلس رفتند چون آنجا کمتر دیالوگ صورت گرفت، اسلام ماندگار نشد. اما جاهایی که اسلامی که من آن را اسلام مبتنی بر گفت‌وگو در برابر اسلام مبتنی بر فتوحات می‌دانم، وارد شد، چون مبتنی بر گفت‌وگو بود، اسلام حضور ماندگارتری داشت. اسلام گفت‌وگو از مدینه به سمت یمن می‌آید، از یمن به سمت کوفه و از آنجا به سمت مناطقی از ایران از جمله طبرستان و خراسان می‌آید و در این جاها اسلام غیر فتوحی است. به یاد بیاورید که از یازده لشکر فتوحات که خود نوعی اختلاف معیار نسبت به پیامبر(ص) بود، شش فرمانده لشکر اموی بودند و این‌ها چه چیزی را می‌خواستند به دیگران آموزش دهند؟

آیا ائمه(ع) با اختیار در مناظرات شرکت می‌کردند و برایشان اهمیت استراتژیک داشت و مناظره برای ائمه(ع) به اقتضای زمانه بوده است و حیث تاکتیکی داشته است؟

از این رو که اسلام نتوانست در بستر طبیعی خود حرکت کند، بعد رحلت پیامبر(ص) وارد فضایی فتح و غلبه شد و ما تا دل‌تان خواهد برداشت‌های انحرافی و خودبینانه از اسلام داریم و همچنین برخی نظامات کلامی به دنبال مدلل کردن انحرافات بودند. ائمه(ع) اینجا وظیفه خود می‌دانند با گفت‌وگو حقیقت



شیعه است اما شیعه امام‌کش، زیرا در امامت امام جواد(ع) حتی برخی از شیعیان دچار مشکل شدند و مامون از امامت ایشان دفاع کرد. توجه بکنید که قرآن که در موارد معدودی بشارت می‌دهد از جمله در آیات «... فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ...: بندگان مرا بشارت بده» همان کسانی که به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند(زمر، ۱۷-۱۸) بر می‌آید که در آن بندهای قول را شامل هر قولی می‌شود را شنیده و بهترین قول را انتخاب می‌کند. در گفت‌وگوست که زایش و خلاقیت رخ داده و انسان به کمال می‌رسد و به همین خاطر است که قرآن می‌گوید «لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُضَيِّطٍ: و تو بر آنها تسلطی نداری»(غاشیه، ۲۲). یعنی پیامبر بر عقل بندگان سيطره ندارد و آنها خود باید در فرایند گفت‌وگو هدایت شوند. از این رو مناظره یک استراتژی برای ائمه و برای کشف حقیقت و مفاهیم دوسویه و کاهش تنازعات است و هدف این است که نشان بدهیم دیگران را می‌پذیریم و نشان دهیم فهم اسلام آزادانه، آگاهانه، مسئولانه و مهربانانه است. بنابراین مناظره به عنوان یک استراتژی مطرح است.

ما دو نوع تمدن باز و بسته داریم. مبانی و متون تمدن‌های بسته به آنها اجازه اخذ از دیگران نمی‌دهد و به تولیدات خود معطوفاند، مانند تمدن هند و چین. اما تمدن‌های باز آن دسته تمدن‌هایی هستند که معتقدند تولیدات انسانی برای همه انسان‌هاست و اجازه اخذ داده می‌شود و اسلام جزء تمدن‌های باز است و به همین خاطر پیامبر(ص) می‌گفت علم را بیاموزید حتی اگر در چین باشد. علوم در فرایند مناظرات، گفت‌وگوها، پذیرش‌ها و تعاطی‌ها شکل گرفته و حکیم اسلامی به جاهای مختلفی رفته و آن را اخذ کرده است.

آیا می‌توانیم بگوییم اوج تمدن اسلام به خاطر مناظرات اسلامی و افول تمدن اسلامی به افول مناظره در تمدن اسلامی باز می‌گردد؟

دقیقا، اساسا از جایی که عقل ضعیف می‌شود و جریان اشاعره و اخباری‌گری مسلط می‌شود، افول تمدن اسلامی هم شروع می‌شود. تا وقتی که اشاعره حضور داشتند، مفید هم بودند و همه حرف‌های اشاعره غلط نبود، اما وقتی به عنوان جریانی که عقل در آن ضعیف است، مسلط شدند، بیت‌الحکمه‌ها به نظامیه‌ها تبدیل شد و افول شروع می‌شود. البته تنها مقصر اشاعره نبودند و حمله بدوی‌ها هم کمک کرد. بدوی‌ها اقوامی بودند که به قانون پایبند نبودند و با گرایش به تصوف که با عرفان متفاوت است زمینه عقل‌ستیزی را تثبیت کردند.

گفته می‌شود خلفا جلسات مناظره را تشکیل می‌دادند تا نشان دهند که ائمه صلاحیت لازم را ندارند و ...

خود دین که ارزشمندتر از آن نداریم و لطف خداست، برای پیمودن صحیح مسیر زندگی هم استفاده ابزاری واقع شده است و نمونه‌هایی مانند داعش و طالبان در جهان امروز گواه این مدعاست. طبیعی است وقتی مناظره در می‌گیرد و شما پنجره را می‌گشایید برخی تبعات منفی به وجود بیاید. همچنین ما دقیقا نمی‌دانیم که خلفا از جمله مامون با چه هدفی این کار را انجام داده است. چون برخی از جمله شهید مطهری معتقدند که مامون برای اینکه نشان دهد کار درستی کرده است که امام (رضاع) را به مرو آورده، مناظرات را ترتیب داده بود، یا مناظراتی که بین امام جواد و یحیی بن‌اکثم رخ داد، به خاطر نشان دادن حکمت امام بود. البته استبداد تحمل نمی‌کرد کسی بالاتر از خود باشد و پس از مناظرات مامون کوچک شد و همین باعث شد مامون شکست خورده و ائمه(ع) را شهید کند. در همین راستاست که مطهری می‌گوید مامون

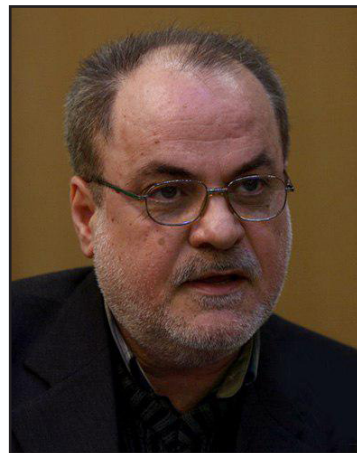
اسلام را شکافته و انحراف معیارهای جدی شیعه و سنی انحراف‌یافته را بیان کند. شیعه بعد از امام حسین(ع) علاوه بر اینکه مشخص می‌شود، منشعب هم می‌شود. ما شاهد انشعاب زیدیه، اسماعیلیه، غالیه و ... هستیم و امامان شیعه(ع) پس از عاشورا تمام تلاش‌شان را کردند با این جریانات مرزبندی داشته باشند. این مرزبندی به صورت جدی‌تر با فرقی از جمله غالیان صورت گرفت که خود را منتسب به امام(ع) می‌دانستند. امامان شیعه به کمتر فرقه‌ای نسبت کفر یا الحاد داده‌اند و بسیاری از فرقه‌ها را برادران دینی می‌دانستند که اشکالاتی دارند، اما کسانی را که از آنها طرفداری شدید می‌کردند، نجس دانسته‌اند. زیرا همه دستگاه دین برای عبادت و اجتناب از طاغوت بوده و این‌ها می‌خواستند امام(ع) را شکل الوهی بدهند و تعبیر امام صادق(ع) بسیار کلیدی است که می‌گوید این‌ها ما را بالا نمی‌برند، بلکه خدا را نازل می‌کنند و این شرک و خطاست. امامان(ع) با رغبت خود به مناظره می‌پرداختند و تلاش می‌کردند حقیقت اسلام را با رجوع به قرآن، و عقل نشان دهند.

سبک قرآن در مناظره برانگیختن وجدان هاست



ویژه‌نامه

مناظره در پرتو
قرآن و عترت



علی رمضان الاوسی، قرآن پژوه عراقی و استاد تفسیر و علوم قرآن دانشگاه جهانی علوم اسلامی لندن با بیان این مطلب گفت: مسئله گفت‌وگو، قضیه‌ای اصیل و با اصالت در اسلام است، زیرا گفت‌وگو در اسلام به معنای تبادل رأی و اندیشه و پاسخ دادن به آن است.

وی افزود: فطرت بشر به جدال و مجادله گرایش دارد و در همین راستا، خداوند متعال در آیه ۵۴ سوره کهف می‌فرماید: «وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا؛ والی [انسان بیش از هر چیز سر جدال دارد].»

میل به مجادله در فطرت انسان

رمضان الاوسی تصریح کرد: این میل به مجادله در فطرت انسان، او را به بحث در مورد حقیقت وا می‌دارد، این درست است که گاهی کسی گمراه می‌شود و هدایت پیدا نمی‌کند و در ورطه انکار و الحاد گرفتار می‌شود، اما اسلام نمی‌خواهد که انسان در یک قالب اعتقادی جامد محدود شود، بلکه می‌خواهد این جمود را بشکند تا انسان با آزادی در فکر و اندیشه حرکت کند و به همین خاطر بیش از ۲۷ بار در قرآن کریم به واژه‌های جدال، مجادله، مناظره و گفت‌وگو اشاره شده است. این قرآن پژوه عراقی در ادامه تصریح کرد: مجادله

در برخی مواقع رویکرد و جهتی به خود می‌گیرد که امری باطل و رد شده است و خداوند متعال در این باره در آیه ۵۶ سوره کهف می‌فرماید: «وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ؛ و کسانی که کافر شده‌اند به باطل مجادله می‌کنند تا به وسیله آن حق را پایمال گردانند»، اما نوعی از جدال و مجادله وجود دارد که شأن آن، آزاد کردن افکار و اندیشه‌ها است و این همان مجادله‌ای است که انبیای الهی آن را پیموده‌اند و رسالت را به قوم خود از طریق آن ابلاغ کرده‌اند.

رمضان الاوسی تصریح کرد: اساسا با آغاز آفرینش و خلقت انسان، گفت‌وگو و مجادله نیز آغاز شد، همانطور که میان «هابیل» و «قابیل» مجادله‌ای در گرفت و با قتل هابیل بعد از این که قربانی او مورد پذیرش واقع شد، به پایان رسید، این در حالی است که قربانی قابیل مورد قبول واقع نشد و خداوند متعال در آیه ۲۷ سوره مائده می‌فرماید: «وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ و داستان دو پسر آدم را به درستی بر ایشان بخوان هنگامی که [هر یک از آن دو] قربانی‌ای پیش داشتند پس از یکی از آن دو پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد [قابیل] گفت

قرآن کریم از شیوه‌های متنوعی در مقوله مناظره و مجادله بهره برده که «برانگیختن وجدان درونی» از جمله سبک‌های کلام‌الله مجید در فن مناظره است. قرآن کریم پس از این شیوه برانگیختن وجدان درونی، آن‌ها را میان دو راه قرار می‌دهد؛ یا گمراهی یا هدایت و راه سومی وجود ندارد و در نتیجه حجت را این گونه بر آن‌ها تمام می‌کند و گفت‌وگو را به صورت واضح و روشن شروع می‌کند.

حتما تو را خواهیم کشت [هابیل] گفت خدا فقط از تقوایبشگان می پذیرد».

همچنین، خداوند متعال در آیه ۲۸ سوره مائده در تبیین سلسله وار این مناظره می فرماید: «لَئِنْ سَبَطْتَ إِلَيْنِي يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطِ يَدِي إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ: اگر دست خود را به سوی من دراز کنی تا مرا بکشی، من دستم را به سوی تو دراز نمی کنم تا تو را بکشم چرا که من از خداوند پروردگار جهانیان می ترسم» و این گونه آیات وارد شده در سوره مائده از ۲۷ تا ۳۱ سلسله وار می آید تا گفت و گوی میان هابیل و قابیل را بیان کند.

این استاد تفسیر و علوم قرآن دانشگاه جهانی علوم اسلامی لندن در بخش دیگری از این گفت و گو با اشاره به این که انسان ذاتا به مجادله و تبادل افکار با دیگران گرایش دارد، گفت: عقیده ای که خداوند و قرآن کریم برای بشریت می خواهد، عقیده ای است که از قناعت می آید، به همین خاطر ما در اصول دین تقلید نمی کنیم، بلکه فقط در فروع دین تقلید می کنیم، در اصل توحید، نبوت، امامت، معاد و عدل از هیچ مرجعی تقلید نمی شود، البته شاید در شواهد دقیق تر و استدلال های جزئی تر و برای درک بیشتر به عالم یا مرجعی نیاز شود و انسان از او کمک بگیرد، اما در کلیات این اصول پنجگانه، تقلیدی وجود ندارد، بنابراین آزادی انسان از زمانی که به اصول پنجگانه معتقد می شود، آغاز می شود.

رمضان الاوسی درباره فرهنگ گفت و گو در سیره اهل بیت (ع) گفت: خلافت بنا بر حدیث متواتر نبی مکرم اسلام «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمُ بِهِمَا لَنْ تَضَلُوا- كِتَابَ اللَّهِ وَ عِرْثِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ: میان شما دو چیز سنگین و گران بها می گذارم، اگر بدان چنگ زبید هرگز پس از من گمراه نشوید: قرآن و عترت و اهل بیت، و این دو از هم جدا نشوند تا در کنار حوض بر من در آیند» از اهل بیت (ع) سلب شد و از آن ها دور شد، بنابراین ثقل دوم (اهل بیت (ع)) زمانی که از حکومت و صحنه سیاسی دور شدند، اعتقاد دارم که نیاز بسیار مهمی برای تبیین حقیقت به وجود آمد.

مدیر سابق بخش عربی مرکز اسلامی لندن ادامه داد: به همین خاطر همه امامان (ع) به مقوله مناظره، بحث و گفت و گو وارد شدند و امام جواد (ع) با وجود این که سن کمی داشت، اما مناظره های بزرگی دارد که اهل فتوا و علمای بزرگ زمان خود را در این مناظره ها تفهیم کرد، همچنین امام کاظم و امام رضا (علیهما السلام) مناظره های مهمی داشتند و امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) نیز با فرقه های مختلفی از جمله «ملاحده»، «الجبریة»، «المفوضه» و «المجسمه» مناظره داشتند.

این قرآن پژوه عراقی گفت: ائمه معصومین (علیهم السلام) همچنین با اهل غلو و مبالغه نیز مناظراتی داشتند و این ها کسانی بودند که از طریق

گفت و گوهایی که گاهی در داخل مساجد در حضور مردم و یا در نشست های علمائی صورت می گرفت، در کمین می نشستند و با ائمه به بحث و مناظره می پرداختند.

مناظره: شیوه اهل بیت (ع) برای تبیین حقایق اسلامی

وی گفت: بنابراین تمامی ائمه (علیهم السلام) در زندگی خود شاهد مناظره هایی بودند و برخی از این مناظره ها نیز از سوی حکومت عباسی و اموی حمایت مالی می شد که هدف آن ها به چالش کشیدن امامان بود، اما ائمه بزرگوار با توفیقی که از سوی خدای متعال به آن ها اعطا شده بود، بر دشمنانشان غلبه کردند و حقیقت را نشان دادند و این گونه بود که طرف مقابل را به چالش می کشیدند و بنابراین امامان معصوم (علیهم السلام) تلاش می کردند از گفت و گو و مناظره راهی برای بیان حقایق شریعت اسلامی و حقیقت اتخاذ کنند.

اسلوب های گفت و گو و مناظره در قرآن

رمضان الاوسی درباره اسلوب های گفت و گو و مناظره در قرآن کریم گفت: قرآن کریم تنوع زیادی در مسئله گفت و گو دارد، مثلا وقتی در قرآن کریم پیامبر اکرم حضرت محمد (ص) را امر می کند که مشرکین را خطاب قرار می دهد، در آیه ۲۴ سوره «سبا» می فرماید: «قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَى هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ: بگو کیست که شما را از آسمان ها و زمین روزی می دهد بگو خدا و در حقیقت با ما یا شما بر هدایت یا گمراهی آشکاریم». اعتراض پیامبر (ص) به مشرکین، اعتراض به رزق است، یعنی این که چه کسی به شما روزی می دهد که این سبک مناظره و گفت و گو نوعی حالت وجدانی است، یعنی این که می خواهد وجدان درونی آن ها را برانگیزد، و این مسئله مهمی در گفت و گو است که انسان را در حالتی از تحریر قرار دهد که فقط خود در مقابل ارقام و اعداد مادی نبیند، بلکه به این نکته توجه کند که رزق و روزی چگونه بر این انسان در زندگی نازل می شود و او چگونه غذا می خورد.

وی اضافه کرد: قرآن کریم پس از این شیوه برانگیختن وجدان درونی، آن ها را میان دو راه قرار می دهد؛ یا گمراهی یا هدایت و راه سومی وجود ندارد و در نتیجه حجت را این گونه بر آن ها تمام می کند و گفت و گو را به صورت واضح و روشن شروع می کند و در همین راستا، خداوند متعال در آیه ۲۵ سوره سبا می فرماید: «قُلْ لَا تَسْأَلُونَ عَمَّا أُجْرِمُنَا وَلَا نَسْأَلُ عَمَّا نَعْمَلُونَ: بگو [شما] از آنچه ما مرتکب شده ایم بازخواست نخواهید شد و ما نیز [از آنچه شما انجام می دهید بازخواست نخواهیم شد] که ذات حق تعالی در آیه، صبغه احترامی به مناظره می دهد و از «عَمَّا نَعْمَلُونَ» استفاده می کند

و نمی گوید «عما تجرمون»، بنابراین به این شکل می خواهد به قلب آن ها وارد و آن ها را هدایت کند. این پژوهشگر و قرآن پژوه عراقی در بخش دیگری از این گفت و گو به مجادله و مناظره حضرت ابراهیم (ع) با قوم خود در مسئله سیاره، خورشید و ماه اشاره کرد و گفت: یک تسلسل واضح و آشکار در این مناظره وجود دارد و خداوند متعال در آیه ۷۵ سوره انعام در توصیف حضرت ابراهیم (ع) می فرماید: «وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مُلْكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَيَكُونُ مِنَ الْمُوقِنِينَ: و این گونه ملکوت آسمان ها و زمین را به ابراهیم نمایاندم تا از جمله یقین کنندگان باشد» و این آیه تأیید می کند که ابراهیم (ع) از اصحاب یقین است که هیچ شکی و تردیدی در وجود او نیست و سپس گفت و گو را شروع می کند: «فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْإِقْلِينَ: پس چون شب بر او پرده افکند ستاره ای دید گفت این پروردگار من است و آنگاه چون غروب کرد گفت غروب کنندگان را دوست ندارم» (انعام، ۷۶).

قوم ابراهیم (ع) تعجب کردند؟ گفتند چه می کنی؟ گفت بله، چیزی که غروب می کند و از بین می رود خدای من نیست، «فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لئن لم يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ: و چون ماه را در حال طلوع دید گفت این پروردگار من است آنگاه چون ناپدید شد گفت اگر پروردگار مرا هدایت نکرده بود قطعاً از گروه گمراهان بودم» (انعام، ۷۷). سپس می فرماید: «فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ: پس چون خورشید را برآمده دید گفت این پروردگار من است این بزرگتر است و هنگامی که افول کرد گفت ای قوم من، من از آنچه [برای خدا] شریک می سازید بیزارم» (انعام، ۷۸). این مناظره سلسله وار و این مباحث اعتقادی، فکری و مضمونی که میان حضرت ابراهیم (ع) و قومش رد و بدل می شود باعث شد که پایه شرک و کفری که قوم نمرد بر آن قرار گرفته بود، بلرزد و عقیده توحید جایگزین آن شود که در آیه ۷۹ سوره انعام آمده است: «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ: من از روی اخلاص پاکدلانه روی خود را به سوی کسی گردانیدم که آسمان ها و زمین را پدید آورده است و من از مشرکان نیستم».

رمضان الاوسی در پایان گفت: در داستان های تمامی پیامبران، هود و صالح و داستان اصحاب مدین (کافران قوم شعیب علیه السلام) و صالحان بدین گونه است که گفت و گو میان پیامبر (ص) و قومش واضح است و هیچ فرضیه ای وجود ندارد که بگوید عقیده توحید، بر انسان جبر شده است، زیرا توحید همان فطرت انسان است. بنابراین باید توحید تشریحی با فطرت تکوینی در انسان جمع شود که این دو امر جز با گفت و گو و مناظره جمع نمی شود.

طلیعه رسالت انبیاء

بر گفت‌وگو استوار است

محمد جواد مروجی طبسی، عضو هیئت علمی بعثه مقام معظم رهبری مؤسس دارالرسول (ص)، در خصوص مناظره معتقد است که طلایعه رسالت انبیاء بر گفت‌وگو استوار است. به بیان وی، قرآن کریم حد و وضعیت گفت‌وگو را مشخص کرده است و علاوه بر اینکه مسئله گفت‌وگو را مطرح کرده، به موارد مورد نیاز در گفت‌وگو نیز اشاره کرده تا مسلمانان از آن بهره گیرند.

گفت‌وگو در اسلام از چه تاریخی آغاز می‌شود؟

در زندگی انبیاء از حضرت نوح (ع) گرفته تا حضرت خاتم (ص) موضوع گفت‌وگو اساس دعوت آنان بوده است؛ اگر به شرح زندگی نوح (ع) مراجعه کنیم، سرشار از گفت‌وگو با قوم خویش است؛ همچنین حضرت صالح (ع) و دیگر انبیاء (ع)، در طلایعه رسالت آنان گفت‌وگو با مشرکان و کفار بوده است. پیامبران خدا شمشیر علیه هیچ کس نکشیدند بلکه کار خود را با گفت‌وگو آغاز کردند، حضرت نوح (ع) ۹۵۰ سال در بین قوم خود زندگی کرد و حتی یک بار هم شمشیر نکشید، بلکه همیشه با آنان به گفت‌وگو پرداخته و آنها را موعظه می‌کرد، اگرچه زیر بار نمی‌رفتند. از آن سو خداوند می‌فرمود که به هر حال شما به ماموریت و وظیفه خود عمل کنید، پس اکثر انبیاء کارشان در ابتدا با گفت‌وگو و نرمش بوده، چرا که می‌بایست قوم ظالمین آرام آرام متوجه و متنبه شوند. حضرت موسی (ع)، حضرت ابراهیم (ع)، حضرت عیسی (ع) و پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) نیز رسالت خود را با گفت‌وگو آغاز کرده‌اند.

در آیاتی از قرآن کریم اهل کتاب را به پناه بردن به کلمه مشترک سفارش می‌کند و می‌فرماید: «بیاپید پناه ببریم به کلمه‌ای که بین ما و شما هست که ما غیر از خدا را عبادت نکنیم و شرک نوزیم». خداوند متعال به این موضوع عنایت داشته و برای رسیدن انبیاء به یک نقطه جامع آنها را به استفاده

از این گفت‌وگوها سفارش کرده است؛ در سوره طه در رابطه با حضرت موسی (ع) می‌فرماید: «أَذْهَبًا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ (۴۳) فَقَوْلًا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ (۴۴)». به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته، و با او سخنی نرم گوید شاید که پند پذیرد یا بترسد» خود و برادرت به سوی فرعون رفته و با او گفت‌وگو کنید و حتی سفارش کرده گفت‌وگوی نرمی را با او آغاز کنید. قرآن کریم علاوه بر اینکه مسئله گفت‌وگو را مطرح کرده، به موارد مورد نیاز در گفت‌وگو نیز اشاره کرده تا مسلمانان از آن بهره گیرند. در جایی بر «جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» تأکید دارد و در جایی دیگر به «قَوْلًا لَيِّنًا» سفارش می‌کند و در جاهای دیگر نیز به شیوه‌های دیگر سفارش می‌کند.

اسلام چه سبک‌هایی را برای گفت‌وگو معرفی می‌کند؟

با مراجعه به قرآن کریم حد و وضعیت گفت‌وگو مشخص شده است. این حد و وضعیت بستگی به آن عالم دارد که می‌خواهد وارد مذاکره شود، همانگونه که اشاره شد قرآن یک جا می‌فرماید: «فَقَوْلًا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا». به نرمی گفت‌وگو کرده و درشتی نکنید». در جای دیگر هم خداوند اختیار را به مؤمن داده تا بهترین شیوه را با توجه به شرایط اتخاذ کند: «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ». خود عالم باید شیوه نیکو را انتخاب کند، هر سبکی که جواب می‌دهد و مؤثرتر است باید با آن مناظره را پیش برد.



ویژه‌نامه

مناظره در پرتو
قرآن و عترت

مناظره
از منظر عترة





مجت‌الاسلام مهدی غلام‌علی:

مقایسه مناظرات امام صادق(ع) و امام رضا(ع)



ویژه‌نامه

مناظره در پرتو
قرآن و عترت

امام صادق(ع) طولانی‌تر بوده و تعداد مناظرات نیز بیشتر است به گونه‌ای که در کتاب احتجاجات طبرسی آمده در جلد دوم از صفحات ۳۳۱ تا ۳۸۵ اختصاص به مناظرات امام صادق(ع) دارد و حدود ۵۰ مناظره را شامل می‌شود همچنین از صفحات ۳۹۶ تا ۴۴۰ این کتاب در مورد مناظرات امام رضا(ع) آمده است که ۴۴ صفحه و کمتر از ۴۰ مناظره را شامل است یعنی از لحاظ تعداد این تفاوت وجود دارد ضمن اینکه استاد عطاردی، در مسند امام صادق(ع) و مسند امام رضا(ع) تعداد مقالاتی را که در مورد مناظرات این دو امام آورده است بیشتر از احتجاجات طبرسی است و در مجموع بر اساس این اثر نیز تعداد مناظرات امام صادق(ع) بیشتر است و البته طبیعی هم هست.

تفاوت ساختاری مناظرات

استاد حوزه علمیه با اشاره به تفاوت‌های ساختاری میان مناظرات این دو امام بزرگوار نیز گفت: معمولاً مناظرات امام صادق(ع) یا در مسجدالحرام، مسجدالنبی، منا، و یا در خانه حضرت در مدینه بوده است ولی مناظرات امام رضا(ع) عمدتاً در کاخ مأمون و در سالن مناظرات در این کاخ بوده البته تعدادی از مناظرات امام(ع) در مدینه نیز ثبت شده است.

نویسنده کتاب «ماه هشتم» با اشاره به مخاطبان مناظرات این دو امام(ع) عنوان کرد: مخاطبان امام صادق(ع) یک نفر یا دو نفر از عالمان و یا مخالفان بوده ولی امام رضا(ع) با گروهی از علما و دانشمندان مناظره می‌کردند و در بسیاری از این مجالس، چندین نفر از علما در یکطرف و امام در طرف دیگر مناظره بودند؛ یعنی در یکطرف عالمان مسیحی، یهودی و صابئی و متکلمان رومی و یونانی و ... بودند و در سمت دیگر امام از اصول و اعتقادات دینی دفاع می‌کردند حتی مناظره با گروهی از پزشکان نیز در تاریخ ثبت شده است.

استادیار دانشگاه قرآن و حدیث اظهار کرد: امام رضا(ع) چندین مرتبه با خود خلیفه عباسی مناظره داشته است که بسیار اهمیت دارد، زیرا مناظره با شخص خلیفه به عنوان بالاترین مقام حکومتی بسیار قابل توجه است؛ این مناظره بسیار جالب است زیرا چندین بار مأمون، در وسط مناظره، سخن امام را قطع کرده و لب به تمجید ایشان باز کرده و با عباراتی اعجاب‌خودش را از دانش امام ابراز می‌داشت و می‌گفت خدا خوب می‌دانست که رسالت را در چه خاندانی قرار دهد و گاه می‌گفت: «لَا أَبْقَانِي اللَّهُ بَعْدَكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَشْهَدُ أَنْكَ وَارِثُ عِلْمِ رَسُولِ اللَّهِ؛ یعنی خدا مرا بعد از تو زنده نگه ندارد. تو حقا وارث علم رسول خدا هستی». اما این موقعیت در دوره امام صادق(ع) برای ایشان فراهم نبوده و یکی از دلایل آن نیز این است که مأمون فردی دانشمند بود ولی سفاح و یا منصور عباسی از علمیت برخوردار نبودند.

بسیاری از روایات مربوط به آن امام موجود باشد و از روایاتی نیز که از این دو امام داریم یکی از پرفروغ‌ترین گونه‌ها همین احتجاجات و مناظرات است البته از حیث مخاطب، عمده مناظرات امام صادق(ع)، دو سویه و محدود به یک مخاطب بوده است، ولی مناظرات امام رضا(ع) چند سویه و با حضور گروه‌های مختلف علمی شکل گرفته است. غلام‌علی با بیان اینکه قرن دوم قمری است که گروه‌های کلامی رفته رفته شکل گرفته و رشد یافته بودند و مراکز علمی نیز به آنان بها می‌دادند و بازار مناظرات نیز داغ بود، تصریح کرد: برای مقایسه میان مناظرات این دو امام می‌توان از سه بعد آن را مقایسه کرد؛ یعنی از لحاظ کمی و تعداد؛ از لحاظ ساختار و از لحاظ محتوا؛ اگر در بعد کمی و تعداد این مقایسه را انجام بدهیم خواهیم دید که دوره

استادیار دانشگاه قرآن و حدیث با بیان اینکه از امام رضا و امام صادق(ع) روایات و مناظرات زیادی نقل شده است، گفت: تعداد روایات مربوط به مناظرات امام صادق(ع) بیشتر از امام رضا(ع) است دلیل آن هم مجموعه‌ای از مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است که به جای خودش در تاریخ حدیث شیعه مطرح شده است. همچنین طولانی بودن دوره امامت امام صادق(ع) هم نسبت به امام رضا(ع) می‌تواند در کنار شرایط زمانه موثر باشد. حجت‌الاسلام مهدی غلام‌علی، استادیار دانشگاه قرآن و حدیث اظهار کرد: طول امامت امام رضا(ع) ۲۰ سال بود و عمده مناظرات نیز مربوط به سه سال آخر یعنی در طول سفر به مرو و دو سال و نیمی که در مرو حضور داشتند بوده است و خوشبختانه حضور در بدنه حاکمیت سبب شده تا

این استاد حوزه با اشاره به مقایسه محتوایی مناظرات امام رضا(ع) با امام صادق(ع) و با بیان اینکه مشابهت و تفاوت‌های محتوایی در مناظرات این دو امام(ع) وجود دارد، تصریح کرد: هر دو امام در دوره خویش گرفتار کفار و زنادقه بودند که به تعبیر امروز زنادقه همان ماتریالیست‌ها هستند. یعنی بخشی از این مناظرات در بحث از اصل وجود خداوند بوده و آنچه که از مناظرات درباره صفات خداست بیشتر درون دینی، با اهل سنت یا گروه‌های انحرافی درون مذهبی بوده است و بخش دیگری در صفات خداوند و هر دو امام مجبور بوده‌اند در برابر این کفار و زنادقه و مخالفان به تبیین توحید و صفات خداوند بپردازند و مسائلی مانند جسمیت؛ غیر قابل تشبیه بودن و جبر و اختیار و تفویض را شرح و تبیین کنند که روایات گسترده‌ای نیز در این زمینه داریم.

استادیار دانشگاه قرآن و حدیث ادامه داد: یکی از وجوه مشترک در مناظرات این دو امام همام، مناظره در احادیث نبوی است زیرا دهه‌های متعددی از دوره صدر اسلام گذشته بود و مردم در زمینه احادیث رسیده از پیامبر(ص) به خصوص با توجه به حوادثی که در مورد منع کتابت حدیث رخ داده بود، دچار اختلاف برداشت بودند که این دو امام و به خصوص امام صادق(ع) تلاش زیادی در اصلاح برداشت‌ها داشتند.

غلامعلی با اشاره به تفاوت میان محتوای مناظرات امام صادق و امام رضا(ع)، بیان کرد: مهم‌ترین اختلاف در مناظرات میان دو امام مناظره بر سر موضوع امامت بود؛ یعنی در اصل امامت و علم و عصمت امام و جایگاه امام در دوره امام صادق(ع) بحثی دیده نمی‌شود، زیرا در این دوره مباحث توحیدی و ... بیشتر مورد بحث بود و شرایط نیز طوری بود که بحث امامت چندان در میان مردم جا نیفتاده بود و مطرح نبود، اما در دوره امام رضا(ع)، امام ابایی از اینکه اعلام امامت کنند نداشتند و این ضرورت با توجه به ایجاد فرقه واقفیه و تبلیغی که داشتند بیشتر حس می‌شد زیرا واقفیه معتقد بودند که امامت در امام کاظم(ع) متوقف شده است و امام رضا(ع) امام بعدی نیست و امام نیز از یکسو به مقابله با این فرقه انحرافی پرداختند و از طرف دیگر نیز به تبیین و معرفی جایگاه و علم و عصمت امام پرداختند و در مناظرات نیز این واقعیت منعکس بود و حتی در مناظرات با مامون، این خلیفه عباسی به امامت امام(ع) معترف شد.

این محقق و استاد حوزه علمیه اظهار کرد: یکی از شیوه‌های امام صادق(ع) در مناظرات این بود که شاگردانی را که قبلاً با توجه به نیازها تربیت کرده بود در مناظرات مورد استفاده قرار می‌داد و بسیاری از مناظرات را به شاگردان ارجاع می‌دادند که این مسئله بیانگر دو نکته است؛ اول روحیه شاگردپروری و تربیت افراد متخصص در رشته‌های

مختلف و دوم اعتماد به آنان و به کارگیری آنان در مناظرات. یعنی امام علاوه بر اینکه بحث یک مناظره در میان است و قرار است به لحاظ کلامی بر مخالف فائق شوند و او را قانع کنند در عین حال یک کلاس آموزشی و تربیتی و اخلاقی نیز از دل یک مناظره بیرون می‌آوردند.

استاد حوزه علمیه ادامه داد: امام صادق(ع) معمولاً در مناظرات می‌نشستند و خودشان از نزدیک در جریان مناظره بودند تا شاگردانشان مناظره با منکران و کفار و زنادقه را سپری کنند و در پایان مناظره نکاتی را هم به شاگردان گوشزد می‌کردند که در برخی روایات جزئیات این مسائل و تاکید امام بر اصلاح برخی مسائل نیز بیان شده است.

نمونه مناظره

استادیار دانشگاه قرآن و حدیث به نمونه‌ای از این مناظرات پرداخت و افزود: یونس بن یعقوب نقل می‌کند که یک عالم و دانشمندی از شام به مدینه و خدمت حضرت رسید و گفت «من فردی فقیه و عالم در علم کلام هستم و چون شهره و آوازه شما به عنوان فردی دانشمند در بلاد اسلامی پیچیده است، برای مناظره با شما آمده‌ام». یونس از شاگردان امام روایتی در این زمینه نقل کرده و می‌گوید: چون فرد خود را استاد علم کلام (اعتقادات) می‌دانست امام اینگونه با او بحث را شروع کرد: «این کلامی که می‌گویی ریشه در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله دارد یا از خودت هست؟» گفت: «برخی از سخنان نبوی و برخی از جانب خود من است». فرمود: «پس تو شریک پیغمبری؟» گفت: نه، فرمود: «از خدای عز و جل وحی شنیده‌ای؟» گفت: نه، فرمود: «چنان که اطاعت پیغمبر را واجب می‌دانی اطاعت خودت را هم واجب می‌دانی؟» گفت: نه، حضرت روی به من داشته و فرمود: «ای یونس، این مرد پیش از آنکه وارد بحث شود، خودش را محکوم کرد» (زیرا گفته خودش را حجت دانست بی‌آنکه دلیلی بر حجیتش داشته باشد). امام، هشام بن حکم از بهترین مناظره‌کنندگان را که تربیت کرده بودند برای مناظره فرستادند و فرمودند با این شاگرد من مناظره کن و اگر بر او پیروز شدی مانند این است که بر من پیروز شده‌ای. یعنی اعتماد امام به شاگردان تا چنین مرحله‌ای بود؛ این مناظره در مورد امامت بود که از توحید شروع و در مورد نبوت ادامه یافت و دو طرف بر مشترکات تاکید داشتند و بحث تا جایی پیش رفت که عالم شامی گفت قرآن و سنت پیامبر(ص) برای ما کافی است و می‌تواند در همه زمان‌ها اختلافات را برطرف کند که وقتی هشام به او گفت پس اگر این دو به تنهایی می‌تواند اختلافات را حل کند، پس چرا ما دچار اختلاف هستیم و آن فرد در پاسخ ماند و به این ترتیب در این نوع مناظرات تلاش می‌شد تا جایگاه جانشینان

پیامبر نیز تبیین شود.

استادیار دانشگاه قرآن و حدیث با اشاره به روش دو امام در مناظرات تصریح کرد: امام رضا(ع) استاد بیشتری نسبت به امام صادق(ع) بر آیات قرآن و روایات داشتند، ولی امام صادق(ع) بیشتر از روش عقلی و کلامی صرف بهره می‌بردند زیرا سر و کار امام صادق(ع) بیشتر با زنادقه و کفار و منکران خدا بود که طبیعتاً قرآن و روایات را هم باور نداشتند، اما امام رضا(ع) بیشتر مناظراتش در بحث صفات خدا، عصمت انبیاء و ... بود و می‌توانستند از روش درون دینی و نقلی یعنی قرآن و روایات بهره ببرند. البته طبیعتاً امام رضا(ع) نیز در برخورد با متکلمانی که از روم و یونان در مجلس ایشان حاضر می‌شدند، از روش عقلی و برهانی نیز بهره می‌بردند، اما دستشان برای استاد به قرآن و روایات نبوی بیشتر باز بود.

رعایت اخلاق در مناظره

رئیس دانشکده مجازی دانشگاه قرآن و حدیث بیان کرد: در کتاب عیون اخبار الرضا(ع) مناظرات امام به صورت مستقل و خواندنی آمده که بسیار زیباست، مخصوصاً مناظره با مأمون و اعتراف مأمون به حجت بودن امام البته نکته مهمی که باید در این مناظرات مورد توجه قرار داد رعایت مسائل اخلاقی است.

وی تاکید کرد: امام صادق(ع) با افرادی مانند ابی العوجاء و ابن مقفع و ... مناظراتی در مسجد الحرام داشتند؛ این افراد منکر خدا بودند اما امام صادق(ع) چنان در مناظره با آنها مسائل اخلاقی را رعایت می‌فرمود که در تاریخ نقلی از ابن مقفع آمده است که گفته است اگر کسی را بتوان در این سرزمین انسان دانست، آن انسان، همین جعفر بن محمد است و این نقل این افراد در حالی است که مناظرات متعددی هم با امام داشتند و با اینکه تغییر عقیده ندادند، اما نتوانستند به اخلاق و ادب و تواضع امام و رعایت مسایل اخلاقی و انسانی اعتراف نکنند؛ این نکته واقعاً دارای اهمیت است و نباید آن را کم مقدار بدانیم. در مورد امام رضا(ع) نیز همین موارد ثبت و روایت شده است؛ امام با عمران صابی که فردی غیر مسلمان بود مناظره کرد که مناظره تا نزدیک اذان طول کشید و تا اذان شد امام برای نماز برخاستند و هر قدر عمران به امام اصرار کرد که مناظره ادامه یابد و حتی اعلام کرد که آمادگی پذیرش اسلام را دارد امام قبول نفرمودند و برای نماز آماده شدند و همین نوع برخوردها سبب شد تا آن فرد در نهایت مسلمان شد.

غلامعلی تاکید کرد: رعایت مسایل ادبی و اخلاقی در مناظرات علمی بسیار مهم و بسیار مفید برای امروز است، زیرا امروز مناظرات چه در داخل و چه در خارج کشور تنها چیزی که در آن مراعات نمی‌شود، همین مسایل ادبی و اخلاقی است.

مناظره از منظر عترت



گفت‌وگو با محبت‌الاسلام حمیدرضا مطهری؛

روشن‌شناسی مناظره‌های امام جواد(ع)

پایه

ویژه‌نامه

مناظره در پرتو
قرآن و عترت

حجت‌الاسلام مطهری با بیان این‌که مناظره در دوره امام جواد(ع) به خاطر فضای خاص سیاسی و مذهبی این دوره، در قیاس با دوران دیگر امامان(ع) رونق خاصی داشت، افزود: قدرت‌مندشدن معتزله و تلاش‌شان در حوزه مباحث عقلی و مناظره آنان با پیروان دیگر مذاهب اسلامی به ویژه شیعیان از یک‌سو و حمایت برخی از خلفای عباسی از چنین جریانی و برگزاری جلسات مناظره رونق این جلسات را افزود. امام جواد(ع) در مناظراتی که داشتند، ضمن احترام به مخالفان و تلاش برای توجه به فهم آنان، از شیوه‌های مختلفی همچون استدلال عقلی و دلایل نقلی و ترکیبی استفاده می‌کردند.

راهکار در قرآن نیز مورد تأیید قرار گرفته و جایگاه مهمی دارد و از آن به عنوان یکی از روش‌های دعوت به حق یاد شده و توصیه شده است که می‌توانیم آن را در آیه «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای در حقیقت پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده، داناتر و او به [حال] راه‌یافتگان [نیز] داناتر است.» (نحل، ۱۲۵) ملاحظه کنیم.

اهمیت مناظره در فرهنگ اسلامی

مطهری ادامه داد: مناظره در سیره معصومین(ع) اهمیت ویژه‌ای دارد و ایشان برای نشر فرهنگ و اندیشه اصیل اسلامی و نیز برای اثبات دیدگاه‌های خود از این روش در حوزه‌های مختلف عقیدتی و کلامی، فقهی و... استفاده کرده‌اند. هر یک از امامان، با توجه به موقعیت زمانی و مکانی که داشته‌اند، در این زمینه گام‌هایی برداشته و مقابل فرقه‌های

گونگون با بهره‌گیری از روش‌های مناسب، تلاش کرده‌اند تا قدم‌های موثری برداشته و معارف الهی را تبیین و سره را از ناسره تفکیک کند.

رییس پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت(ع)، در پاسخ به این پرسش که مناظره و گفت‌وگو در دوران حیات امام جواد(ع) چه جایگاهی داشته است؟ گفت: مناظره در دوره امام جواد(ع) به خاطر فضای خاص سیاسی و مذهبی این دوره، در قیاس با دوران دیگر امامان(ع) رونق خاصی داشت. قدرت‌مندشدن معتزله و تلاش‌شان در حوزه مباحث عقلی و مناظره آنان با پیروان دیگر مذاهب اسلامی به ویژه شیعیان از یک‌سو و حمایت برخی از خلفای عباسی از چنین جریانی و برگزاری جلسات مناظره رونق این جلسات را افزود.

وی تصریح کرد: کم سن و سال بودن امام(ع) نیز باعث شد تا اکثریت مردم و حتی برخی از شیعیان دچار شک و تردید شده و برای دستیابی به حقیقت و رفع تردیدها، سوالاتی را از امام یا دیگران مطرح سازند. امام جواد(ع) هم از این فرصت برای زدودن شک‌ها در باب امامت خودشان و تبیین و



مناظره از منظر عترة

مطهری در پاسخ به این پرسش که اصول رفتاری امام جواد(ع) در مناظره‌هایی که داشتند چه بوده است؟ گفت: مهم‌ترین نکات رفتاری که می‌توان از مناظره‌های امام جواد برشمرد، مخاطب‌شناسی، احترام به مخالفان و تحمل دیدگاه آنان می‌باشد.

احترام و توجه به فهم مخاطب در مناظره

رییس پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت(ع)، ادامه داد: پیامبر اکرم(ص) نیز به این نکته توجه داشت و بر اساس دانایی خود با مردم سخن نمی‌گفت، بلکه ایشان بر اساس میزان فهم و دانش مردم با ایشان گفت‌وگو می‌کرد. ایشان در این زمینه می‌فرماید: ما پیامبران مامور شدیم تا با مردم بر اساس سطح فکر و عقل ایشان سخن بگوییم.

وی تصریح کرد: امام جواد(ع) نیز این نکته را به عنوان یک اصل در مناظره‌های خود با گروه‌های متعدد رعایت می‌کند و با هر کسی بر مبنای سطح فکری و توان عقلی او سخن می‌گفت. به همین خاطر در مناظرات خویش گاهی از استدلال عقلی و گاه از روش نقلی و گاه نیز از باورهای طرف مقابل استفاده

مناقبتی، مناظره‌ها و مذاکره‌های علمی امام جواد(ع) را گزارش داده‌اند که از مهم‌ترین منابع می‌توان به تفسیر عیاشی، ارشاد شیخ مفید، دلایل الامامة طبری، کشف الغمة اربلی، مناقب ابن شهر آشوب، احتجاج طبرسی و الدر النظیم فی مناقب الائمة اللہامیم از یوسف بن حاتم‌شامی اشاره کرد که از حیث اعتبار و استفاده یک‌سان نبوده و بررسی قوت و ضعف هر یک از این منابع و روایت آن‌ها در این زمان کوتاه میسر نخواهد بود.

روش امام جواد(ع) در مناظرات

وی در پاسخ به این پرسش که روش‌های مواجهه امام جواد(ع) در مناظرات چه بوده است؟ گفت: امام جواد(ع) در مناظرات‌شان ضمن احترام به مخالفان و تلاش برای توجه به فهم آنان، شیوه‌های مختلفی در مواجهه با آنان به کار گرفت. ایشان گاه با استدلال عقلی و گاه با دلایل نقلی و استناد به آیات قرآن و سیره نبوی و گاهی نیز با بهره‌گیری از اعتقادات مخالفان و برخی اوقات نیز با روش‌های ترکیبی به مناظره می‌پرداخت.

اثبات عقاید صحیح بهره برده و با روش‌های متفاوت با جریان‌های مذکور به تعامل پرداختند.

مهم‌ترین موضوعات مناظرات امام جواد(ع)

مطهری در پاسخ به این پرسش که مهم‌ترین موضوعاتی را که امام جواد(ع) در آن‌ها به مناظره پرداخته است، چیست؟ گفت: مهم‌ترین موضوعاتی را که در مناظره‌های این امام معصوم(ع) مطرح شده‌اند، می‌توان مسائل فقهی، تفسیری، کلامی و مذهبی دانست که بر حسب موضوع مخاطبان متفاوت داشته است. برخی در پس حقیقت بودند و بعضی به دنبال اینکه باورهای خویش را اثبات کنند. در این میان می‌توان به خاندان عباسی اشاره کرد که با انگیزه سیاسی و نشان دادن ناتوانی امام در برابر خلیفه به مناظره می‌پرداختند. بر همین اساس، شیعیان تشنه حقیقت، فقیهان اهل سنت، و رقیبان مذهبی و خاندان عباسی را می‌توان از نظر شرکت‌کنندگان در مجالس مناظره دانست.

رییس پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت(ع)، تصریح کرد: منابع مختلف تفسیری، تاریخی، کلامی و



از قربانی پرسیده بودند، به سیره و سخن پیامبر(ص) استناد کرد یا در پاسخ فردی که درباره قبول یا رد هدیه پرسیده بود، فرمود: «رسول خدا(ص) هرگز هدیه کسی را رد نکرد».

آشنایی و تکیه بر مبانی فکری مخالف

وی افزود: یکی دیگر از روش‌های امام پاسخ‌گویی بر اساس باورهای طرف مقابل بود، گفت: امام جواد(ع) مسائل برخی مخالفان را با اشاره و استناد به اعتقادات خودشان یا سخنان بزرگان‌شان پاسخ می‌داد، چنانکه در گفت‌وگوهای خود با یحیی بن‌اکثم این گونه عمل کرد. یحیی با استناد به برخی روایت‌های جعلی، فضائی درباره بعضی افراد مطرح می‌کرد که مطرح شدن آن در جامعه مشکلاتی را به دنبال داشت. اما امام جواد(ع) با استناد به آیات قرآن و نیز ذکر شواهدی از سخنان و روش پیشینیان به وی پاسخ داد. یحیی حدیثی در فضل عمر نقل کرد. امام جواد(ع) در پاسخ به نکته‌ای استناد کرد که یحیی نتوانست آن را نپذیرد؛ ایشان فرمود: من منکر فضل عمر نیستم اما ابوبکر از او برتر بود، با این حال بر منبر گفت: «مرا شیطانی است که بر من عارض می‌شود، هر گاه منحرف شدم مرا به راه درست باز آورید».

روش ترکیبی در مناظره

وی ادامه داد: دیگر روشی که در مناظره و مباحث علمی توسط امام استفاده می‌شد به کارگیری روش ترکیبی بود. چنانکه روایت جعلی یحیی بن‌اکثم درباره فضیلت اول و ادعای رضایت خداوند از او را با این روش رد کرد. ایشان ابتدا به سخن پیامبر(ص) استناد کرد که قرآن و سنت را ملاک صحت سخنانی معرفی کرده بود که به آن حضرت نسبت داده می‌شود و با استفاده از آیات قرآن که خداوند را از رگ گردن به انسان نزدیک‌تر معرفی کرده و نیز با به کارگیری دلیل عقلی ضمن پاسخ به ادعای یحیی، به نقد روایت مذکور پرداخت و ملاک ارزیابی روایات را هم به دیگران آموزش داد.

مطهری در پایان گفت: می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که امام جواد(ع) از فضای مناسبی که در سایه گسترش مباحث عقلی و مناظره علمی به وجود آمده بود، برای ترویج عقاید و باورهای صحیح اسلامی بهره برد و برای اصلاح انحرافات و ممانعت از سوء استفاده از فضای عمومی موجود، در مناظرات حضور فعال داشت. امام(ع) در مباحث مختلف فقهی، کلامی، اعتقادی و حتی اجتماعی و سیاسی از آن‌ها بهره می‌برد و در کنار این مهم، برخی روش‌های دیگر را نیز به کار می‌برد، مانند استفاده از باورهای مخالفان در رد عقاید آن‌ها و یا به کارگیری روش‌های ترکیبی که هر یک را به حسب مورد و با توجه به شرایط و نیز سطح مخاطبان به کار می‌گرفت.

تحمّل دیدگاه مخالفان است.

مطهری ادامه داد: ایشان در مناظراتی که با افراد و گروه‌های مختلف داشت، علی‌رغم مطرح شدن مسائلی که مخالف دیدگاه‌شان بود، همواره به این مهم توجه داشت که سخن مخالفان را با آرامش می‌شنید و آنگاه پاسخ می‌داد. در ماجرای بیان حکم سارق می‌توان احترام امام به مخالفان را مشاهده کرد، چرا که علی‌رغم قبول نداشتن دیدگاه فقیهان درباره عیاسی تا زمانی که از ایشان تقاضا نشده بود دیدگاه خود را بیان نفرمود.

بکارگیری روش‌های متناسب با موقعیت

وی در پاسخ به این پرسش که امام جواد(ع) در مناظرات خود از چه روش‌هایی استفاده می‌کرد، گفت: ایشان سعی داشت تا از روش‌های متناسب با موقعیت استفاده کنند. از این رو ایشان از روش عقلی، نقلی و گاه ترکیبی بهره می‌گیرد. امام جواد(ع) اهتمام ویژه‌ای به استفاده از دلایل عقلی در گفت‌وگوهای خود داشت و گاه در کنار استفاده از قرآن، سیره و سخن پیامبر(ص) از استدلال‌های عقلی استفاده می‌کرد.

وی افزود: یکی از ویژگی‌های مهم مناظرات امام جواد(ع) به کارگیری روش نقلی و استناد و استدلال به آیات قرآن و سیره و سخن پیامبر(ص) بود. یکی از استنادات قرآنی امام جواد(ع) را می‌توان در گفت‌وگوی او با یکی از بستگان خویش به نام ابوهاشم جعفری، از نوادگان جعفر بن‌ابی‌طالب مشاهده کرد که درباره «أحد» در آیه شریف «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» پرسید و امام(ع) با استناد به آیه ۶۱ سوره عنکبوت: «و هو رگه از آنان بررسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را مُسَخَّر کرده، می‌گویند الله» پاسخ وی را داد و آن را به معنای اتفاق همگان بر یکتایی خداوند تفسیر و تبیین کرد.

وی با بیان اینکه امام(ع) در مناظرات به سیره و سخن پیامبر(ص) نیز استناد می‌کرده‌اند، گفت: امام جواد(ع) در مباحث مختلف فقهی، اعتقادی و اخلاقی به سیره و سخن پیامبر(ص) استناد می‌کرد چنانکه در پاسخ افرادی که درباره تراشیدن سر پیش

می‌کند و گاه در مقابل یک فرد یا گروهی و یا در بحثی علمی از دو یا چند روش، به صورت ترکیبی استفاده می‌کند، همان طور که با توسل به سخن پیامبر و ارجاع به آیات قرآن و استدلال عقلی، به یحیی بن‌اکثم (م ۲۴۲ ه.ق) پاسخ داد.

مطهری در خصوص احترام به مخالفان توسط امام جواد(ع)، گفت: یکی از راه‌های موفقیت در پرسش‌های مختلفی که در حوزه مباحث علمی از جمله مناظره یا گفت‌وگوهای دوجانبه وجود دارد، احترام به مخالفان و پذیرش آن‌هاست. ائمه(ع) بر اساس سفارش قرآن درباره استفاده از منطق و خرد در مناظرات، به شدت از برخورد تند و خشن، بی‌احترامی و تحقیر دیگران حتی اگر خصم هم بودند، پرهیز می‌کردند.

وی ادامه داد: امام جواد(ع) نیز در مناظره‌هایی که انجام می‌داد، ضمن احترام به مخالفان، هیچ‌گونه توهین و یا حتی تند تند نکرده و همواره می‌کوشید با استدلال و ارائه دلایل متقن به ایشان پاسخ‌هایی بدهد. ایشان در جلساتی که با فقها یا متکلمان و عالمان داشت با ایشان در نهایت احترام رفتار می‌کرد. ایشان در بحث از فضایل خلفای نخستین، با اینکه ایشان را نمی‌پذیرفت پیش از پاسخ‌گویی فرمود: «من منکر فضایل ایشان نیستم» و آنگاه روایاتی را که قبول نداشت، با دلیل و به صورت مستند رد کرد. در هنگام گفت‌وگو نیز ابتدا پرسش‌های فقهی یحیی بن‌اکثم را با آرامش شنید و آنگاه پاسخ داد.

تحمّل دیدگاه مخالف

رئیس پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت(ع)، افزود: اخلاق حسنه امام جواد(ع) باعث شده بود تا ایشان در برابر همگان و حتی افرادی که به عنوان مخالف یا رقیب آن حضرت مطرح بودند از احترام برخوردار باشد، همان طور که در مقابل عموی‌شان عبدالله بن‌موسی که در پاسخ به سوالات برخی افراد دچار اشتباه شده بود، با کمال احترام خطایش را گوشزد کرد و ضمن پرهیز دادن او از خطری که در کمینش بود، پاسخ صحیح را به حاضران ارائه داد. یکی دیگر از نکات مهم در مناظره‌های امام جواد(ع)

تأکید بر اعتقادات طرف مناظره؛ مبنای استدلال منطقی



خوب است که انسان از مبانی طرف مقابل استفاده کند؛ مثلاً فرض کنید که ما با یک مسیحی یا غیر مسلمانی دیگر مناظره می‌کنیم و چون اعتماد به حقانیت داریم، از مبانی آن طرف استفاده کرده و حرفمان را اثبات می‌کنیم.

آداب مناظره

این استاد دانشگاه خاطرنشان کرد: بنابراین مناظره آدابی دارد و اولین آداب مناظره این است که عالمانه باشد، یعنی اینکار را بر پایه علم و دانش انجام دهیم. در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که انبیاء با مردم مناظره کرده‌اند. مردم عقاید حقه انبیاء را انکار می‌کردند و انبیاء هم به صورت عالمانه و با استدلال، جواب آنها را می‌دادند.

معصومی‌نیا اظهار کرد: یکی دیگر از آداب مناظره این است که انسان به زیبایی و با زبان مناسب حرف بزند. انسان در مناظره باید طرف مقابل را مسخره نکرده و به نیکی سخن بگوید چراکه اخلاق اسلامی هم بر این اساس است. قرآن کریم می‌فرماید بسیاری از افرادی که با انبیاء (ع) مناظره می‌کردند، آنها را مسخره می‌کردند. معصومی‌نیا خاطرنشان کرد: نکته دیگر این است که در مناظره، مغالطه نکنیم. ما معمولاً به مغالطه دچار هستیم. مغالطه در منطق هم دارای شیوه‌های مختلفی است اما گاهی اوقات برخی افراد شلوغ کاری کرده و حرف باطلی را به طرف مقابل نسبت می‌دهند که این روش بسیار بدی است و نباید در مناظره اقدام به مغالطه کرد.

وی ادامه داد: باید در مناظره به شخصیت یکدیگر احترام بگذاریم. در همین مناظراتی که در کشور ما برگزار می‌شود، با اینکه با طرف مقابل دارای اختلاف‌نظر سیاسی هستیم اما طرف مقابل ما هم مسلمان و مؤمن است بنابراین باید احترام همدیگر را نگه داریم و دست به مغالطه نزنیم و متأسفانه چون این مسئله را رعایت نمی‌کنیم، این مسئله به مردم هم منتقل شده و جامعه علمی ما هم بی‌اعتبار می‌شود.

هدف مناظره: نشر آگاهی

معصومی‌نیا عنوان کرد: یکی دیگر از آداب مناظره این است که هدف ما از این کار باید آگاه کردن مردم باشد و گرنه بیهوده و جدال باطل است. اگر در منابع قدیمی دقت کنیم، علمای بزرگ ما همانند خواجه نصیرالدین طوسی، در کتب اخلاقی خود در مورد مناظره، زیر عنوان جدال بحث می‌کردند و قسمتی از کتاب‌های آنها به آداب جدال اختصاص داشت. آنها

این مباحث را مطرح کرده‌اند که هدف ما باید این باشد که در بین مردم بصیرت ایجاد کنیم و آگاهی آنها را بالا ببریم. وقت مردم ارزش دارد و نباید وقت مردم را بی‌دلیل تلف کرده و در آخر هم این مناظره فایده‌ای نداشته باشد.

عضو هیئت‌علمی دانشگاه خوارزمی ادامه داد: یکی دیگر از آداب مناظره این است که باید در مناظره با این تعصبات بی‌مورد که در جامعه و طرف مقابل وجود دارد، مبارزه کنیم. گاهی اوقات تعصبات قومی، قبیله‌ای و در زمان ما تعصبات جناحی در مناظره وجود دارد که این مسئله مانع فهم حقیقت می‌شود. وی در ادامه به بیان آثار مناظره صحیح پرداخت و عنوان کرد: اگر این آداب رعایت شود، حقیقت کشف می‌شود. گاهی اوقات حقیقت روشن نیست، به عنوان مثال در مسائل اقتصادی، این مسئله وجود دارد که راه حل مشکلات اقتصادی ما چیست؟ و اگر دو اقتصاددان به شیوه درستی در این مورد بحث کنند که راه حل درست اقتصاد ما چه چیزی است، در زمینه عرضه و تقاضا باید چه اقداماتی انجام دهیم و در سیاست‌های مالیاتی و در عرضه تولید به چه شکل عمل کنیم، و در مناظره، به خوبی باهم بحث کرده و حقیقت را در میان بگذاریم، خداوند هم کمک خواهد کرد که مسائل حل شود.

وی افزود: یکی دیگر از مسائل مهم این است که باید فضای برگزاری مناظره، فضای آرامی باشد و اگر فضا ملتهب باشد، هیچ حقیقتی کشف نمی‌شود. اثر درست در صورتی بر مناظره مترتب می‌شود که فضای مناظره آرام باشد اما متأسفانه در غالب اوقات در مناظره‌هایی که صورت می‌گیرد، فضا آرام نیست. این استاد دانشگاه در پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان این شیوه مناظره را در جامعه رواج داد؟ اظهار کرد: این کار از طریق تربیت اخلاقی میسر است. متأسفانه بسیاری از ما در این زمینه دچار اشکال هستیم. اگر مناظره‌های علمی در دانشگاه‌ها برگزار شود، این افرادی که تربیت اخلاقی می‌شوند یعنی تحصیل کرده‌ها، آن را گسترش خواهند داد.

نقش رسانه در تثبیت آداب مناظره

معصومی‌نیا درباره نقش رسانه ملی اظهار کرد: رسانه ملی نقش بسیار زیادی در این زمینه دارد. رسانه ملی می‌تواند قبل از مناظره‌ها، شرط کند که باید آداب مناظره رعایت شود و چاره‌ای هم غیر از این نیست. بنده معتقدم نباید مناظره به صورت زنده پخش شود چراکه اگر زنده باشد، نمی‌توان آن را کنترل کرد.

عضو هیئت‌علمی دانشگاه خوارزمی در پایان گفت: اگر رسانه ملی شرط کند که باید موازین اخلاقی از جانب طرفین به صورت دقیق رعایت شود، بسیار بهتر خواهد بود اما اگر مناظره زنده باشد و مردم ببینند که کار به جدال باطل رسیده است، بسیار رنج‌آور خواهد بود بنابراین هم خود مذاکره‌کنندگان باید مراقب باشند و هم اینکه رسانه ملی تذکرات لازم را به آنها بدهد.

عضو هیئت‌علمی دانشگاه خوارزمی اظهار کرد: مناظره احسن از منظر اسلام دارای شرایطی است و از جمله باید دارای مبانی علمی، فضای آرام، زبان نیکو، دوری از مغالطه و با هدف آگاه کردن مردم باشد. علمای بزرگی همانند خواجه نصیرالدین طوسی، در کتب اخلاقی خود در مورد مناظره، زیر عنوان جدال بحث می‌کردند و قسمتی از کتاب‌های آنها به آداب جدال اختصاص داشت. بر اساس باور آنها، هدف ما باید این باشد که در بین مردم بصیرت ایجاد کنیم و آگاهی آنها را بالا ببریم.

حجت‌الاسلام والمسلمین غلامعلی معصومی‌نیا، عضو هیئت‌علمی دانشگاه خوارزمی، به بحث درباره آداب و اخلاق مناظره در اسلام پرداخت و گفت: اگر خواهیم مناظره درست را تعریف کنیم، این مناظره عبارت از کشف حقیقت است و اگر کشف حقیقت در کار نباشد و دو طرف بخواهند حرف خودشان را بر کرسی بنشانند، صحیح نیست.

وی ادامه داد: غالب مناظرات ما به این شکل است که هر کسی سعی دارد حرف خود را به کرسی بنشانند که این امر با اثبات سخن فرق می‌کند و به همین دلیل تلاش برای به کرسی نشاندن و جدال باطل و چیرگی بر طرف مقابل، در روایات ما به شدت نکوهش شده است.

معصومی‌نیا عنوان کرد: جدال به این معنا است که هر طرف بر حرف خودش بایستد، ولو اینکه بدانند حق با طرف مقابل است اما مناظره صحیح به «جدال احسن» توصیه شده است. جدال خوب به این معنی است که انسان با استدلال و با استفاده از مبانی طرف مقابل، حرفی را اثبات کند.

عضو هیئت‌علمی دانشگاه خوارزمی اظهار کرد: بسیار

مناظره

از دیدگاه قرآن و اهل بیت (ع)

زهره افوان مقدم، استادیار دانشگاه علوم قرآنی اظهار کرد: همان‌گونه که با مشاهده تفسیرهای ائمه معصومین (ع)، علاوه بر تفسیر یک آیه، روش تفسیر برای آیات دیگر را نیز برمی‌گیریم، مناظره‌های معصومین هم علاوه بر آگاهی در موضوع مناظره، روش کار را نیز به ما می‌آموزاند؛ و از آنجا که ایشان معصوم هستند و فعل خطا انجام نمی‌دهند، برمی‌آید که عمل کردن بر خلاف دستوراتشان ذیل آسیب‌شناسی مناظره قابل بررسی است.

زهره افوان مقدم، استادیار دانشگاه علوم قرآنی تهران گفت: مناظره میان دوشخص یا مکتب با عقاید مختلف ممکن است چراکه اقل دلیل بر امکان شیء، وقوع آن است. زمانی که مشاهده می‌شود هر روز میان ادیان و مذاهب و افکار مختلف گفت‌وگو صورت می‌گیرد نشانی از این است که می‌توان با عقاید مختلف و با ادیان و افکار مختلف به مناظره پرداخت.

مناظرات پیامبر (ص)

وی در ادامه ضمن بیان اینکه در قرآن کریم بر مناظره تأکید شده است، گفت: به صورت کلی ریشه مناظره‌ها به زمان پیامبر گرامی اسلام (ص) باز می‌گردد. لذا بر اساس قرآن کریم و گواهی تاریخ، شاید بتوان اولین مناظره رسمی پیامبر را جریان مباحله دانست. در جریان مباحله آوازه بعثت پیامبر اکرم (ص) به مسیحیان نجران رسید و از همین‌روی، مسیحیان برای تعمق و کنکاش در دین مبین اسلام به مدینه آمدند و در مسجد حضرت رسول (ص) به گفت‌وگو پرداختند.

وی در ادامه اظهار کرد: در مسجد حضرت رسول (ص) به این دلیل که دو دین در مقابل هم قرار گرفتند، مهم‌ترین مناظره صدر اسلام اتفاق افتاد. به این صورت که مسیحیان نجران اشکالاتی را وارد و حضرت رسول (ص) پاسخ‌های خودشان را مطرح کردند. لذا مهم‌ترین موضوع مناظره در این برهه این مسأله بود که «مسیح پسر خداست». از یک سو در این مناظره، مسیحیان نجران

پرسش‌های خود را مطرح می‌کردند و از سوی دیگر حضرت با استدلال به پرسش‌های آنها پاسخ می‌دادند و با دلایل گوناگون اثبات می‌کردند که مسیح فرزند خدا نیست و بنابراین مهم‌ترین مناظره در مسجد رسول الله (ص) اتفاق افتاد.

افوان مقدم بیان کرد: از طرفی، پیامبر با مشرکین و کفار نیز مناظره داشتند و قرآن کریم نیز از مناظرات پیامبر گرامی اسلامی (ص) سخن به میان آورده است. مناظرات حضرت موسی (ع) با فرعون هم که ذکرش در قرآن کریم رفته، شاید با نام مناظره مطرح نباشد اما محتوا ثابت است. از دیگر مناظراتی که در قرآن کریم آمده است می‌توان به گفت‌وگوی حضرت ابراهیم (ع) با مشرکین و بت‌پرستان یاد کرد.

مناظرات امیرالمومنین (ع)

استادیار دانشگاه علوم قرآنی بیان کرد: در زمان حضرت علی (ع) نیز به جهت اختلاف امامت و انحراف مسأله جانشینی پیامبر گرامی اسلام (ص)، حضرت امیر (ع) لازم دیدند که برتری خود را به مردم نشان دهند تا در آینده بحث و سخنی در این مسأله وجود نداشته باشد. بنابراین اگرچه در طول تاریخ نام این گفت‌وگو را احتجاج گذاشته‌اند، ولی به لحاظ محتوایی به واقع همان مناظره است.

افوان مقدم در ادامه این مطلب اظهار کرد: از این روی حضرت امیر (ع) در مجالس مختلف و متعدد، دلایل برتری خودشان را بر حکومت و وقت اعلام فرمودند. این خود دلیل قاطعی است در مقابل کسانی که به غلط، سکوت و رضایت از حاکمیت وقت را به امیر مؤمنان نسبت می‌دهند. نه تنها امیرالمومنین (ع)، بلکه به همین صورت و مستمرا در مورد ائمه معصومین «علیهم السلام» همین روش را می‌بینیم، که برای حقانیت خویش مناظره‌های مفصلی دارند، و غالب آنها با عنوان احتجاج‌های ائمه در کتاب احتجاج گردآوری شده است. این احتجاج‌های درون‌دینی، همچنان ادامه داشت، و در کنار آن، در عصر امام صادق (ع) و امام رضا (ع) شاهد احتجاج‌ها و مناظره‌های برون‌دینی هستیم که بین مسلمان و غیرمسلمان مناظره‌هایی

صورت می‌گرفت. در این مناظره‌ها، مسائل اساسی، از بالاترین مسأله یعنی توحید تا دیگر موضوعات مورد اختلاف، مورد واکاوی قرار می‌گرفت.

هدف مناظره چیست؟

افوان مقدم گفت: بر این نکته باید تأکید کرد که نتیجه مناظره، نباید لزوماً تغییر دیدگاه و اعتقاد از سوی طرف مقابل باشد. لذا در مناظره‌های ائمه هم، ما چنین چیزی را نمی‌بینیم که طرف مقابل، با وجود شکست در مناظره، لزوماً مؤمن شده باشد؛ و این، دلیلی بر ضعف مناظره نیست. از این روی قرآن کریم در مورد مشرکان و افرادی که حاضر به پذیرش حقیقت نیستند از این تعبیر استفاده کرده است: «فَبَيَّتَ الَّذِينَ كَفَرُوا: پس آن کس که کفر ورزیده بود مبہوت ماند» (بقره/۲۵۸). یعنی کسانی که کافر شده بودند مبہوت شدند. این آیه مبارکه به ما تذکر می‌دهد که نتیجه مناظره مبہوت شدن طرف مقابل است، نه این که به صورت الزامی به عقیده ما درآید. به عنوان نمونه در مناظره شخص مسلمان و یهودی هرکدام از طرفین دلایل خود را مطرح می‌کنند و زمانی که میدان از دست یهودی خارج می‌شود و مجلس مناظره را ترک می‌کند، طبق آموزه قرآن کریم شخصی است که در مناظره مبہوت شده، و با عمل خود نشان می‌دهد که طرف مقابل به اهدافش رسیده است.

استادیار دانشگاه علوم قرآنی گفت: اگرچه گاهی اوقات مناظره‌ها به گونه‌ای بوده است که طرف مقابل اعتقاد خود را تغییر داده و به جانب حق می‌آمده است. اما اگر این اتفاق هم رخ نداد به منزله شکست در مناظره نیست. از این روی قرآن کریم از طریق استناد به «بیت» طرف مقابل، به ما آموزش می‌دهد همین که طرف مقابل مبہوت شد و نتوانست به شما پاسخی مناسب بدهد مناظره به نتیجه رسیده است.

برخورد قرآنی در مناظرات

وی در ادامه این گفت‌وگو بیان کرد: نحوه برخورد ائمه معصومین (علیهم السلام) در مناظره با دشمنان برخورد قرآنی بوده است که به صورت عام در این





جواب بماند، آزاد نیستیم.

اخوان مقدم در پاسخ به این پرسش که رابطه ائمه معصومین (علیهم السلام) با قرآن چگونه است، گفت: عین فرمایش پیامبر گرامی اسلام است که فرمودند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِن تَمَسَّكْتُمُ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا، كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي؛ أَهْلُ بَيْتِي وَإِنَّهُمْ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ: من همانا دو چیز در میان شما می‌گذارم که پس از من هرگز گمراه نشوید، مادامی که به آن دو چنگ زنید، کتاب خدا، و عترتم که اهل بیت و خاندان من‌اند؛ زیرا خدای لطیف و آگاه به من سفارش کرده که آن دو از هم جدا نشوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند».

وی گفت: مقصود از استناد به این حدیث این است که درک نماییم قرآن و عترت هم دوش و قرین یکدیگر، هم پایه و مکمل هم هستند. قرآن و عترت دو ثقل هستند. اگرچه در برخی روایات این نکته وجود دارد که قرآن ثقل اکبر و ائمه معصومین ثقل اصغر هستند دلیلش این است که قرآن کلام خداست ولی به صورت کلی جانشینی وجود ندارد، بلکه قرآن و عترت مکمل هم هستند که وجود یکی بدون دیگری بی فایده است.

احترام متقابل در مناظره‌ها

وی بیان کرد: از ائمه معصومین (علیهم السلام) در حوزه مناظره به خصوص مناظره‌های حضرت امام رضا (ع) می‌آموزیم که بایستی به طرف مقابل مناظره احترام گذاشت. در این راستا شیوه برخورد ائمه معصومین (علیهم السلام) بسیار قابل توجه است. از این جهت که زمانی که مشاهده می‌کردند طرف مقابل کوتاه آمده است دیگر مناظره را ادامه نمی‌دادند. بنابراین مناظره‌های ائمه معصومین (علیهم السلام) برای ما الگوی قابل تأملی است که دریابیم با چه الگویی و با چه روشی مناظره صورت می‌گرفته است.

وی در پایان گفت: همان‌گونه که با مشاهده تفسیرهای ائمه معصومین (علیهم السلام)، علاوه بر تفسیر آیه مورد بحث، روش تفسیر برای آیات دیگر را نیز برمی‌گیریم، مناظره‌های معصومین هم علاوه بر آگاهی در موضوع مناظره، روش کار را نیز به ما می‌آموزاند؛ و از آنجا که ایشان معصوم هستند و فعل خطا انجام نمی‌دهند، برمی‌آید که عمل کردن بر خلاف دستوراتشان ذیل آسیب‌شناسی مناظره قابل بررسی است. بنابراین هرکس از این روش‌ها استفاده نکند اشتباه کرده است. البته گاهی اوقات نکته‌ای و مطلبی در کلام امام معصوم وجود دارد که به صورت مستقیم ذکر نشده، بلکه از فحوای کلام، استنباط، و مورد توجه قرار می‌گیرد. برای الگو قرار دادن معصومین باید این نکته‌های ریز را شناخت و بر اساس آنها به مناظره پرداخت.

امام راضی‌تر است چون علاقه‌مند به هدایت مردم است و دلش به حال افراد شقی می‌سوزد. بنابراین، معصوم به هر وسیله‌ای که بتواند مردم را هدایت کند از آن استفاده می‌کند. به عنوان نمونه جالب است که بدانیم در برخی مناظرات، امام رضا (ع) طرف مقابل را به بن‌بست کشانده‌اند، ولی باز خودشان از طرف دیگری و از زاویه دیگر پرسشی را مطرح کرده‌اند که از این رهگذر یک زاویه دید مطرح نباشد و همه ابعاد مورد بررسی قرار بگیرد. اگر به حدیث سلیمان مروزی مراجعه کنیم، می‌بینیم که ایشان اشکالات فکری را مطرح می‌کردند تا از آن نتیجه درست بگیرند.

مرز آزادی در مناظره

اخوان مقدم در پاسخ این سؤال که مرز آزادی یا تکیه بر موضوع مناظره چیست، گفت: در دین مبین اسلام آزادی تاجایی وجود دارد که به حقوق دیگران تجاوز نشود و مقصود از این حق، حقوق خدا، مردم، و حتی خود شخص است. اما در حوزه مناظره، آزادی باید از حیث بیان باشد. لذا در این راستا کسی حق توهین به دیگری اعم از نسبت دادن الحاد و کفر، و یا تهدید و مانند آن را ندارد. آزادی در گفتمان و مناظره این است که به متخصص دین مراجعه کنیم تا هرگونه اعتقاد و شکی برطرف شود. در حضور او آزاد هستیم که هرگونه شبهه یا اشکالی را بطور کامل مطرح کنیم، اما در مقابل غیر متخصص به این دلیل که ممکن است حرف‌هایی مطرح شود که فکری نادرست و غلط ترویج گردد، و شبهه گسترده شده و بدون

آیه قرآن کریم نمود می‌یابد: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا: و مردم به زبان خوش سخن بگویید» (بقره/۸۳) و در آیه‌ای دیگر در قالب «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ: با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما، و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن» (نحل/۱۲۵) نمودار می‌شود.

اخوان مقدم گفت: طبق آیه شریفه، اگر می‌خواهیم مردم را دعوت کنیم، باید از روی علم و حکمت و موعظه حسنه باشد. از این روی با قطعیت می‌توانیم بگوییم هیچ نمونه‌ای در تاریخ موجود نیست که از سوی حضرت رسول (ص) و اهل بیت (علیهم السلام)، بدخلقی یا بدزبانی، با غیرشیعه، غیرمسلمان، کافر و بت پرست صورت گرفته باشد. لذا ائمه معصومین (علیهم السلام) همیشه با آرامش و روی خوش با طرف مقابل برخورد می‌کردند. تا جایی که گاهی اوقات در مناظره‌ها، طرف مقابل به امام توهین می‌کرد، و اطرافیان شاکمی شده بودند، ولی امام با کمال متانت گفته‌اند که بگذارید سخنش را بگوید و پاسخش را بشنود.

مواجهه معصوم با اهانت در جریان مناظره

وی در ادامه در این باره اظهار کرد: دقت در این نکته ضروری است که چرا امام معصوم حتی زمانی که مورد اهانت قرار می‌گیرد جریان مناظره را قطع نمی‌کند؟ پاسخ این است که وظیفه امام هدایت مردم است و این وظیفه و ولایت، بدین سبب بر عهده او گذاشته شده، که محبت به بندگان خدا دارد. هرچه که تعداد هدایت شده‌ها بیشتر باشد

مروری بر یک پژوهش/

اصول اخلاق مناظره در روایات معصومین (ع)

سعی شده است، به روش توصیفی-تحلیلی، آداب مناظره از برخورد و نحوه رفتار اولیای دین (ع) با مخاطبان و از قواعد مناظره، و نیز بررسی عدم مغالطه در مناظره پرداخته شود. مناظره علاوه بر اینکه باید دارای محتوای عقلانی و منطقی باشد، باید در قالب زیبا و مناسب نیز ارائه گردد. رعایت اخلاق و سلوک معصومان (ع) باعث نرمی قلوب و افزایش تأثیرگذاری بر مخاطب می‌گردد و از عداوت و لجاجت وی می‌کاهد. همچنین نباید در مناظره مغالطه و سفسطه وجود داشته باشد و استفاده از این دو در اثبات حق و حقیقت نیز مورد تأیید معصومان (ع) نبوده است. ایشان (ع) در مواجهه با مغالطه، ابتدا وقوع آن را هشدار داده و با استفاده از روش‌های متفاوت به تبیین مسئله و هدایت مخاطب می‌پرداختند. در ادامه بخشی از این پایان‌نامه را ملاحظه می‌کنید.

پاسخ ندادن به توهین‌ها

رسول خدا (ص)، در مناظرات‌شان، نهایت سعه صدر و تحمل مخالف را به کار می‌بستند. گاهی ایشان در برابر توهین‌ها و تهمت‌های مشرکان، به جای جواب دادن آنی اجازه می‌دادند تا سب‌ها تمام شود و زمانی که طرف مقابل، خلع سلاح روانی شد و دیگر مطلبی برای گفتن نداشت، حضرت (ص) یک به یک گفته‌های وی را نقد می‌کردند. ما أنت یا مُحَمَّد! الأ مسخُوراً، و لست بنبی. فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: هل بقی من کلامک شیء؟ (ر.ک امام العسکری، ۱۴۰۹، ص ۲۰۳-۲۱۲ و طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۳-۱۸).

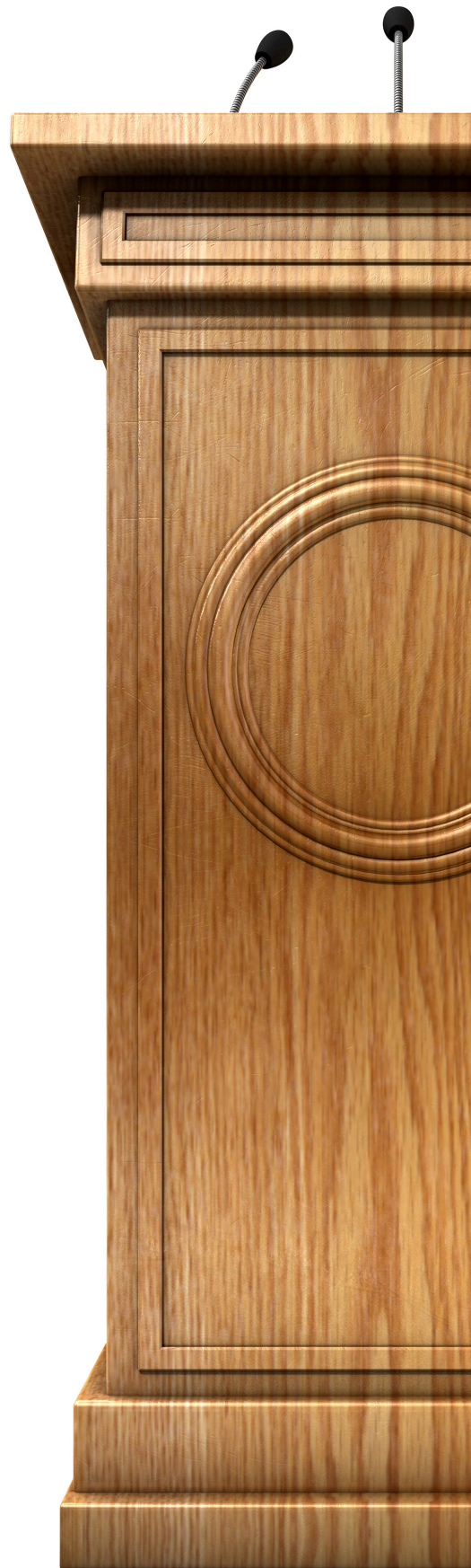
معین قربانی‌علمداری، دانشجوی علوم قرآن و حدیث در پایان‌نامه خود کوشش کرده است تا قواعد و آداب مناظره در سیره اهل بیت (ع) را استخراج کند. حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحسن موسوی، استاد راهنما و سیدعلی‌اکبر ربیع نتاج، استاد مشاور در این پروژه تحقیقاتی بوده‌اند. مؤلف این پایان‌نامه تلاش کرده است تا آداب و قواعد مناظره را بر مبنای روایات ائمه معصوم (ع) ارائه کند که در آن اصولی از جمله «برخورد طیب‌گونه با مشرکان» به عنوان اصول اخلاق مناظره در روایات معصومین (ع) عنوان شده است.

نگارنده در چکیده این پایان‌نامه می‌نویسد: «دین مبین اسلام همواره به عنوان تفکر زنده و پویا شناخته شده و به علت دارا بودن پایه‌های استوار و منطقی، از مصادف و تعامل با افکار و عقاید متفاوت و یا حتی متضاد، ابایی ندارد. مناظره و احتجاج یکی از بهترین راه‌های تعامل بین ادیان و مکاتب است که اگر درست و اصولی انجام گیرد، می‌توان امیدوار بود که از رهگذر آن، به سرمنزل هدایت و سعادت رهنمون شد. معصومان (ع) به علت عصمت ذاتی از هرگونه خطا و اشتباه مبری بوده و مناظرات ایشان نیز به عنوان بهترین نمونه در این زمینه مطرح است. از آنجا که درون‌مایه شبهات در طول تاریخ ثابت و حداقل دارای کمترین تغییر است، بررسی شبهات و سوالات از صدر اسلام و مناظرات معصومان (ع) در این زمینه، از نظر قالب و محتوا بسیار کارگشا و مفید می‌باشد. در این پایان‌نامه



ویژه‌نامه

مناظره در پرتو
قرآن و عترت



خطاب طرف مقابل با نیکوترین عبارات و رعایت ادب

در هنگام گفت‌وگو نباید مخاطب را گمراه محض و خود را هدایت‌یافته سعادتمند در نظر گرفت و از موضع بالا و با چشم حقارت به وی نگریست. کاملاً بدیهی است که در این صورت به هیچ وجه سخنان ما کارساز نخواهد افتاد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ قُلْ لَا تَسْتَلُونَنَا عَمَّا أَرْجَمْنَا وَلَا نُنسَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ؛ و در واقع یا ما و یا شما بر پایه هدایت یا در گمراهی آشکاری هستیم. بگو شما از آنچه ما گناه کردیم، بازخواست نمی‌شوید، و ما نیز از آنچه شما عمل می‌کنید، بازخواست نمی‌شویم» (سبأ، آیات ۲۴ و ۲۵).

این آیات کریمه، نمونه واضح و روشنی از برخورد پیامبر اکرم (ص) با مشرکان را نشان می‌دهد که گفتاری منطقی، مؤدبانه و سرشار از احترام به طرف مقابل است. پیامبر اکرم (ص)، مشرکان را با وجود بطلان نظر و فساد عقایدشان، جهنمی خطاب نمی‌کند و کرامت انسانی ایشان را به نحو شایسته، حفظ می‌کند. در این آیات، اعمال مسلمان، با عنوان جرم (در عین صحت) و کردار مشرکین (در عین انحراف)، با عنوان عمل نام برده شده است، تا دل‌های ایشان نرم گردد و قلوب آنها نسبت به کلام حیات‌بخش اسلام متمایل گردد. گفتگوی مفضل از یاران امام صادق (ع)، با ابن ابی‌العوجاء، نمونه‌ای است که روش گفتگوی امام صادق (ع) را به صورت غیرمستقیم نشان می‌دهد. روزی مفضل او را نزدیک قبر پیامبر صلی الله علیه و آله دید که نشسته است و وجود خدا را انکار می‌کند. مفضل از بیان وی خشمگین می‌شود و زبان به فحاشی گشوده، ادب گفتار را مراعات نمی‌کند. ابن ابی‌العوجاء به وی می‌گوید: چرا این طور حرف می‌زنی؟ اگر از یاران جعفر بن محمد هستی، او این گونه با ما حرف نمی‌زند و با مانند دلیل تو با ما بحث نمی‌نماید. او پیش از تو، حرف‌های ما را شنیده؛ ولی هیچ وقت در صحبت، با ما بدزبانی نکرده و جز پاسخ حرف‌های ما، سخن اهانت‌آمیزی نگفته است. او با کمال بردباری و متانت به سخن ما گوش می‌دهد و از ما می‌خواهد که هر چه دلیل بر عقیده خود داریم، بیاوریم. پس از این که حرف‌های ما تمام شد - در حالی که ما به خیال خود، او را محکوم کرده‌ایم - او شروع به صحبت می‌کند و با چند کلمه کوتاه تمام حرف‌هایی را که زده‌ایم، باطل می‌سازد و با استدلال‌های متین خود، راه هرگونه بهانه‌جویی را بر ما می‌بندد، به طوری که نمی‌توانیم پاسخ‌های او را رد کنیم. اگر تو هم از یاران او هستی، این گونه با ما حرف بزن (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۵۸-۵۷). ابن‌درید در کتاب المجتبی، مناظره

امیرالمؤمنین (ع) و یهودی را نقل می‌کند که در آن علی (ع)، وی را با عبارت «أخا الیهود، مورد خطاب قرار می‌دهد و این برخورد توأم با مهر و عطوفت امام (ع)، در مخاطب اثر کرده و وی در پاسخ امام (ع)، عبارت مولای به کار می‌برد. این‌کثیر دمشقی در البدایة و النهایة نامه‌ای از حضرت سیدالشهدا (ع)، نقل می‌کند که ایشان مخاطبان نامه را با لفظ برادر خطاب می‌کنند. «بن الحسن بن علی (ع) إلی إخوانه من المؤمنین و المسلمین» (ابن کثیر، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۱۶۸).

آرامش

شخص مسیحی نزد خلیفه دوم آمد و از او پرسید: «أختری این هو الله؟»؛ به من بگو خدا کجاست؟ عمر بن خطاب در برابر پاسخ وی غضبناک شد و از جواب دادن خودداری کرد. «فَغَضِبَ عَنْهُ ذَالکَ عُمَرُ وَ أَمْسِكَ وَ لَمْ یُرِدْ جواباً» در این هنگام حضرت علی (ع)، خلیفه دوم را به آرامش فراخواندند و فرمودند: «لا تَغْضَبْ یا أبا حفص! حَتَّى لَا یَقُولَ إِنَّکَ قَدْ عَجَزْتَ»؛ ای اباحفص خشمگین نباش تا نگویند که به خاطر ناتوانی از پاسخ، غضبناک گشته‌ای (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۶۰).

حفظ آرامش و طمأنینه از آن جهت در مناظره دارای اهمیت است که در صورت غضب و دگرگونی حالت روانی، این حالت شخص را مرتبط با عجز و ناتوانی‌اش در پاسخ دادن به سوال می‌دانند.

تواضع

زمانی که امام باقر (ع) در شام اقامت داشتند، متوجه عده‌ای شدند که برای دیدار با عالم مسیحی رهسپار صومعه می‌شدند، امام (ع) نیز با ایشان همراه شدند. زمانی که به صومعه رسیدند، بین امام (ع) و کشیش مسیحی، گفتگویی رد و بدل شد. عالم مسیحی به امام (ع) گفت: آیا شما از مسیحیان هستید یا از امت اسلامی؟ امام باقر (ع) فرمود: از امت اسلام. عابد مسیحی دوباره پرسید: از علمای این امت یا از بی‌سوادان؟ امام باقر (ع) فرمودند: از جاهلان نیستم. (رک بدوانی، ص ۴۲۸) چنان که گذشت، حضرت باقر (ع)، بدون اینکه سخن کذبی گفته باشند و یا جایگاه خاص برای خود در بین مردم تعریف کرده باشند، خود را معرفی کردند.

نفی تحقیر

معصومان (ع) در برخورد با مردم، نه آنها را تحقیر کرده و نه اجازه تحقیر شدن از سوی آنها را می‌دادند. به عنوان نمونه، زمانی که امام باقر (ع) وارد کاخ هشام شد، با دست به همگان اشاره کردند و فرمودند: السلام علیکم و به این ترتیب



لجاجت از موضع قبلی خود عقب‌نشینی کرده و عقل و منطق را شاخص قضاوت افکار و اندیشه در نشر می‌گیرد.

فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): يَا بَنِي سَلَامٍ! جِئْتَنِي سَائِلًا أَوْ مُتَعَنِّتًا؟ قَالَ: بَلْ سَائِلًا يَا مُحَمَّد. قَالَ (ص): عَلِيُّ الصَّلَالَةُ أَمْ عَلِيُّ الْهَدْيِ؟ قَالَ: بَلْ عَلِيُّ هُدَى يَا مُحَمَّد (شيخ مفيد، ۱۴۱۳، ص ۴۳). رسول خدا(ص) به او گفتند: ای پسر سلام! برای سوال پرسیدن و آگاه شدن آمدی یا برای به زحمت انداختن؟ او گفت: سوال کردن ای محمد. رسول خدا(ص) پرسیدند: برای هدایت شدن یا در مسیر گمراهی؟ عبدالله پاسخ داد: برای هدایت یافتن.

همچنین در روایت دیگر در همین زمینه، مردی شامی به حضور حضرت علی(ع) رسید و گفت: یا علی! چند سؤال دارم که می‌خواهم ببرسم (و قصد او فهم و یادگیری نبود؛ بلکه این بود که شاید بتواند آیهت و شخصیت امام را بشکند). حضرت علی علیه السلام فرمود: «سَلِّ تَقْفَهَا وَ لَا تَسْأَلْ تَعْتَبًا، فَإِنَّ الْجَاهِلَ الْمُتَعَلِّمَ شَبِيهَ بِالْعَالِمِ، وَ إِنَّ الْعَالِمَ الْمُتَعَسِّفَ شَبِيهَ بِالْجَاهِلِ (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۰، ص ۸۹۰)؛ برای فهمیدن ببرس؛ نه به قصد به زحمت انداختن دیگری؛ زیرا که جاهلی که می‌خواهد بیاموزد، شبیه داناست. دانایی که با برتری طلبی، قدم در بیراهه می‌نهد، شبیه جاهل است.

این گونه سؤال کردن، یا ریشه در غرور و تکبر دارد یا از روی عناد و خصومت است. گاهی برخی دچار غرور علمی می‌شوند و برای این که دانش خود را به رخ دیگران بکشند، از آنان سؤال می‌کنند و قصدشان این است که اگر پاسخ را بگویند، سطح فکر سؤال کننده مشخص شود و اگر از جواب دادن ناتوان باشند، چهل پاسخ‌دهنده روشن شود و تحقیر شود.

در هر دو صورت، چنین سؤال کردنی، به قصد فهمیدن و زدودن جهل از خویش نیست؛ بلکه به زحمت انداختن طرف، ملامت، نکوهش و خوار ساختن او در نظر است (و به تعبیر امام، از روی تعنت است؛ نه تفقه) و این، نه کاری است عاقلانه! حضرت امیر علیه السلام چنین شخصی را به جاهلان تشبیه می‌کند؛ چون کارش جاهلانه و متکبرانه است؛ نه کار علمی و حقیقت‌جویی؛ اما آن که از روی «تفقه» و رسیدن به درک عمیق، می‌پرسد و سؤالش با انگیزه شبهه‌زدایی از خویش و کاستن از بار جهل خود است، چون در مسیر دانایی گام می‌نهد، همچون دانایان است.

ائمه اطهار(ع)، بهترین معیار و شاخص برای سبک زندگی اسلامی و قرآنی هستند. ایشان در قله فضائل و کمالات قرار دارند و بهترین الگو و اسوه برای انسان تشنه معرفت در عصر حاضر است.

مقدم داشته‌اند. آلوسی سلفی از مفسران بزرگ اهل سنت در خصوص عدم اهانت علمای شیعه به بزرگان اهل سنت می‌نویسد: «وَسَبِّ لِلشَّيْعَةِ قَذْفُ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهَا بِمَا بَرَّاهَا اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُ وَ هُمْ يُكْرَهُونَ ذَلِكَ أَشَدَّ الْإِنْكَارِ وَ لَيْسَ فِي كُتُبِهِمُ الْمَعْوَلُ عَلَيْهَا عِنْدَهُمْ عَيْنٌ مِنْهُ وَ لَا أَثَرُ أَصْلًا» (آلوسی، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ص ۱۲۲)؛ به شیعه نسبت می‌دهند که به عائشه تهمت فحشاء می‌زند، در حالی که شیعیان این امر را شدیداً انکار می‌کنند و چنین نسبتی را قبول ندارند و کوچک‌ترین اثری از چنین تهمتهایی در کتب مورد قبول شیعه یافت نمی‌شود. البته احترام به مقدسات سایر فرق، به معنای عقب‌نشینی از اصول و عقاید شیعه نیست و می‌توان این دو را با هم جمع کرد. حضرت علی(ع)، به عنوان بزرگ‌ترین پرچمدار وحدت، نمونه عالی این ادعا است.

احترام به مقدسات طرف مقابل

در مناظره امام جواد(ع) با فقیه دربار مأمون(یحیی بن اکتثم)، حضرت جواد(ع) در برابر روایاتی در خصوص فضائل خلفاء، بدون کوچک‌ترین توهین نسبت به ایشان با دلیل و برهان به نقد پرداختند. حضرت جواد(ع) با تکرار عبارت «من منکر فضل آنها نیستم»، نهایت ادب را رعایت کردند، ولی با دلایل عقلی و نقلی، روایات را نقد کردند (طبرسی، ج ۲، ص ۴۴۸).

سوال برای هدایت؛ اجتناب از لجاجت

عبدالله بن سلام، یکی از سران یهودیان بود و روزی برای گفت‌وگو نزد رسول خدا(ص) آمد. حضرت(ص) قبل از شروع پرسش و پاسخ، از قصد و انگیزه عبدالله پرسیدند. کسی که برای هدایت می‌پرسد، آداب این کار را نیز رعایت می‌کند و زمانی که به مطالب اکتفا کننده رسید، بدون

همگان را مشمول سلام خود کردند و زمانی که هشام برای توهین به ایشان، اجازه نشستن ندادند، امام(ع)، بدون اینکه مانند سایرین اجازه بگیرند، جلوس کردند (ر.ک کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۷۴-۱۷۶).

اجتناب از توهین و دشنام

اسلام دین منطق و استدلال و در یک جمله، اسلام دین تفکر و عقل است. در این دین، توهین و فحاشی به طرف مقابل، حتی با وجود اثبات بطلان و ناحق بودن آن، جایی ندارد. براساس دستورات اسلام، از توهین به بت‌های بی‌جان و سنگ و چوب بت‌پرستان، نهی شده است چه برسد به انسان‌ها و موحدان و مسلمانان سایر فرق اسلامی. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»؛ و آنها را که کفار به جای خدا می‌خوانند (مانند بتها) دشنام ندهید که آنها نیز از روی عداوت و نادانی به خدا دشنام دهند (انعام، آیه ۱۰۸). براساس احکام اسلامی، اگر لازم باشد بت‌های مشرکان شکسته می‌شود، ولی توهین به آنها جایگاهی ندارد؛ چراکه کمترین نتیجه آن این خواهد بود که مخاطب از حرف حق اعراض کرده و از روی نادانی به مقدسات ما، اهانت می‌کند. در خطبه ۲۰۶ نهج البلاغه می‌خوانیم که علی(ع) به جمعی از یارانش که پیروان معاویه را در ایام جنگ صفین دشنام می‌دادند، می‌فرماید: اِنِّي اَكْرَهُ لَكُمْ اَنْ تَكُونُوا سَبَابِيْنَ؛ من خوش ندارم که شما دشنام‌گو باشید (نهج البلاغه، ۱۳۹۲، خطبه ۲۰۶، ص ۵۰۴).

شیعیان حقیقی به تأسی از امامان خویش، در برخورد با مسلمانان سایر فرق، همواره احترام و بزرگداشت مقدسات ایشان را رعایت کرده‌اند و حفظ یکپارچگی امت اسلامی را بر هر چیزی

اولویت رهنمود معصومین (ع) در مدیریت مناظرات



باید از قواعدی پیروی کند که به نتایج مطلوب برسد. نباید گفت‌وگویی که در مقابل هم داریم آلوده باشد و ما باید با گفت‌وگویی صحیح و سالم دیدگاهمان را ارائه دهیم. خداوند در قرآن از نزاع پرهیز می‌دهد و ما در مناظره باید بر اساس قانون عمل کنیم. یکی از مشکلات ما این است که مناظرات ما از قانون خاصی پیروی نمی‌کند و همین‌طور گفت‌وگویی آزاد صورت می‌گیرد.

۳ قانون مناظره

وی ادامه داد: مناظره ۳ قانون اصلی دارد که از قرآن کریم و روایات می‌توان آن‌ها را استنباط کرد. یکی از اصول مناظره این است که هدف نباید تخریب طرف مقابل باشد. نباید آبروی طرف مقابل را ریخت. در حدیثی قدسی می‌خوانیم خداوند می‌فرماید، اگر آبرو یا حق مومنی خورده یا تخریب شود، من ورود می‌کنم و حق او را می‌گیرم. حضرت فرمود آبروی مومن سه برابر کعبه است. از این رو وقتی با مومنی مناظره می‌کنیم، نباید آبروی او را بریزیم. هدف از مناظره خیرخواهی است وقتی برای مثال در انتخابات مناظره‌ای صورت می‌گیرد، طرفین می‌خواهند خدمت بکنند، کسی که به دنبال تخریب دیگری است، چطور می‌تواند در پی آباد کردن کشور باشد؟ پس اولین رکن اساسی مناظره این است که هدف‌مان خیرخواهی باشد و نه تخریب طرف مقابل.

مؤلف کتاب «مفاخر شیعه»، افزود: نکته دوم این است که به هر دری نزنیم که حرف خود را به کرسی بنشانیم. نمی‌توان از هر گروه و ارگانی اسم برد یا از گروهی که طرد شده است حمایت کرد. برای مثال در انتخابات اخیر از برخی افراد که گذشته خوبی نداشتند استفاده شد که این مناسب نبود.

عابدینی گیلانی ادامه داد: در روایات حضرت رسول (ص) آمده است «نحن مجادلون فی سبیل الله» و افتخار ما این است که معصومین (ع) با مناظرات و استدلال دیگران را قانع کرده و به دین دعوت می‌کردند.

تفکیک دو گونه مناظره

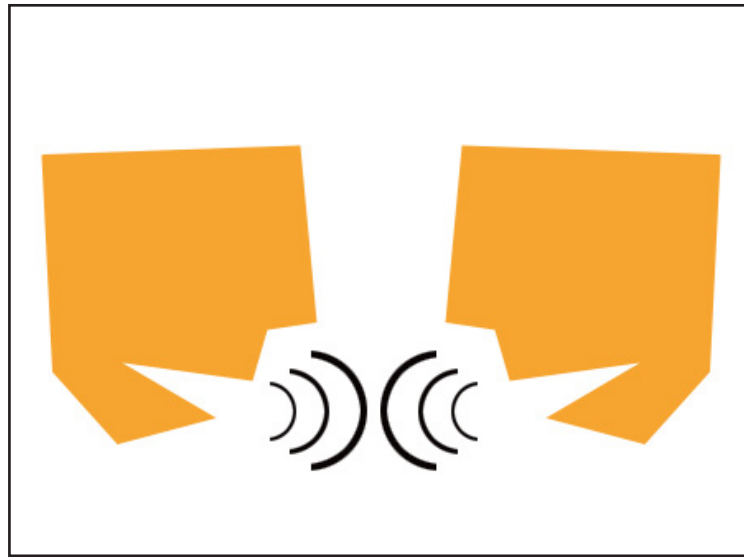
وی افزود: مناظرات بین ایمان و کفر و مناظره بین دو مسلمان باید با هم تفکیک شود. تصور غالب از مناظره مربوط به مناظره میان ایمان و کفر است. مناظره در سنت اسلامی با مناظره‌هایی که در جهان امروز می‌شود، متفاوت است. در خصوص مباحله، پیامبر می‌خواستند مسیحیان را قانع کنند که دین اسلام دین حق است و استدلال‌هایی آوردند و ما این قضیه را در زندگی معصومین (ع) هم داریم و امام رضا (ع) به مناظره با سخنگویان عالمان ادیان دیگر پرداختند و ایشان با دلیل به رسالت تیشیری خود عمل می‌کردند. مؤلف کتاب «مفاخر شیعه»، تصریح کرد: خداوند در قرآن نیز می‌فرماید «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بآلَتِي هِيَ أَحْسَنُ» با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نما» (نحل، ۱۲۵). بنابراین یکی از بهترین کارها این است که با دیگران به مناظره بنشینیم و خداوند از صفات بارز مومنان اقدام به مناظره و مجادله صحیح را مورد اشاره قرار داده است.

گفت‌وگوهای داخل جهان اسلام

عابدینی گیلانی با بیان اینکه مناظره در مواقع سیاسی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، گفت: گفت‌وگوهای داخل جهان اسلامی باید با گفت‌وگوهایی که با کفار داریم، متفاوت باشد و

حجت‌الاسلام عابدینی معتقد است که توجه به رهنمود معصومین بر توجه به سیره ایشان در مدیریت فرایند مناظرات اولویت دارد و بر اساس حدیثی از امام حسن مجتبی (ع) وی بهترین خصلت در مناظره را اخلاق و بدترین خصلت را مراء می‌داند. وی همچنین با استناد به حدیثی از پیامبر اسلام می‌افزاید: در روایات حضرت رسول (ص) آمده است «نحن مجادلون فی سبیل الله» و افتخار ما این است که معصومین (ع) با مناظرات و استدلال دیگران را قانع کرده و به دین دعوت می‌کردند.

حجت‌الاسلام عابدینی گیلانی، مؤلف کتاب «مفاخر شیعه» در پاسخ به اینکه مناظره در قرآن و سیره معصومین چه جایگاهی دارد، گفت: جایگاه ویژه‌ای برای مناظره در دین منظور شده است، البته در تعاملات بشری هم مناظره یکی از راه‌های مرسوم است. مناظره چند نوع است که یکی از انواع آن را می‌توان مناظره بین ایمان و کفر عنوان کرد. نوع دیگر مناظره وقتی است که دو مسلمان به مناظره با هم می‌نشینند که این دو با هم متفاوت است.



و این بسیار مهم است که ایشان به دنبال خیرخواهی بوده‌اند و حتماً از مناظره و استدلال استفاده می‌کردند.

هدایت و خیرخواهی؛ گوهر مناظرات اهل بیت(ع)

مؤلف کتاب «مفاخر شیعه» افزود: در بسیاری از مناظراتی که معصومین(ع) پیش می‌بردند، کسانی که در مقابل قرار داشتند، پشیمان می‌شدند و این مورد پذیرش معصومین قرار می‌گرفت. شما اگر نگاه کنید، می‌بیند اهمیت دین خدا نزد معصومین به چه شکل بوده است. امام حسن(ع) قیام کردند و لشگری عظیم را تشکیل دادند و اما معاویه خیل عظیم این لشگر را با پول خرید و وقتی تمدن روم به اختلاف میان معاویه و امام حسن پی‌برد، تلاش کرد که به تمدن اسلامی حمله کند و یکی از دلایل صلح امام حسن جلوگیری از ضربه‌ای بود که روم می‌خواست به حکومت اسلامی بزند و این نشان می‌دهد اهل بیت(ع) ما دین خدا و اسلام آوردن و هدایت آوردن افراد برایش مهم بود و به مناظره به چشم رقابت نگاه نمی‌کردند.

وی تصریح کرد: حضرات معصومین(ع) برای هدایت افراد به مناظره می‌نشستند و هدف آنها خیرخواهی بود و اهل بیت(ع) برای این کار همواره رعایت نهایت اخلاق و رفتار پسندیده در مناظرات را در نظر داشتند. در توحید مفضل آمده است که مفضل می‌گوید دیدم دو نفر از کفار شرک می‌گویند و با تندی با آنها برخورد کردم و این دو کافر به من گفتند که امام تو، امام صادق(ع) است که چنین رفتاری ندارد و با اخلاق نیکو این کار را انجام می‌دهد و این نشان دهنده اخلاق پسندیده ایشان بوده است.

جاذبه ایمان

عابدینی گیلانی با بیان اینکه باید بین مناظراتی که با طرف‌های مختلف انجام می‌شده است تفکیک کنیم، گفت: تأکید می‌کنم زمانی مناظره بین شیعه و سنی، دو دین مختلف، دو شیعه یا دیندار و بی دین و ... برگزار می‌شود و در این مناظرات نحوه استدلال‌هایی که می‌شود باید متفاوت باشد، اما در تمام این مناظرات باید از اخلاق اسلامی پیروی کنیم و این مناظرات باید در قالبی قانون‌مند انجام شود و ما در میان علمای خود داشتیم کسانی که پیروان مکاتب دیگر را قانع می‌کردند و با گفتاری که داشتند گرایش ایشان را به سوی دین حق سوق می‌دادند و این ناشی از گفتار و کردار ایشان بوده است.

وی در پایان گفت: اگر یک مسلمان و شیعه بخواهد مناظره بکند باید خدا را در نظر بگیرد و از اهل بیت(ع) و توصیه‌های ایشان استفاده کند و طرف مقابل را با جاذبه ایمان دعوت کند.

وی ادامه داد: بسیاری می‌گویند مگر امام علی(ع) در مقابل فلان کسی که فاسق بود، شمشیر نکشید، پس من هم امروز باید با فلان فردی که فاسق است، دست به یقه بشوم. این طور نیست. باید دید امیرالمومنین(ع) در چه جایگاهی بود. شما همین قضیه مباحله را نگاه کنید و یا رفتار ایشان با ناکتین، قاسطین، مارقین و ... را ببینید. صلح امام حسن(ع) را در نظر بگیرید یا قیام امام حسین(ع) را، اگر این رویدادها را در کنار هم بگذارید بدون خواندن تاریخ احساس خواهید کرد که ائمه رفتارهای متناقضی داشته‌اند.

عابدینی گیلانی تصریح کرد: جایگاه و اقتضات تاریخی یک امام با امام دیگر متفاوت بوده است. زمان امام حسن(ع) شرایط به گونه‌ای بود که ایشان مجبور بودند صلح را بپذیرند و در زمان امام حسین(ع) شرایط طوری بود که ایشان احساس کردند واجب است قیام کنند.

وی ادامه داد: ما در زمانی هستیم که جمهوری اسلامی مستقر است و اکثریت مردم هم مسلمان هستند، پس ما باید در مناظرات مان اخلاق حسنی(ع) و حسینی(ع) و اهل بیته را داشته باشیم. شما نگاه کنید امام رضا(ع) وقتی با یک مسیحی مناظره می‌کند با استدلال و دلیل او را قانع می‌کند و شما می‌بینید در احادیث اهل بیت(ع) سفارش به گفت‌وگوی با عقل و دلیل شده است. روش‌های مجادله ائمه نیز تفاوت‌هایی با هم دارد، اما روش‌ها همه عقلی است.

عابدینی گیلانی در پاسخ به این پرسش که آیا مناظره برای ارتقا آگاهی صورت می‌گرفته است و یا به عنوان اقتضا تاریخی انجام می‌شده است؟ گفت تمام اعمال ائمه(ع) مبتنی بر خیرخواهی بوده است. امام حسین(ع) در روز عاشورا استدلال مطرح می‌کند، بلکه یک نفر اینجا هدایت شود

وی تصریح کرد: نکته سوم این است که وقتی برای مناظره آمدیم با بهترین خصلت وارد مناظره شویم و بدترین مناظره را کنار بگذاریم. بدترین خصلت علیه خود و جامعه اسلامی مراء است. مراء یعنی رد حرف طرف مقابل، حتی اگر صحیح باشد. معنای دوم مراء این است که با اهانت و گستاخی، سخنی را مطرح کند که طرف مقابل شکست بخورد. امام صادق(ع) فرمود بدترین خصلت برای انسان مراء است. اگر نقدی وجود دارد مطرح می‌شود و نباید تخریب کرد.

حسن خلق در مناظره

عابدینی گیلانی ادامه داد: امام حسن مجتبی(ع) می‌فرماید: بهترین خصلت‌های نیک اخلاق خوب است. بنابراین بهترین خصلت در مناظره اخلاق خوب است و باید در مناظره با به یادداشتن این حدیث حاضر شد.

توجه به جایگاه معصوم در استنباط روش مناظره

مؤلف کتاب «مفاخر شیعه»، در پاسخ به این پرسش که روش مناظره نزد اهل بیت(ع) را چگونه ارزیابی می‌کند، گفت: حتماً باید به طرفین مناظره توجه کنیم. بارها گفته می‌شود چون اهل بیت(ع) این‌گونه امر به معروف یا مناظره می‌کردند، ما هم باید این‌گونه مناظره و گفت‌وگو کنیم. این طور نیست و ما باید ببینیم سفارش ایشان چه بوده است و نه اینکه نحوه مناظرات ایشان چطور بوده است. باید نحوه مناظرات را در نظر گرفت، اما اولویت با سفارشات و رهنمودهایی است که در این مورد فرموده‌اند. جایی امام علی(ع) در مقابل کفار قیام می‌کنند و گاهی به مناظره با کفار می‌نشینند. جایگاه ائمه(ع) با ما زمین تا آسمان متفاوت است.

اخلاق مناظره



سیدجواد میری منیق، عضو هیئت علمی پژوهشگاه

مناظره

شیوه‌زیستی برای ارتقای اعتماد اجتماعی



ویژه‌نامه

مناظره در پرتو
قرآن و عترت

سیدجواد میری منیق، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی معتقد است مناظره گلاباتوری مورد قبول منطق دینی نیست و مناظره باید به نوعی روش زیست برای ارتقای اعتماد اجتماعی بدل شود. وی با تأکید بر اینکه مناظره‌کنندگان باید دارای مسئله و صاحب‌نظر باشند، می‌افزاید: مناظره‌کنندگان باید تلاش کنند افق یکدیگر را بشناسند، زیرا وقتی من توانستم افق دیگری را به معنایی که در «لتعارفوا» آمده، بشناسم و اضلاع آن را درونی کنم یا زیست و وجدانش کنم، می‌توانم به تفاهم افقی برسم.

به عنوان سوال اول اخلاق مناظره یا گفت‌وگو به چه معناست و چه عناصری دارد؟

از یک سو وقتی شما در مورد مناظره و اخلاق گفت‌وگو از منظر اخلاقی بحث می‌کنید، کما اینکه علمای اخلاق به این مسئله پرداخته‌اند، وقتی انسان می‌خواهد با دیگری گفتگو کند، باید تا حد ممکن از جدل کردن احتراز کند و سعی کند وقتی می‌خواهد یک نکته‌ای را بگوید آن را از باب احسن طرح کند.

از سوی دیگر، مناظره و اخلاق گفت‌وگو به عنوان یکی از شیوه‌های تعامل در علوم انسانی و عرصه عمومی می‌تواند مطرح شود که در این جا به همان

میزان که اخلاق به معنای Ethical مهم است، از منظر اندیشه‌ای و نظری هم اهمیت خواهد داشت. ویلیام جیمز تقسیم‌بندی و تفکیک مفهومی‌ای دارد که می‌تواند ما را یاری کند. او از دو مفهوم trouble و problem صحبت می‌کند. در ترجمه به فارسی این دو با معادل «مشکل» ترجمه می‌شود، اما وقتی انگلیسی‌ها می‌گویند trouble مرادشان مشکلی است که صورت‌بندی نشده است. تا زمانی که انسان در وضعیت معضل صورت‌بندی نشده و trouble است، نمی‌تواند راه حلی برای خود پیدا کند و زمانی انسان می‌تواند مواجهه فعالانه داشته باشد که این «trouble»ها یا معضلات به گونه‌ای صورت‌بندی شده و به مسئله یا problem تبدیل شود. در این صورت است که خلاقیت، قدرت، تجربه زیسته و فرهنگی که در آن زندگی می‌کند به انسان قدرت و توانایی حل مسائل را می‌دهد.

نکته دیگر در مناظره این است که همان قدر که «مسئله داشتن» مهم است، «داشتن منظر» اهمیت دارد و اینکه مناظره از یک منظر صورت بگیرد و شرکت‌کننده نظرگاه، پرسپکتیو، منظر و چشم‌اندازی داشته باشد که بتواند از آن چشم‌انداز مسائل جامعه ایران امروز را تحلیل کند.

نکته دیگری که در سوال شما نیز مستتر بود و شما به آن اشاره کردید، مسئله اخلاق گفت‌وگوست. اخلاق گفت‌وگو از یک منظر به خلق پسندیده یا ناپسندیده مربوط است و خلق خوب، ممدوح اخلاق دینی نیز هست که انسان باید همیشه به آن متخلق باشد. از منظر دیگر اخلاق گفت‌وگو به این معناست که ما برای مناظره و گفت‌وگو آیا می‌توانیم یک «مودالیت» و «وضعیت» در نظر بگیریم؟ به این معنا آیا اساسا وقتی دو نفر وارد مناظره‌ای می‌شوند که معطوف به مسئله‌ای است، این‌ها باید چه شیوه‌ای داشته باشند؟ به بیان دیگر آداب ورود به گفت‌وگویی که تنها تبادل واژگان و به صورت کلامی نیست، چیست؟ بلکه یک مابه‌ازای اجتماعی و جامعه‌وی دارد و باید این طور فرض کنیم که در یک پیچ و گردنه هستیم که می‌خواهیم از آن عبور کنیم و برای این کار باید آدابی داشته باشیم. با توجه به تمایز trouble و problem می‌توانیم بگوییم مناظره به مثابه یک شیوه زیست اجتماعی است. یعنی انسان می‌تواند در ساحات و اقلیم مختلف تعامل اجتماعی را شکل دهد. اگر بتواند تعامل اجتماعی مبتنی بر گفت‌وگو را شکل دهد چه سودی برای جامعه دارد؟ اساسا در نگاه کلان این



شیوه می‌تواند به بالا رفتن اعتماد اجتماعی یاری برساند. سرمایه هر جامعه‌ای قبل از این که منابع زبرزمینی و روزمینی آن را در نظر بگیریم، نفس «اعتماد اجتماعی» است که فی ما بین انسان‌ها وجود دارد.

مناظره چه نتیجه عینی باید داشته باشد؟
در مواقعی ما در «مناظره» به مثابه «مناظره» سخن می‌گوییم، به این معنا که دو نفر به جای اینکه به هم نزدیک شوند و تقریب افقی داشته باشند، از هم جدا می‌شوند و مدام بر شکاف‌ها می‌افزایند. نمونه این تلقی از مناظره همان بود که در سال ۸۸ شاهد بودیم که نشان داد اساساً این مناظره شکل گرفته بود تا یک جناح بر جناح دیگر غلبه بیابد و انگار در آن مناظرات هدف تقریب نبود، بلکه مراد مغلوب کردن دیگری به هر شیوه‌ای بود. اینجا مناظره به مناظره یا مرافعه و نفرت‌آفرینی تبدیل شده و دملی از کینه را در جامعه ایجاد می‌کند که بعدها در جامعه خودش می‌تواند مسبب مشکلات زیادی باشد. در مقابل این شیوه مناظره، مواقعی ما مناظره می‌کنیم، به این منظور که نقاط مشترک را یافته و امکان فهم مشترک را بیابیم.

برخی از فلاسفه و مورخین علم مانند توماس کوهن معتقدند که ما در حوزه اندیشه با پارادایم‌های متفاوتی مواجهیم که مانند موند لایب‌نیتسی یعنی موجودات بسته و بی‌ارتباطی با جهان خارج هستند. این پارادایم‌ها ارتباط معنادار و ممکن‌ی با هم ندارند و هم زبانی بین پارادایم‌ها وجود ندارد و نمی‌توانیم فهم هم‌دلانه‌ای داشته باشیم و با همدیگر به مفاهیم برسیم. اما گاه

به دنبال این هستیم که اگر سنت‌های انسانی جهان‌های بسته‌ای نیستند و می‌توانند با هم ارتباط معناداری داشته باشند، آیا ما می‌توانیم به فهم مشترکی برسیم؟

این پرسش مطرح می‌شود که اگر مطابق نظر این دسته از اندیشمندان، پارادایم‌ها معطوف به خودشان هستند، بحث جهان عینی یا مسائل عینی چه می‌شود؟ آیا فیلسوفان و اندیشمندان تنها در مورد امورات ذهنی سخن می‌گویند؟ یا در مورد مسائلی صحبت می‌کنند که مابه‌ازای واقعی داشته باشد و سیر فلسفه تنها این طور نبوده است که از ذهن افلاطون به ذهن فارابی، ملاصدرا به پوپر عبور کند. مسائل فلسفی در مورد مسائل عینی است، به این معنا که مابه‌ازای واقعی دارد و این جاست که می‌توان فهم مشترک داشت. مناظره در این بستر به این معناست که ما بتوانیم به زمینه‌ای برای فهم مشترک برسیم.

یک وضعیت انسانی مشترکی وجود دارد، اما خوب این وضعیت زبان ندارد و تعبیر خود را در مکاتب مختلف و به تعبیر متفاوت می‌یابد. اختلاف محصول این است که انسان‌ها به روایت وضعیت انسانی بر اساس پیش‌فرض‌های خود می‌پردازند. آیا مناظره مواجهه این دو تعبیر نیست؟

بگذارید اینجا مفهوم جدیدی را وارد گفت‌وگویمان بکنیم و آن مفهوم افق است. شما ممکن است در یک دستگاه فکری متفاوتی از من باشید و وضعیت انسانی را به گونه‌ای متفاوت تعبیر کنید اما طرفین یک مناظره باید سعی کنند افق دیگری را بشناسند. یعنی نه تنها قبول کنند طرف مقابل

چیست، بلکه باید تلاش کنند تا بدانند طرف مقابل چیست. در قرآن وقتی درباره قبائل و اقوام و طائفه‌ها و شعوب مختلف صحبت می‌کند می‌گوید این‌ها همه آیات من هستند «لتعارفوا». این «تعارفوا» و «معرفت» در دستگاهی که عارفان مطرح می‌کنند، این گونه است که ما طریقت و حقیقت داریم و میوه حقیقت، معرفت است. من باید به افق خود معرفت داشته باشم و به همان نسبت باید تلاش کنم فرهنگ و افق آن کسی را که در مقابل من قرار گرفته، بشناسم. وقتی من توانستم افق دیگری را به معنایی که در «لتعارفوا» آمده است، بشناسم و اضلاع آن را درونی کنم یا زیست و وجدانش کنم، می‌توانم به تفاهم افقی برسیم. انسان قدرت وجدان مخالف خود را دارد. ما می‌توانیم به تقریب افق برسیم.

آیا تقریب افق به معنای نفی خود است؟ هرگز این طور نیست. در تقریب افق به جایی می‌رسیم که می‌بینیم افق‌ها اگرچه تفاوت‌های بنیادینی دارند، محصول شیوه متفاوت مواجهه با جهان است. ما به دنبال وحدت وجود و افکار نیستیم. خدا می‌گوید من جهان را متکثر می‌آفرینم اما ما می‌توانیم این تکثر را قاعده‌مند کنیم و از حالتی تکوینی به تشریحی برسانیم. در مناظره باید به این نکته برسیم که پیش‌فرض‌های طرف مقابل را وجدان کرده‌ایم و بدون این تقریب افق، کار مناظره به مجادله می‌انجامد. من باید بدانم شما معطوف به چه مسئله‌ای صحبت می‌کنید.

دوطرف مناظره چه چیزهایی باید به هم بگویند؟ دو طرف مناظره دارای منظرند و به سوال‌هایی جواب می‌دهند، اما آیا دو طرف



مناظره باید به هم جواب بدهند و نظر خود را هم بگویند؟ در واقع آنها در مواجهه با یکدیگر به صورت کاربردی، چه چیزی باید بگویند؟

در مناظرات وقت محدود است و ما در مناظره نباید انتظار داشته باشیم که بسیاری از مسائل مطرح شده و برای تمامی آن‌ها پاسخ شایسته‌ای بدهیم، اما می‌توانیم برای مخاطب مشخص کنیم که معطوف به مسئله‌ای هستیم و می‌خواهیم در افقی مشترک آن را حل کنیم و این باید شیوه‌ای باشد برای حل و فصل مسائل اجتماعی.

مناظره باید بتواند فرم‌های تعامل و دیالوگ را تولید کند، اینکه آیا در هر مناظره‌ای این اتفاق بیفتد حاشا و کلا، زیرا خیلی کم روی می‌دهد ما به تمامی مسائلی که وجود دارد، اشراف داشته و از طرفی دیگر به مسائلی که دیگری در نظر داشته باشد، آگاه بوده یا به دنبال تقریب افق باشیم. بسیاری از مناظره‌هایی که در جوامع مختلف روی می‌دهد هم این طور نیست و به دنبال منکوب کردن دیگری است و اساساً مدل‌شان گلابدیاتوری است و اگر گلابدیاتورها با شمشیر و نیزه با هم مبارزه می‌کنند، ما در مناظرات از تسلیحات زبانی استفاده می‌کنیم. به بیان یک جامعه‌شناس آلمانی، در تمدن جدید، انسان‌ها حالات درنده‌خویی خود را دارند، اما تلاش می‌کنند در لابلای آداب و اتیکت و دیپلماسی و ... به صورت پنهان، آن را اعمال کنند. اگر مدل ذهنی ما این وضعیت باشد، مناظره چنین وضعی خواهد بود و شما می‌بینید در مناظره‌هایی که در انتخابات آمریکا در جریان است، کلیتوتون و ترامپ سعی بر تخریب دیگری داشتند. ما در حدیث یکی از امامان نیز داریم که می‌گوید من هرگز در مناظره‌ای که هدفش غلبه بر دیگری باشد، شرکت نمی‌کنم.

دین به عنوان نگرشی به جهان، چه نظری در خصوص مناظره دارد؟ ائمه(ع) در مناظرات فراوانی شرکت داشتند. جایگاه مناظره در دین چیست؟

تا جایی که فهم من از متون دینی اجازه می‌دهد، حس می‌کنم در نگاه دینی، فهم امری یک‌ساحتی نیست و فهم ساحت متفاوتی دارد و چون فهم مشکک است، همان طور که عالم مشکک است، مواجهه با دیگری هم نمی‌تواند یک سطحی دیده شود و در جایی در قرآن گفته می‌شود «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»؛ حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای در حقیقت پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده دانانتر و او به [حال] راه‌یافتگان [نیز] دانانتر است» (نحل، ۱۲۵) و در واقع سه راه در قرآن برای گفت‌وگو پیشنهاد می‌شود که این‌ها نمونه‌هایی از سطوح مختلف فهم و مناظره است. از سوئی دیگر خود جدل، موعظه و حکمت هم هر کدام درجاتی دارد که باید تحقق یابد. شما یکی از این روش‌ها را در روایتی که امام حسن(ع) و امام حسین(ع) در آن به پیرمردی وضو می‌آموزند، می‌بینید. در اینجا شما متوجه می‌شوید که این امامان بزرگوار بدون کلام، پیرمردی را که در حال وضو اشتباه بود، مورد تعلیم قرار می‌دهند، بدون این که او ناراحت شود. ما وقتی در مورد فهم صحبت می‌کنیم و از متون دینی یاری می‌گیریم، به نظر می‌رسد فهم را نباید در یک ساحت ببینیم.

در مناظره نیز باید این را مد نظر بگیریم که مخاطب کیست؟ معطوف به چه مسئله‌ای

هستیم و این مسئله در چه سطحی قرار است مطرح شود. در فرم گلابدیاتوری به افتراق می‌رسیم. ائمه(ع) نیز با هدف غلبه به مناظره وارد نشده‌اند. ما وقتی وارد یک گفتگو می‌شویم اساساً این است که فهم ما بالاتر برود و اگر قرار است تعاطی‌ای به وجود بیاید، باید ایجابی بوده و هر دوی ما را اثبات کند. این ایده‌آل مناظره است و در متون دینی هم همین مدل تأیید شده و در مناظرات بسته به پیش زمینه رفتار شده است. زمانی که برخی وارد شده‌اند تا مبانی دینی را رد کنند، در اینجا ائمه این مباحث را رد کرده‌اند و اساس علم کلام نیز همین حالت جدلی است، اما مناظره به مثابه روشی معطوف به موضوعات از نگاه‌های الهیاتی و سکولار عبور می‌کند. آنچه در جهان در برخی از نگاه‌های جامعه‌شناختی مطرح است، کیفیت ایجاد فهم مشترک است. ما راه‌های بسیاری داریم که دیگری را منکوب کنیم.

ما اشاره به افق مشترک را در این آیه می‌بینیم: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»؛ ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی تردید خداوند دانای آگاه است» (حجرات، ۱۳). در این آیه رسیدن به شناخت و معرفت امری همگانی است و در آن تنها هم‌زیستی به معنای تحمل دیگران مطرح نیست. خداوند در این آیه می‌گوید من وجودم را در این تکثر معرفی کرده‌ام و این شعب مختلف و قبائل، نشانی از تجلی من است.

مناظره؛ از معاشقه با حقیقت تا مبارزه طلبی ایدئولوژیک



مالک شجاعی جوشقانی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، معتقد است مفهوم مناظره در طیفی بین معاشقه با حقیقت تا مبارزه طلبی معرفتی-ایدئولوژیک قرار دارد و البته کفه سنگین به سمت مواجهه است تا معاشقه. از نظر وی، گفت‌وگو برای ما ایرانیان نه تنها اولین راه حل که برخی اوقات آخرین راه حل هم نیست. وی برای اولین بار در ادبیات مبحث مناظره تلاش می‌کند تا تفاوت میان گفت‌وگو و مناظره را بیان کند. مصاحبه تفصیلی با دکتر شجاعی جوشقانی، در خصوص مناظره را ملاحظه می‌کنید:

مناظره نقش مهمی در تاریخ بشر و تاریخ اسلامی داشته است، می‌توان مناظرات را حتی بین تمدن‌ها هم متصور بود. دو طرف مناظره چه چیزی به هم می‌گویند؟ هدف مناظره چیست؟ غلبه یک اندیشه است و یا مشارکت برای رشد علمی؟

هدف از مناظره چیست؟ آیا هدف این است که طرفین مناظره به بیان دیدگاه‌های خود بپردازند و آیا مناظره به معنای همه‌پرسی یا جدال دیدگاه‌هاست؟ یا طرفین در مناظره به دنبال اسکات خصم هستند یا طرفین مناظره به دنبال به کرسی نشاندن دیدگاه‌شان هستند و از این روش به اسکات خصم تعبیر می‌شود که هدف در آن ناپود کردن طرف مقابل است. هم‌چنین هدف مناظره می‌تواند به آغوش گرفتن حقیقت باشد، ولو اینکه

از زبان کس دیگری جاری شود. یعنی من و شما وارد مناظره‌ای می‌شویم، برای اینکه به حقیقتی برسیم. من هدف مناظره را به دو سطح تقسیم می‌کنم، به لحاظ علمی، هدف مناظره حق طلبی است و متون منطقی که پیشینه یونانی دارند و به مناظرات و گفت‌وگوهای سقراطی ناظر هستند، این را به عنوان هدف بیان می‌کنند. ارسطو قواعد مناظره را مدون کرده و رسالات طوبیقا و جدل را در این خصوص نوشته است. در تمدن اسلامی نیز این مباحث مخصوصا بین متکلمان و فیلسوفان بسیار بوده است.

اما یک فهم عمومی از مناظره داریم که معتقد است هدف از مناظره این است که جریان‌ها و گروه‌ها برتری خود را اثبات کنند و خصم را ساکت سازند. وقتی مناظره در سطح اولی که علمی و آکادمیک است، مطرح می‌شود ناظر بر حقیقت است اما در فرهنگ عمومی هدف مناظره اثبات هویتی جریان و گروهی است. نکته مهم این است که مناظره مانند یک بازی است که طرفین آن باید قواعد بازی را رعایت کنند.

اولین قاعده‌ای که باید در مناظره طرفین رعایت شود که معمولا رعایت نمی‌شود، تحریر محل نزاع است. این یعنی اینکه ما بدانیم مشکل و مسئله مناظره چیست و قرار است به چه چیزی پاسخ داده شود. مشکلات زیادی وجود دارد و در مناظره باید یکی از مشکلات به مسئله‌ای به قول دکارت واضح و متمایز تبدیل شود.

گام دیگر در قواعد مناظره این است که طرفین صلاحیت لازم برای ورود به موضوع مناظره را داشته باشند و برای مثال یک مهندس در خصوص علوم انسانی اسلامی نظر ندهد. به عبارت دیگر چنانچه در دانشگاه رایج است برای کسب یک سمت علمی فرد باید حداقل‌هایی را داشته باشد. این قاعده یکی از مصادیق ورود به خانه از طریق آن است که در این آیه شریفه ذکر شده است: «وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَأَقْوُوا لِلَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» نیکی آن نیست که از پشت خانه‌ها درآیید بلکه نیکی آن است که کسی تقوا پیشه کند و به خانه‌ها از در [ورودی] آنها درآید و از خدا بترسید باشد که رستگار گردید» (بقره/۱۸۹).

سومین ویژگی که برای مناظره باید در نظر گرفت این است که فرد یکی بگوید و یکی بشنود، خیلی وقت‌ها در مناظره‌هایی که انجام می‌شود یک طرف سراپا گوش است و تنها یک طرف صحبت می‌کند. این در حالی است که در آموزه‌های دینی، اسطوره‌های اخلاقی گفته می‌شود که باید بیش از حرف زدن شنید و در معمول مناظره‌هایی که ما می‌بینیم، گوش‌ها بسته است و طرفین به جای گوش دادن به هم‌دیگر به دنبال این هستند که جواب هم را آماده کنند و متاسفانه ما از برکات خوب گوش دادن محروم هستیم. باید توجه داشت که مناظره از باب مفاعله است که معنای مشارکت در انجام یک کار را با خود دارد.

ویژگی بعدی که شاید بتوان از آن به عنوان قلب تپنده مناظره یاد کرد، این است که در مناظره این پیش فرض وجود دارد که وقتی شما وارد می‌شوید، پذیرفته‌اید که بهره‌ای از حقیقت در دیگری هم هست. این ویژگی به معنای پذیرش دیگری است و شما تا برای دیگری بهره‌ای از حقیقت قائل نباشید، وارد مناظره نشده‌اید و وارد منولوگ و گفت‌وگوی تحکم‌آمیز شده‌اید. پنجمین نکته دوری کردن از مغالطات است. فرق مغالطه با استدلال این است که ظاهرش شبیه استدلال برهانی و علمی است، اما مقدمات فاسدی دارد. من اخیرا دیدم در کتابی حدود ۹۸ مغالطه کشف و معرفی شده است. شاید مهم‌ترین مغالطه در مناظرات مغالطه‌ای باشد که از آن به مغالطه تقلیل یاد می‌کنند. یعنی شما ابعاد مختلف مسئله‌ای کلان را به یکی از جنبه‌ها تقلیل می‌دهید. مناظرات ما عموما به سمت محاکمه پیش می‌رود، در حالی که مناظره باید به سمت معاشقه با حقیقت پیش برود نه محاکمه و تسویه حساب. طیفی از معاشقه با حقیقت تا محاکمه خصم در مناظرات وجود دارد و این چیزی است که من می‌توانم به عنوان جمع‌بندی عرض کنم. نکته آخر این است که در مناظرات غالبا اصل مناظره بر محتوا غلبه می‌کند و ما بیشتر می‌خواهیم مناظره کنیم تا این که به نتیجه‌ای برسیم و به قول قدما مناظره این‌جا بیش از آن که طریقت داشته باشد، موضوعیت دارد. مناظره می‌کنیم که مناظره کرده باشیم و نه این که به حقیقتی برسیم و جاهایی محتوا فدای شکل و فرم می‌شود.



آیا می‌توان در هر بستر فرهنگی و سیاسی مناظره را ممکن دانست؟ شرایط امکان گفت‌وگو چیست؟

به نکته بسیار مهمی اشاره کردید، یعنی در واقع در چه شرایطی مناظره ممکن می‌شود. من هفت شرط یا سطح را می‌توانم برای امکان مناظره بیان کنم. در واقع این‌ها زمینه‌هایی است که مناظره در آن صورت می‌گیرد. نکته اول که به نظر من بنیادی‌تر است، این که فرد خود به لحاظ فکری و روانی مهارت‌های گفت‌وگو در او نهادینه شده باشد و به بیان دیگر در چنین فضایی تربیت شده باشد. خیلی از ماها تربیت گفت‌وگومحور یا تربیتی که به گفت‌وگو راه بدهد نداریم و معمولاً بی‌حوصله هستیم و یا هدف‌مان از گفت‌وگو چیزهای دیگری است. بنابراین شرط اول شرط فردی است.

شرط دوم خانواده است. ما باید از خانواده شروع کنیم و هیچ راه دیگری هم نداریم، اگر شما می‌بینید، سیاست‌مدار ما بعد از سال‌ها تجارب مختلف می‌آید و منافع ملی یک کشور را به خاطر عدم رعایت پیش‌شرط‌های مناظره که گشودگی نسبت به حقیقت است رها می‌کند به این خاطر است که در این فرد از ابتدا روحیه گفت‌وگومدار شکل نگرفته است. وقتی در خانواده مونولوگ باشد، در جامعه دیالوگ پدید نخواهد آمد. پیش‌شرط سوم نهاد علم است و این نهاد باید زیرساخت مناظره را ایجاد کند. وقتی آموزش و

پرورش، آموزش عالی و حوزه‌های علمیه‌تان مونولوگ را به جای دیالوگ تقویت کنند، نباید انتظار داشته باشید که دانشجوی، طلبه، استاد و مبلغ دینی وارد فضای گفت‌وگو شود. نهاد علم باید زیرساخت‌های متناسب با مناظره را در خود تقویت کرده باشد.

مسئله بعدی را باید در سیاست جست که بسیار هم مهم است و باید در سیاست این انعطاف وجود داشته باشد که به هر نوع گفت‌وگو و مناظره‌ای برچسب مخالفت با منافع ملی و ارزش‌های کلان نجسید و فضای شانور و یا به قول شهید صدر یک منطقه‌الفرای برای گفت‌وگو به رسمیت شناخته شود. اگر حاکمیت و نهاد سیاست بخواند یک دیدگاه حاکم باشد، فضای گفت‌وگویی شکل نمی‌گیرد و برای چه باید مناظره شود، وقتی نهاد سیاست به گفت‌وگو احترام نمی‌گذارد؟ گفت‌وگو در شرایطی که پیش‌زمینه سیاسی فراهم نشود، نوعی تجمل فرهنگی و رویکردی موزه‌ای، تشریفاتی و یا شویی تبلیغاتی خواهد بود. گفت‌وگوی واقعی و مثمر ثمر وقتی تحقق می‌یابد که مثلاً حاکمیت نخبگان خود را در حوزه‌های مختلف به کمک و مشورت بگیرد. آیه «... وَشَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ...» و در کارها با آنان مشورت کن...» (آل عمران، ۱۵۹) هم که خطاب به نبی است به طریق اولی خطاب به همه حاکمان نیز هست و این بسیار مهم است و اگر شما زیرساخت مورد نیاز گفت‌وگو را فراهم نکنید، قاعداً امکان مشورت را هم نخواهید داشت.

نهاد فرهنگ، پنجمین پیش‌شرط گفت‌وگوست. نهاد فرهنگ ایرانیان نیاز به آسیب‌شناسی جدی دارد. تیپولوژی روحی روانی ما ایرانیان به دلایل و عللی به گفت‌وگو راه نمی‌دهد، ما خیلی به گفت‌وگو اعتقاد نداریم. گفت‌وگو برای ما ایرانیان نه تنها اولین راه‌حل که برخی اوقات آخرین راه‌حل هم نیست، معمولاً ما ترجیح می‌دهیم از راه‌حل‌های میان‌بری برویم و البته این راه‌ها اشتباه هستند.

ششمین پیش‌شرطی که به گفت‌وگو راه می‌دهد و مناظره را ممکن می‌کند، نهاد دین است که به نظر من بسیار مهم است، مخصوصاً در جامعه‌ای که دین در آن روایتی اخلاقی و انسانی دارد. من این‌جا اشاره می‌کنم به تجربه شهید مطهری که ایشان اهل گفت‌وگو بود و تجربه زیسته ایشان یکی از تجربیات موفق گفت‌وگو با جریان‌های منتقد دین است. آموزه‌های اسلامی انسان را به گفت‌وگو دعوت می‌کند، از جمله آیه ۱۲۵ سوره نحل. خود حضرت پیامبر(ص) اهل گفت‌وگو بود. معروف است که امام علی(ع) در اوج جنگ به مناظره می‌پردازد.

آخرین پیش‌شرطی که به نظرم مناظره را ممکن می‌سازد، نهاد حقوقی است. مراد از نهاد حقوقی این است که نظام حقوقی، حقوق اندیشمندان را به رسمیت بشناسد، مدافع حقوقش باشد، حق آزادی بیان در چارچوب منافع ملی و ارزش‌های دینی را به رسمیت بشناسد و قرص و محکم پشت سر وی باشد و الا اگر قرار باشد شما بیایید و نقدی و گفت‌وگویی انجام دهید و به قول یکی از دوستان تنها آزادی بیان داشته باشید و آزادی پس از بیان نداشته باشید، عملاً فضای گفت‌وگو شکل نمی‌گیرد، زیرا آیندگان و معاصران از تجربه بد شما عبرت خواهند گرفت و شرط عقل نیست تا آن‌ها هم در چنین مسیری وارد شوند.

به نظر می‌رسد مناظره چیزی مانند جدل یک فن و موقعیتی به معنای خاص است و اشاره کردید به مناظراتی که در تاریخ شکل گرفته است و این تفاوت شکلی دارد با گفت‌وگوهای سقراطی در آثار افلاطون که مناظره نیستند به معنی خاص کلمه. آیا مناظره به معنای یک فن و واقعیتی خاص، با گفت‌وگو تفاوت دارد؟ به نظر می‌رسد که تفاوت داشته باشد، این تفاوت چیست؟

اگر درست متوجه شده باشم، تفاوتی ظریف بین مناظره به معنایی که ما می‌فهمیم و گفت‌وگو وجود دارد، و این را فکر کنم برای اولین بار است که با این تقریر خدمتان عرض می‌کنم. شاید مهم‌ترین تفاوت گفت‌وگو و مناظره این باشد که در گفت‌وگو، لزوماً ایدئولوژی و منافع یا عقیده خاصی در کار نیست، اما در مناظره همیشه چنین وضعیتی وجود دارد. در خود کلمه مناظره نوعی به مبارزه‌طلبیدن وجود دارد و می‌توان آن را نوعی مبارزه‌طلبی معرفی - ایدئولوژیک تلقی کرد. شما می‌توانید مصداق این

تعریف را در مناظراتی که انجام می‌شود، ردیابی کنید. هیچ وقت فرد خالصاً لوجه الله و لوجه الحقیقه نمی‌آید تا مناظره کند و همیشه پشت مناظره مناسبات قدرت و معرفت در جریان است و لو بلغ ما بلغ. و الا اگر مثلاً در پایان کار من و شما بدانیم که حق چیست، لزوماً به معنای پیروی ما از آن نخواهد بود. البته برای مثال می‌توان از «حز» یاد کرد که اساساً برگشتی وجودی داشت. برای مقابله با حضرت امام حسین(ع) آمده بود اما دچار تحول روانی شد. اگر قرار بود «حز» ایدئولوژیک، حزبی و منفعت‌محور فکر کند، باید در سپاه مقابل امام می‌ماند. همین مسئله به مناظره شکل می‌دهد، یعنی مواجهه معرفتی-ایدئولوژیک که با استدلال به پایان نمی‌رسد. مثلاً ما به عنوان یک فرقه، ملیت، جناح و... می‌خواهیم به هر حال غالب باشیم و یا خود را اثبات کنیم و اینجا راه جستجوگر حقیقت از متعصبین متفاوت می‌شود و در مناظره کمتر حقیقت‌طلبی هست و بیشتر مناسبات ایدئولوژیک وجود دارد.

آقای دکتر ما قبول می‌کنیم که مناظره مقابله دو طرف ایدئولوژیک است، در همین جایی که این دو طرف می‌خواهند با هم مناظره کنند، آیا قواعدی که فرمودید باعث نمی‌شود ایدئولوژی‌ها پیشرفت بکنند؟

نکته درستی است. در واقع خود مناظره صرف‌نظر از تعریف متاخری که ارائه دادم که مناظره مقابله‌طلبی معرفتی-ایدئولوژیک یا منفعت‌طلبانه است، می‌تواند آورده‌ها و خروجی‌های معرفتی به نفع یک ایدئولوژی داشته باشد. منتهی این هدف اول شروع مناظره نیست، این‌ها از آن مواردی است که پیش‌بینی‌ناپذیر است، می‌تواند باشد و یا نباشد، به تعبیر دیگر آغاز قضیه مبارزه معرفتی-ایدئولوژیک است اما اینکه آخر داستان چه می‌شود، بگذارید از گادامر کمک بگیریم، او می‌گوید از جایی به بعد گفت‌وگو ما را راه می‌برد و گفت‌وگو دست ما نیست و این می‌تواند در مناظره هم باشد. یعنی در مناظره هم واقعا ممکن است، من نیت کنم و بروم با رییس فرقه مناظره کنم، به قصد اسکات‌شان، ولی وقتی وارد مناظره بشوم، نتیجه‌های دیگر حاصل شود. هم تجربه جهانی و هم تجارب تاریخی ما نشان داده است که انسان تطورات زیادی داشته و دارد و از چپ به راست یا راست به چپ آمده است و این طبیعی است و خداوند بشر را چنین آفریده است. من نمی‌گویم این تغییرات درست است، بلکه معتقدم این سنتی الهی است. من می‌خواهم بگویم این جزء قواعد مناظره نیست که معرفتی باشد. استاد مطهری می‌گوید خیلی از مطالب قوی فلسفه اسلامی که در فلسفه یونان اصلاً وجود نداشته است، به خاطر نکاتی است که متکلمین در اشکال به فلاسفه می‌گرفتند تا ایشان را منکوب کنند و این باعث رشد شد. به همین خاطر می‌گویند اگر حاکمان می‌خواهند افراد رشد معرفتی کنند، باید گفت‌وگو و

مناظره را بگشایند. درست است در کوتاه مدت امکان دارد، تکان‌های عجیبی تجربه شود، اما در مجموع جامعه ما چند پله بالاتر آمده است. چند روز پیش من به دوستانی که می‌گفتند روشنفکران ایرانی اندیشه غربی را نفهمیده‌اند، می‌گفتم، این که به سوی فهم غرب رفته‌اند، یک گام به جلوسست حال ممکن است، اشکالاتی هم وجود داشته باشد ...

می‌پذیریم مناظره مبارزه‌طلبی است، اما چرا دو طرف وارد مناظره می‌شوند، آیا به این خاطر است که تنها از حیث ابزاری استفاده بکنند یا با توجه به تعبیری که به کار بردید، این دو نفر ممکن است عشق به حقیقت داشته باشند، هر چند نتوان آن‌ها را از پیش‌زمینه پیش‌فرض‌هایشان جدا کرد. مناظره‌ای که برای معاشقه با حقیقت است، چطور مناظره‌ای است؟

ببینید اگر از من بپرسند نمونه‌ای تاریخی برای این مناظره به عنوان معاشقه با حقیقت نام ببرم، خیلی برایم سخت است. به خصوص اگر ذهن من دانشجوی علوم انسانی از حرف‌های فوکو و هابرماس و فیلسوفان مکتب فرانکفورت و هرمنوت‌ها (اصحاب هرمنوتیک) آشنا باشد. این که هیچ انسانی نیست که بخواهد حقیقت را در بی‌صورتی محض زیارت کند، چون حقیقت تابعی از پیش‌فرض‌های فرهنگی، قومی، دینی، زبانی، جنسیتی ماست و ما این را از کانت یاد گرفته‌ایم که دیگر ما با حقیقت‌ناهی مواجه نیستیم که بخواهیم به دیدار حقیقت برویم، منتهی این به تعبیر یکی از اساتید، افقی است که ما در نظر می‌گیریم و می‌خواهیم به آن تقرب پیدا کنیم، نه این که لزوماً وجود داشته باشد. یعنی هدف ما کشف حقیقت به قدر طاقت و توان بشریت است. برای مثال بالاخره انسان مختار است یا مجبور؟ ایدئولوژی‌های مختلف می‌توانند از این مباحث سوء استفاده کنند، کما اینکه کرده‌اند و ما جبریه داشتیم که می‌گفتند اگر وضع مردم خراب است محصول جبر تاریخی و... است. امثال بنی‌امیه از این اعتقاد حمایت می‌کردند و چنین اندیشه‌هایی در فرهنگ مسیحیت هم سابقه داشته است، اما واقعا هر انسانی که در جستجوی حقیقت است، صرف‌نظر از منافعی که حاکمان می‌توانند داشته باشند، خالصانه و در خلوت خودش آیا با این سؤال مواجه نیست که بالاخره جبر یا اختیار؟ و یا آیا خدایی هست؟ و این‌جا موضوع ما حقیقت محض است. البته شمای متدین شیعی و کسی که در این تاریخ زندگی می‌کنید، ته دل‌تان می‌خواهد به این نتیجه برسید که خدایی وجود دارد و انسان مختار است، ولی واقعا در بحث عقلانی اگر استدلالی بیاید که این‌ها را نقد کند، شما به عنوان یک فرد حق‌طلب باید تابع دلایل‌تان باشید. البته ممکن است که انسانی باشید که تکلیف خود را مشخص کرده و گوش‌های خود را بسته است و با صدای بلند اعلام می‌کنید که من از این حقیقت دست برنمی‌دارم و یا بگویند من ایمان‌گرا هستم. تصور یک

حق‌طلبی تمام‌عیار ممکن است اما یافتن مصداق برای آن دشوار است. اگر امروز انسانی بگوید که من تشنه خدا هستم، تئوری‌های معاصر در علوم انسانی و فلسفه همه می‌گویند باید ببینیم که عقبه ایدئولوژیک، زمینه فرهنگی و تربیت خانوادگی‌اش چیست. اما من در نقد این رویکردها می‌خواهم بگویم که می‌شود انسانی را متصور بود که به دنبال حقیقت است. شاید مناقشه‌برانگیز باشد، کسانی که تغییردین می‌دهند حالا فرق نمی‌کند به چه دینی می‌گروند، خود این دین در حوزه فردی است و منافع اجتماعی و سیاسی ندارد و می‌توان گفت برای کشف حقیقت صورت گرفته است. اما محاکمه خصم در مناظراتی بیشتر دیده می‌شود که در حوزه سیاست است.

اگر به این بر گردیم که انسان در گرو فهم خویش است و این محدودیت انسان است آیا می‌توان متصور بود که حقیقت فی‌نفسه‌ای وجود دارد که باعث می‌شود طرفین آگاه شوند؟ در این چارچوب چطور؟

یعنی می‌خواهید بگویید اگر ما پساکانتی فکر کنیم و نخواهیم پیشاکانتی فکر کنیم که معتقد به وجود نفس الامر بودند و بالاخره صرف نظر از ذهن ما انسان‌ها حقایقی در جهان خارج وجود دارد که بعد از بمباران هیومی، کانتی و مباحث معرفت‌شناسی معاصر، حقیقت نسبی می‌شود و ما به نسبت فرهنگی و زبانی می‌رسیم. من قبول می‌کنم در دوره معاصر پارادایم غالب در غرب این است که از حقیقت مطلق نمی‌شود دفاع کرد، اما در فرهنگ اسلامی این امکان وجود دارد و روایت نوصرداری به این معتقد است و به همین خاطر من می‌گویم یکی از پیش شرط‌های مناظره این است که شما به کدام پارادایم علمی معتقد هستید. وقتی شما به پارادایم علمی حرکت‌محور نفس‌الامری قائل باشید که معمولاً با استدلال عقلی پیش می‌رود، خیلی به گفت‌وگو با کسی که در پارادایم دیگری است نیازی نخواهید داشت، اسطوره چارچوب را پیش می‌کشید یعنی من یک چارچوبی دارم که اگر شما نپذیرید من نمی‌توانم با شما گفت‌وگو کنم، ولی امروز تجربه انسان معاصر نشان داده است که خوب یا بد، انسان باید وارد این تجربه شود و آن دسته‌از عالمان دینی موفق‌تر بوده‌اند که به این تنوع لبیک گفته‌اند. اگر تجارب دینی بعد از انقلاب را ملاحظه کنید، کسانی که موفق هستند که تنوع را به رسمیت شناخته و وارد دیالوگ و گفت‌وگو شده‌اند و جاهایی این مناظره حالت خصمانه داشته و جاهایی گفت‌وگو‌هایی ثمر بخش بوده است. ولی کلا در جمع‌بندی اگر پیش شرط‌های مناظره روز به روز تقویت شود، می‌توان امیدوار بود که خود مناظره به وضعیت فردی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کمک کند و دانشگاه‌های ما را از حالت کرحتی که وجود دارد، خارج کند.



گفت‌وگو با علیرضا پیروزمند

مناظره؛ راهی برای نجات بشر



ویژه‌نامه

مناظره در پرتو
قرآن و عترت

و شاگردانشان از جمله ابن هشام و امثال او را برای بحث مناظره تربیت می‌کردند. امام صادق (ع) شاگردانشان را به اینکه با مخالفین خودشان مناظره کنند، دعوت و تشویق می‌کردند و شرایط را به گونه‌ای فراهم می‌کردند که سایر شاگردان امام این مناظره‌ها را بازگو کنند تا به نوعی آنها هم این فعالیت را یاد گرفته و با نوع گفتگو آشنا شوند.

عضو هیأت علمی فرهنگستان علوم اسلامی با بیان اینکه گفت‌وگوها و مناظره‌های امروزی متأثر از فرهنگ غرب شکل گرفته است، گفت: این اتفاق برای این است که مناظره در قالب استدلال و منطق، فرهنگ دنیاپرستی را به کرسی بنشانند و آن را به عنوان یک فرهنگ برتر و پاسخ‌گوتر به جهانیان عرضه کنند. حال آنکه فرهنگ اهل بیت (ع) و سیره انبیاء (ع) برعکس این موضوع است؛ یعنی اینکه بیان می‌کنند تعالیم انبیاء و بعد از آن تعالیم اولیاء الهی و معصومین (ع) نجات بخش فرهنگ بشر است و این مسئله هم در محتوای مناظرات و هم در شکل آنها تاثیر می‌گذارد.

مناظره‌های مختلفی را شکل داده و مطالب خودشان را در قالب آن بیان می‌کردند.

عضو هیأت علمی فرهنگستان علوم اسلامی با اشاره به تفاوت بین مناظره و گفت‌وگو اظهار کرد: بین گفتگو و مناظره باید تفاوت گذاشت، چرا که گفت‌وگو ظرف بزرگتری است که ممکن است قالب آن مناظره باشد. همیشه گفت‌وگوها در قالب مناظره شکل نمی‌گیرد. البته سیدالشهدا (ع) در خطبه منا، یا فرمایشاتی که در مسیر کربلا و تا روز عاشورا بیان کرده‌اند و قبل از ایشان حضرت علی (ع) که بخشی از فرمایشات ایشان در قالب نهج البلاغه جمع‌آوری شد، محاجه می‌کردند؛ محاجه نه به معنی عرف دعوا و مجادله، بلکه به معنی اینکه منطق خودشان را عرضه می‌کردند و دعوت خودشان را با عقلانیت و منطق به طرف مقابل ابراز و بیان می‌کردند.

وی ادامه داد: در مواردی گفت‌وگو به شکل خاص مناظره اتفاق افتاده است که این موضوع بیشتر در زمان امام صادق (ع) اتفاق می‌افتاد. ایشان کرسی‌های درسی را به صورت تخصصی و متنوع شکل می‌دادند

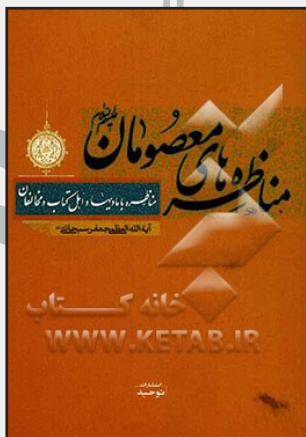
عضو هیأت علمی فرهنگستان علوم اسلامی با بیان اینکه گفت‌وگو و مناظره‌های امروزی متأثر از فرهنگ غرب شکل گرفته است، گفت: فرهنگ اهل بیت (ع) و سیره انبیاء (ع) نجات‌بخش فرهنگ بشر است و این مسئله هم در محتوای مناظرات و هم در شکل آنها تاثیر می‌گذارد.

حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا پیروزمند، عضو هیأت علمی فرهنگستان علوم اسلامی با اشاره به جایگاه مناظره در اسلام و تاریخ آن در تشیع گفت: چنان‌که سیره انبیاء الهی در قرآن نمود دارد، انبیاء الهی با مخالفین زمان خودشان گفت‌وگوهای داشتند. آنها برای اینکه توحید و حقانیت نبوت خودشان را اثبات کنند مناظره و گفتگو می‌کردند و همین سیره در پیامبر گرامی (ص) هم وجود داشته و ادامه پیدا کرده است.

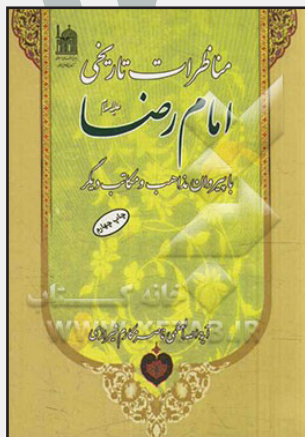
پیروزمند ادامه داد: ائمه (ع) هم به همین ترتیب این سیره را ادامه داده‌اند و به همین دلیل در بررسی تاریخ ائمه (ع) هر کدام به هر میزانی که فرصت پیدا کرده و شرایط اجتماعی به آنها اجازه می‌داد،

کتابنامہ

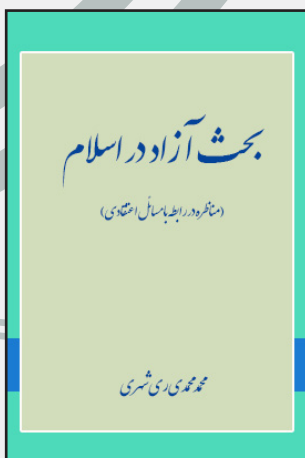




عنوان: مناظره‌های معصومان علیهم‌السلام
مؤلف: آیت‌الله جعفر سبحانی
مشخصات نشر: قم: توحید قم، ۱۳۹۲، ۲۹۹ صفحه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۷۵۰-۵-۹



عنوان: مناظرات تاریخی امام رضا (ع) با پیروان
 مذاهب و مکاتب دیگر
مؤلف: آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی
مشخصات نشر: مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی،
 ۱۳۸۸، ۱۰۰ صفحه
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۱-۳۳۴-۲

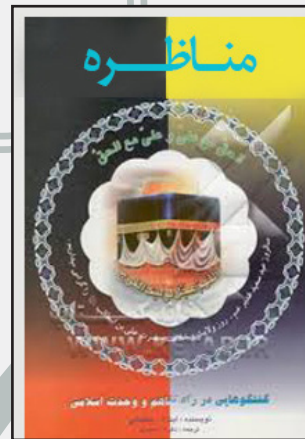


عنوان: بحث آزاد در اسلام: مناظره در رابطه با مسائل
 اعتقادی
مؤلف: آیت‌الله محمد محمدی ری‌شهری
مشخصات نشر: قم: حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات
 اسلامی، مرکز انتشارات، ۱۳۷۵، ۲۰۷ صفحه
شابک: ۹۶۴-۴۲۴-۰۹۴-۴



ویژه‌نامه

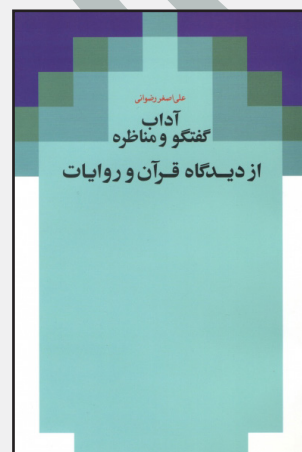
مناظره در پرتو
 قرآن و عترت



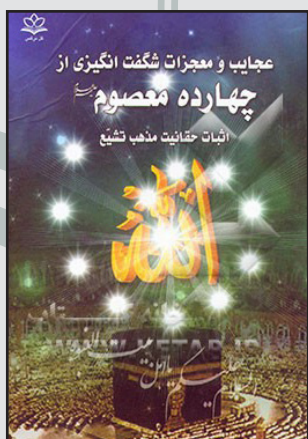
- عنوان: مناظره: گفتگوهای در راه تفاهم و وحدت اسلامی
- مؤلف: بطحائی؛ مترجم: ذکراالله احمدی
- عنوان اصلی: المناظرات فی الحرمین الشریفین
- مشخصات نشر: مشهد: مشهد، ۱۳۷۹، ۱۷۶ صفحه
- شابک: ۹۶۴-۶۲۲۰-۴۴-۴



- عنوان: مناظره‌هایی در باب علم دینی
- به کوشش خسرو باقری
- مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱، ۲۳۸ صفحه
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۶-۵۸۵-۳



- عنوان: آداب گفت و گو و مناظره از دیدگاه قرآن و روایات
- مؤلف: علی اصغر رضوانی.
- مشخصات نشر: تهران: دلیل ما، ۱۳۹۲، ۳۳۳ صفحه
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۹۷-۸۵۴-۹



عنوان: عجایب و معجزات شگفت‌انگیزی از چهارده معصوم علیهم‌السلام
 مؤلف: زهرا فتحي
 مشخصات نشر: قم: عصر رهایی، ۱۳۸۷، ۱۶۸ صفحه
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۰-۴۹-۷



عنوان: مناظره علمیه (حوار علمی فی الحدیث والمحدثین)
 مؤلف: محمدصادق النجمی
 مترجم: محمدرضا المهری
 مشخصات نشر: قم: موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۸ ق. = ۱۳۷۷، ۱۸۴ صفحه
 شابک: ۹۶۴-۶۲۸۹-۳۳-۹

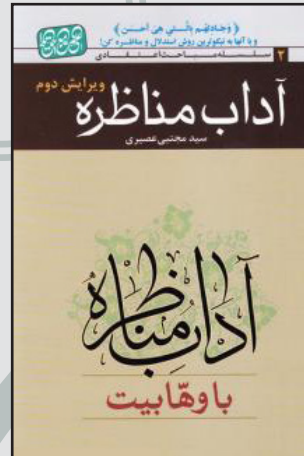


عنوان: مناظره در قرآن
 محقق: صادق انصاری پور
 مشخصات نشر: تهران: رشحات المعارف، ۱۳۹۴، ۲۱۴ صفحه
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۴۵-۰۵-۹



ویژه‌نامه

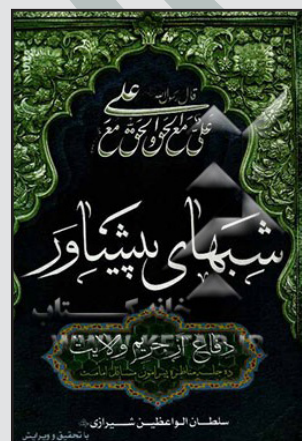
مناظره در پرتو
 قرآن و عترت



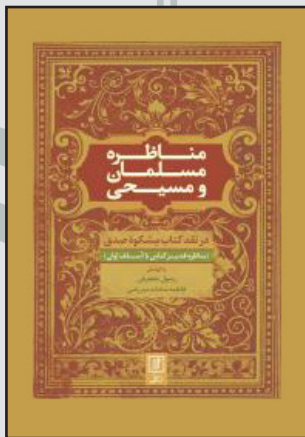
● عنوان: آداب مناظره با وهابیت
 مؤلف: سیدمرتضی عسیری
 مشخصات نشر: قم: رشید، ۱۳۸۹، ۲۲۳ صفحه
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۳۷-۸۵-۴



● عنوان: سنت گفت و گو و مناظره با ادیان و مذاهب
 تهیه و تنظیم: دبیرخانه نهضت آزاد اندیشی و تولید علم
 مشخصات نشر: قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، ۱۳۸۴، ۲۷۸ صفحه
 شابک: ۹۶۴-۶۹۱۸-۷۷-۸



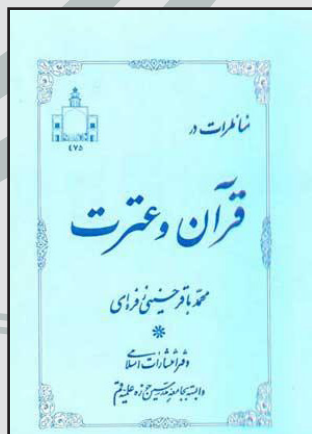
● عنوان: شبهای پیشاور در دفاع از حریم ولایت
 مؤلف: سلطان الواعظین شیرازی
 مشخصات نشر: قم: طوبای محبت، ۱۳۹۱، ۸۴۸، ۱۳۹۱ صفحه
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۸۵-۵۳۱



عنوان: مناظره مسلمان و مسیحی: در نقد کتاب مشکوة صدق: (مناظره قدیر کناس با اسقف اوان) به کوشش: رسول جعفریان، فاطمه‌سادات میررضی
مشخصات نشر: تهران: نشر علم، ۱۳۹۴، ۲۶۷ صفحه
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۴-۷۰۵-۹



عنوان: مناظرات معصومان علیهم السلام در زمینه توحید
مؤلف: طاهره قادری ریزی
مشخصات نشر: تهران: فارسیران، ۱۳۹۵، ۲۱۵ صفحه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۱۳-۰۲-۱



عنوان: مناظرات در قرآن و عترت
مؤلف: محمدباقر حسینی زفرهای
مشخصات نشر: قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳، ۱۸۰ صفحه
شابک: ۹۶۴-۸۶۰۶-۴۸-X

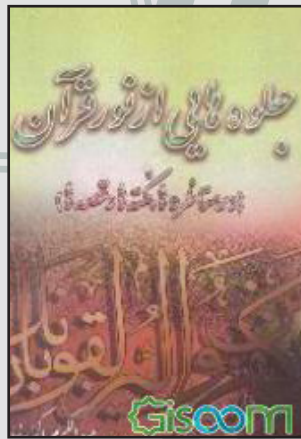


ویژه‌نامه

مناظره در پرتو قرآن و عترت



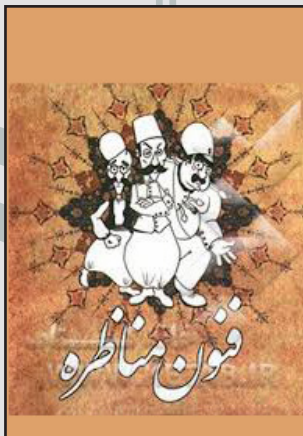
● عنوان: فن مناظره
 مؤلف: محسن غرویان و حمیده غرویان
 مشخصات نشر: قم: سازمان بسیج دانشجویی،
 ۱۳۸۲، ۴۸ صفحه
 شابک: ۹۶۴-۹۴۴۰۰-۸-۹



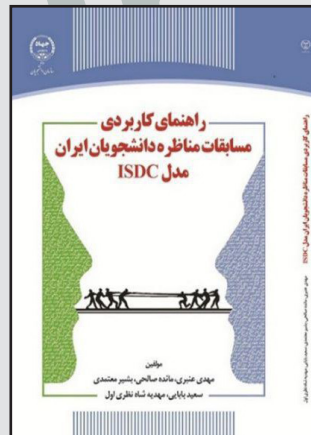
● عنوان: جلوه‌هایی از نور قرآن در قصه‌ها،
 مناظره‌ها و نکته‌ها و قصه‌ها
 مؤلف: عبدالکریم پاک‌نیا
 مشخصات نشر: قم: موسسه فرهنگی،
 انتشاراتی مشهور، ۱۳۷۹، ۲۰۶ صفحه
 شابک: ۹۶۴-۶۸۶۳-۱۹-۱



● عنوان: مناظره ادیان: یهودیت، زرتشت، مسیحیت، اسلام
 مؤلف: عبدالحسین محمودی
 مشخصات نشر: بابل: موج اندیشه، ۱۳۹۲، ۲۳۲ صفحه
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۵۳۲-۶-۸



عنوان: فنون مناظره
گردآوری و تدوین: سمانه عنبری
مشخصات نشر: تهران: جهاد دانشگاهی، واحد تهران،
 انتشارات، ۱۳۹۳. ۶۱ صفحه.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۳-۱۰۹-۱



عنوان: راهنمای کاربردی مسابقات مناظره
 دانشجویان ایران مدل ISDC
مؤلفین: دبیرخانه مهدی عنبری، مانده صالحی،
 بشیر معتمدی، سعید بابایی، مهدیه شاهنظری
 اول
مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات جهاد
 دانشگاهی، ۱۳۹۴، ۶۳ صفحه .
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۲-۷۰۹-۳



عنوان: مناظره با موضوع: مبانی نظری حکومت دینی
 با حضور مجتبی ذوالنوری و صادق زیباکلام
گردآوری و تدوین: دبیرخانه مسابقات ملی مناظره
 دانشجویی، زیر نظر رضا فریدزاده
مشخصات نشر: تهران: جهاد دانشگاهی واحد تهران،
 ۱۳۹۲. ۷۹ صفحه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۳-۰۹۱-۹

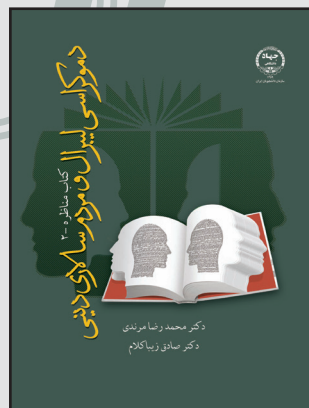


ویژه‌نامه

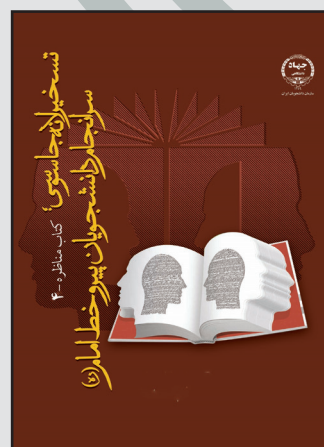
**مناظره در پرتو
 قرآن و عترت**



عنوان: مناظره با موضوع: بررسی و نقد کتاب «صراط‌های مستقیم»
گردآوری و تدوین: دبیرخانه مسابقات ملی مناظره دانشجویی؛ [به سفارش] مسابقات ملی مناظره دانشجویی، سازمان دانشجویی ایران، بسیج دانشجویی دانشگاه تربیت مدرس، جهاد دانشگاهی واحد تهران. زیر نظر رضا فریدزاده.
مشخصات نشر: تهران: جهاد دانشگاهی، واحد تهران، ۱۳۹۲، ۸۰ صفحه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۳-۰۹۸-۸



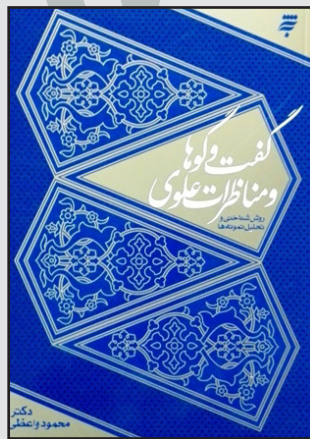
عنوان: مناظره با موضوع: دموکراسی لیبرال و مردم‌سالاری دینی
گردآوری و تدوین: دبیرخانه مسابقات ملی مناظره دانشجویی؛
 به سفارش سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی. زیر نظر رضا فریدزاده
مشخصات نشر: تهران: جهاد دانشگاهی، واحد تهران، ۱۳۹۲،
 ۶۵ صفحه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۳-۰۹۰-۲



عنوان: مناظره با موضوع: تسخیر لانه جاسوسی؛ سرانجام دانشجویان پیرو خط امام
گردآوری و تدوین: دبیرخانه مسابقات ملی مناظره دانشجویی. زیر نظر رضا فریدزاده
مشخصات نشر: تهران: جهاد دانشگاهی واحد تهران،
 ۷۰، ۱۳۹۲ صفحه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۳-۰۹۷-۱



عنوان: شیوه مناظرات انبیا و امام صادق (علیهم السلام)
تالیف: فاطمه حسینی میرصفی
مشخصات نشر: تهران: سازمان تبلیغات اسلامی،
 شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۴، ۲۹۲ صفحه
شابک: ۹۶۴-۳۰۴-۲۰۵-۷



عنوان: گفتگوها و مناظرات علوی (علیه السلام):
 روش‌شناسی و تحلیل کاربردی
تالیف: محمود واعظی
مشخصات نشر: مشهد: آستان قدس رضوی،
 شرکت به نشر، ۱۳۹۵، ۳۶۸ صفحه
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۲-۲۰۸۹-۴



عنوان: گفتگوی دو مذهب
مؤلف: مصطفی و هابی
مشخصات نشر: رشت: دهسرا، ۱۳۸۸، ۲۰۰ صفحه
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۷۰-۷۷-۴



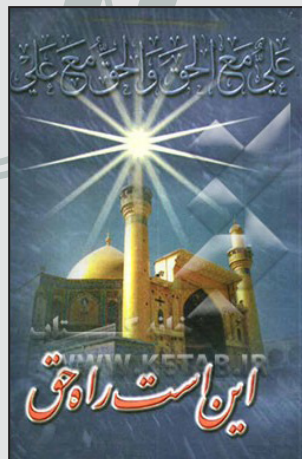
ویژه‌نامه

**مناظره در پرتو
قرآن و عترت**

گامی
بسوی
وحدت اسلامی

مر تفضی الرضوی

● عنوان: گامی به سوی وحدت اسلامی
نویسنده: مرتضی الرضوی
مترجم: مصطفی جباری
مشخصات نشر: سمنان: دانشگاه سمنان، ۱۳۸۶، ۱۳۴ صفحه
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۹۷۸-۲۴-۸



● عنوان: این است راه حق، یا، کنگره عالمان بغداد
نویسنده: مقاتل بن عطیه
مترجم: موسسه اسلامی ترجمه.
مشخصات نشر: قم: الماس، ۱۳۸۰، ۸۸ صفحه
شابک: ۹۶۴-۹۲۹-۴۳۷-۶

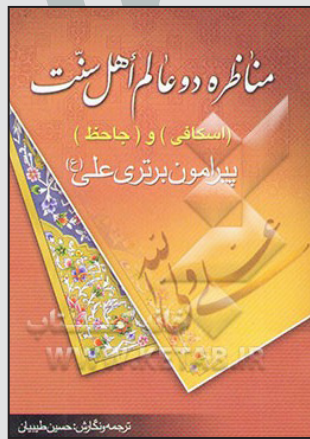
مناظرات علمی بین
شیعه و سنی

علی حسینی قمی

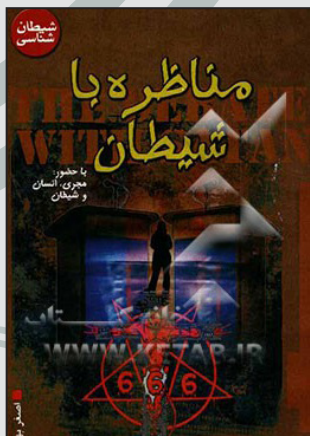
● عنوان: مناظرات علمی بین شیعه و سنی
مؤلف: علی حسینی قمی
مشخصات نشر: سمنان: سازمان تبلیغات اسلامی
استان سمنان، ۱۳۸۰، ۲ جلد
شابک: ۹۶۴-۷۶۳۹-۱۸-X



عنوان: مهارت‌های گفتگو در تاریخ اسلام
 تالیف: جعفر مبرقع
 مشخصات نشر: مشهد: همیاران جوان، ۱۳۸۶،
 ۱۱۲ صفحه
 شابک: ۹۶۴-۲۵۷۶-۲۶-۰



عنوان: مناظره دو عالم اهل سنت اسکافی و
 جاحظ پیرامون برتری علی (ع)
 ترجمه و تالیف: حسین طیبیان
 مشخصات نشر: قم: وثوق، ۱۳۹۵، ۱۶۰ صفحه
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۷-۰۹۸-۳

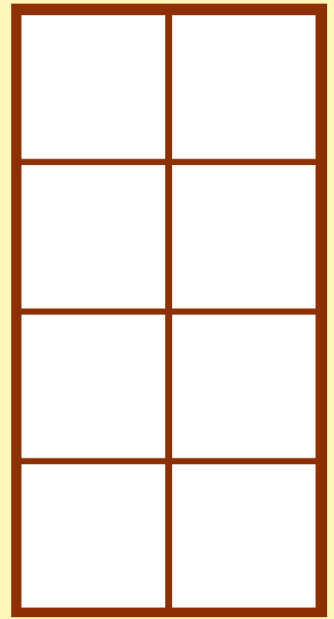
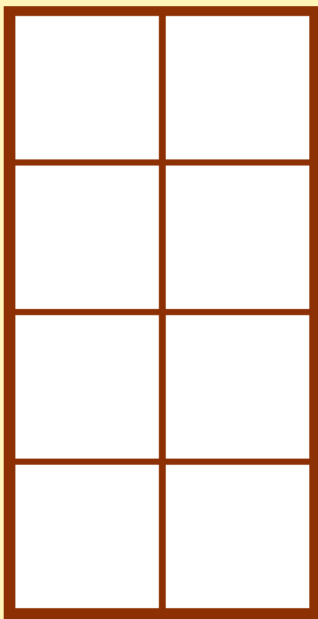
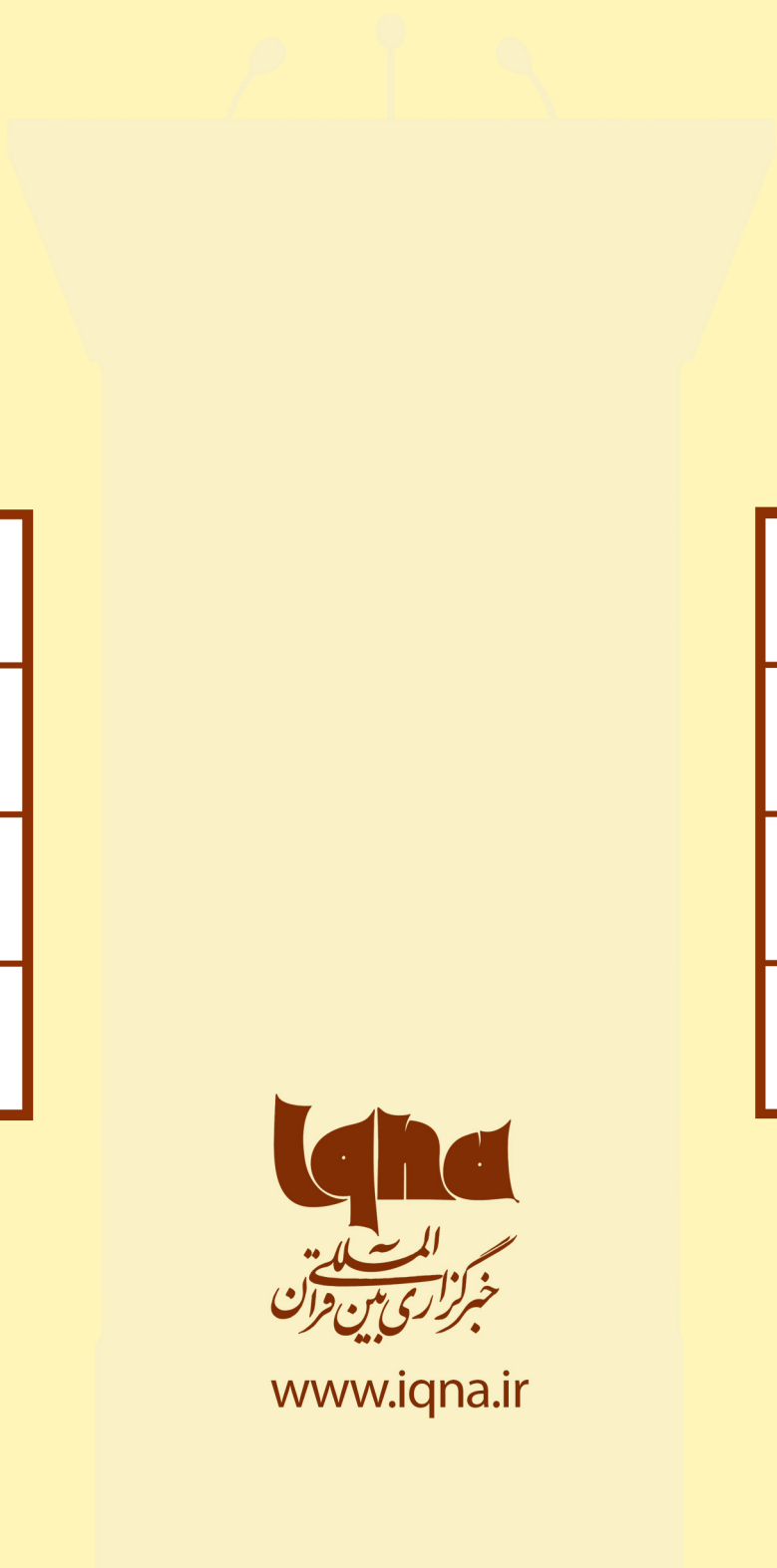


عنوان: مناظره با شیطان
 مؤلف: اصغر بهمنی
 مشخصات نشر: قم: سعید نوین، ۱۳۹۲، ۹۶ صفحه
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۳۳-۸۹-۴



ویژه‌نامه

مناظره در پرتو
 قرآن و عترت



iqna
المستقبل
مركز أبحاث
www.iqna.ir

